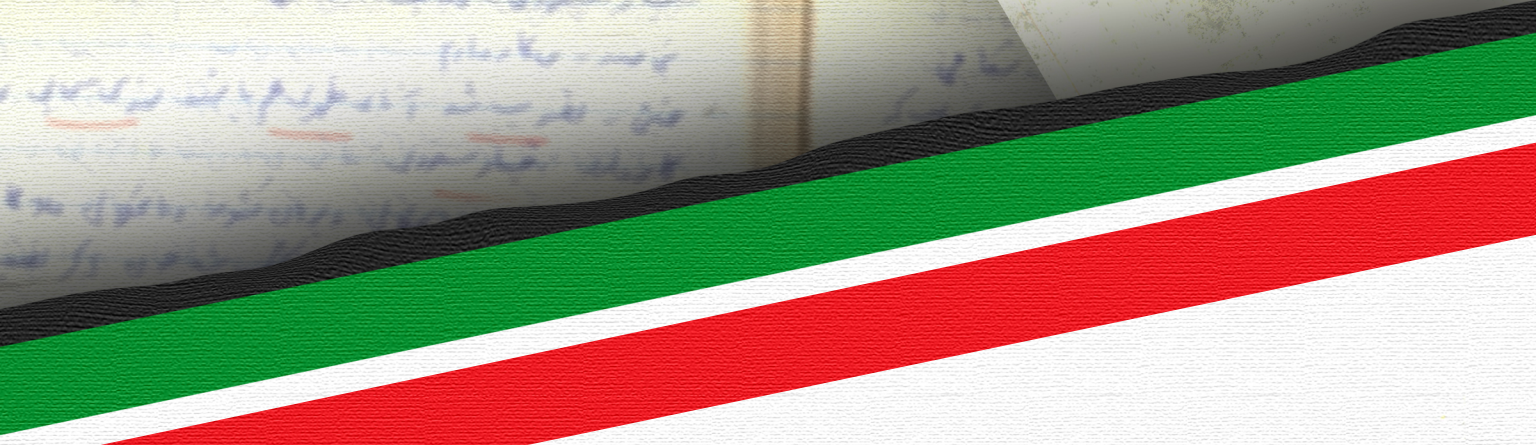


شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران  
موضوع: ...  
تاریخ: ...  
شماره: ...

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران



Handwritten text in Persian script, likely a document or letter, with some words underlined in red.



# صورت مذاکرات شورای انقلاب

خرداد ۱۳۵۸

سپهر

## جلسه سه‌شنبه 1358/3/1

[جلسه اعضای شورای انقلاب و دولت موقت با امام خمینی / حاضران: آقای خمینی، دکتر اسلامی، دکتر مبشری، مهدوی [کنی]، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، دکتر یزدی، مهندس صباغیان، موسوی [اردبیلی]، بهشتی، خامنه‌ای، باهنر، هاشمی [رفسنجانی]، مسعودی، فروهر، شیبانی، مهندس سبحانی، مهندس کتیرائی.]

1) کیفیت رأی گرفتن در مورد قانون اساسی، (2) لایحه زمین، (3) ساعت، (4) شوراهای شهر و روستا، (5) عفو ارتش.

بهشتی: ساعت مسئله‌ای نیست از نظر من (طالقانی، بنی‌صدر آمدند).

خمینی: قانون اساسی چه شد [؟]

مهندس بازرگان: طرح آن آماده شده، دو هفته دیگر [منتشر می‌شود].

خمینی: خیلی مسامحه شده. طرح اول را بدهند من خودم [اعلام] رفراندوم می‌کنم.

هاشمی: همین مسئله مطرح است.

خمینی: این قانون را بدهید یک هفته بحث شود.

هاشمی: روی آن بحث شود.

خمینی: [مسئله بعدی] ارتش است، شما آن را نساخته‌اید و توطئه پیش می‌رود. رئیس ستاد ارتش کنار برود، اگر کسی نیست خود [من] رئیس می‌شوم<sup>1</sup>. مملکت به نابودی می‌رود. نمی‌شود مسامحه کرد. کارها را انجام دهند، بالای سر بندرعباس طیاره‌ها رفت و آمد می‌کنند، گفته‌اند به ما کار نداشته باشید. شوراهای ستاد را کنار گذاشته‌اند، افراد مصلح را کنار گذارده‌اند، اشخاص دیگر را آورده‌اند. مردم خون دادند، خمینی مشورت کند، همه شما را از بین ببرند (قطب‌زاده آمد).

---

1. چند روز پس از این جلسه اعلام شد که طبق تصویب شورای ارتش در هیأت دولت، ارتش نوسازی می‌شود و نظام آن بر پایه ایدئولوژی اسلامی و عدم تعهد شکل خواهد گرفت و ارتش در اختیار دولت منتخب ملت خواهد بود (کیهان، 1358/3/6، ص 5). لازم به ذکر است که انحلال ارتش یکی از مهم‌ترین خواسته‌های گروه‌های چپ، خصوصاً سازمان مجاهدین خلق، از دولت موقت بود.

هاشمی: اجازه بدهید یکی یکی بحث شود.

\*\*\*

[موضوع: نحوه تصویب قانون اساسی آینده:]<sup>1</sup>

بهشتی: یک جلسه روی کیفیت رأی گذاشتن [قانون اساسی] بحث شده؛ دو نظر به صورت روشن وجود دارد: یکی تصویب توسط مجلس مؤسسان، یکی [دیگر] رفراندوم. نظر سوم مبهم این که قبلاً در یک مجمع به صورت غیررسمی نظرخواهی شود، [مجمع شامل] کسانی [باشد] که می‌توانند نماینده افکار و بخش‌های کشور باشند و رأی اصلی با رفراندوم باشد. مجلس شور بیش از دو هفته نباشد. مجلس مؤسسان چهار ماه است [طول می‌کشد]، این مجلس دو هفته [ادامه دارد]. رأی نهایی به صورت رفراندوم باشد.

خمینی: اشخاص که نماینده عمومی هستند، همه‌شان هستند.

بهشتی: برادران اهل تسنن به آنها بها داده شود.

خمینی: می‌گویند مذهب جعفری نباشد.

بهشتی: دین رسمی اسلام، و فقه رسمی جعفری است، مگر برای مناطق اهل تسنن که در احوال شخصیه تابع مقررات خود هستند.

هاشمی: نظر دیگر که آقای مفتی زاده گفته.

خمینی: مفتی زاده چه کاره است [؟] زودتر تمام کنید.

هاشمی: راهی که کم‌تر زحمت داشته باشد. آنجا قبول کرد مذهب رسمی شیعه است؛ در نقاطی که اکثریت اهل تسنن باشند، مذاهب [اهل] سنت، رسمی باشد.

خمینی: چند مذهب که نمی‌شود رسمی باشد، در پاکستان، در عربستان، در اندونزی.

طالقانی: مذهب رسمی نیست.

---

1. قبلاً در خصوص مسئله تشکیل مجلس مؤسسان و سپس تغییر دیدگاهها و تصمیم به تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و سیر کلی آن، مطالبی به تفصیل بیان شد.

خمینی: اخیراً ضیاء الحق<sup>۱</sup> گفته مذهب تشیع را احترام می‌گذاریم.

هاشمی: در نقاطی که سنی‌ها اکثریت دارند، دو مذهب باشد.

مهدوی: قاضی چه کند [؟]

هاشمی: احوال شخصی خودشان باشد. نمی‌شود گذاشت همان قانون اساسی اولی باشد.

خمینی: توطئه می‌کنند.

هاشمی: ...

مهدوی: اگر مجلس مؤسسان باشد، مسائل حل است.

خمینی: اصل مجلس مؤسسان تا شش ماه و یک سال درست نمی‌شود.

دکتر سبحانی: مجلس مؤسسان نمی‌خواهیم؟

بزرگان: تا حال صحبت مجلس مؤسسان می‌شد، روی فرمایشات و دستورات خود حضرتعالی بود. در فرمان بنده [برای نخست‌وزیری] جزء وظایف بعد از فرماندوم، تشکیل مجلس مؤسسان و بعد تصویب قانون جدید بود. پس از حمد و ثنا، دکتر سبحانی وزیر مشاور شد برای امور انقلابی که در رأس آن قانون اساسی است. قانون مذکور نواقص فراوان داشت. مکرر روی دستوری که به بنده دادید، حضرتعالی گفته‌اید، اخیراً به دانشجویان فرموده بودید تشکیل مجلس مؤسسان. دولت روی این زمینه به افکار عمومی و به اقلیت‌ها وعده داده که هر نظر دارید بدهید، بررسی می‌شود. تا آنجا که شورایی طرح سوال کند یا شورای انقلاب از طرح پیشنهادی که می‌آید حق از کسی ضایع نمی‌شود. آنچه مبنا و مبدأ امر به امام بوده، عمل شده، چه در خارج، چه در داخل، و چه به عامه و اقلیت‌ها، چه مسلمان و غیرمسلمان، این تعهد و قول را داده.

خمینی: من اگر نفهمیدم و حرف غلط زدم، تا آخر سر قولم باشم [؟] اشتباه کرده‌ام. باید فرماندوم باشد. مجلس مؤسسان به این زودی درست نمی‌شود. اشکالات پیدا می‌شود. بعضی حقوقدانان وارد می‌شوند، طرح می‌دهند [و] کارشکنی می‌کنند. همین‌ها که خیانت به مملکت می‌کنند، وارد [آن مجلس] می‌شوند. قابل عمل نیست. سندیکای نویسندگان، مذهب را به هم می‌زنند. باید به آراء گذاشت و سال‌ها طول می‌کشد. مذهب مطرح نیست.

---

1. محمد ضیاء الحق (88-1924) رئیس جمهور پاکستان در فاصله سال‌های 88-1978.

آن که پیش برده، مذهب است. آن جبهه و آن نهضت و آنها می آیند جلو. آن که پیش برده، آن نیروی مذهبی‌ها بوده. نمی‌شود کاری کرد. مردم بیچاره فریاد کرد [و] با اسم مذهب پیش بردند، قانون اساسی را کنار بگذاریم.

دکتر سبحانی: اگر نظر حضرت‌عالی بر تعویق امر است، این ممکن است رفع شود. اگر اصل است، تعویق سبب می‌شود نظرها بدهند. باید گرفته شود. چه کسی سوء استفاده می‌کند [؟] خود حضرت‌عالی اظهار می‌کنید به چه کسانی رأی بدهید، اکثریت معلوم می‌شود، مورد بحث واقع می‌شود. هر قانونی [باید] متکی به رأی عمومی باشد. خمینی: رأی عمومی بی‌واسطه باشد، چقدر حلاجی شود.

هاشمی: روی حلاجی شده فکر شود.

خمینی: حلاجی جز مسامحه چیزی نیست.

دکتر سبحانی: برای تأمین نظر حضرت‌عالی است. اگر تمام مخالفت‌ها شروع شود [چه کنیم؟]

خمینی: با ملت طرف هستیم. نویسنده‌ها نیستند. به دست ملت است.

دکتر سبحانی: دست خود ملت باشد، خود ملت کرده. حداکثر چهار ماه نیست.

قطب‌زاده: این‌طور نیست، اگر نمایندگان فلان باشند، نمایندگان حق دارند رأی بدهند. ایشان خودشان بگویند رفراندوم.

دکتر سبحانی: آقا خودشان گفتند.

خمینی: من اشتباه کردم، غلط کردم. من مصالح مملکت را تابع رأی خود نمی‌کنم. من اشتباه می‌کنم.

دکتر سبحانی: خلاف اسلام نروند.

خمینی: نه شما، نه ایشان، نه آنها که اینجا هستند.

بهشتی: ایشان می‌گویند اگر چیزی گفتم و اشتباه است، باید بگویم اشتباه است. استناد به این که گفته‌اند نشود. بحث مصلحت بودن مطرح است. دو نظر است؛ یکی مجلس مؤسسان باشد، نمایندگان افراد روی تک‌تک مواد نظر و رأی بدهند. عنوان دیگر چون کار فنی است در جلسه خبرگان باشد، افراد از طریق خبرگان نظر بدهند. ما اول روی همین می‌گفتیم مجلس مؤسسان. در بررسی‌های بعدی به این مطلب برخورد کردیم. اولاً با آشنایی با

موانع نمی‌شود فهمید اکثریت که می‌آیند به مجلس خبرگان [آیا] صالح هستند یا نه [؟] ثالثاً در شرایط کنونی کنترل نبودن اوضاع، نبودن سیاست کامل و با وجود توطئه‌ها آیا صلاح است یا نه [به] این دو بُعد رسیدگی شود.

خامنه‌ای: اگر با تشکیل [مجلس] مؤسسان، چهره جهانی را آرامش بدهیم، انجام نمی‌شود. کسانی که در صورت فراندوم اعتراض می‌کنند، در صورت مجلس مؤسسان [اعتراضات] چند برابر می‌شود. در انتخابات، در ترکیب، [و] در همه موارد، مورد هجوم است و توطئه است.

بنی‌صدر: اشتباه را می‌گویید. اگر شخص معمولی بودید، صحیح است. [اما] در مقام رهبری، تزلزل در ارکان است. خمینی: [تزلزل] نمی‌آورد. شما حرف نزنید. من می‌دانم. عموم ملت کار ندارد، روی اسلامیت رأی می‌دهد. نویسندگان و متفکرین که دخالت در این کار نداشته‌اند. من طلبه هستم. هر وقت نفهمیدم [و] اشتباه شد، می‌گویم مصالح مملکت است، توطئه در کار است، کودتا می‌کنند. من گفتم راه آن قانون اساسی است.

بنی‌صدر: ...

خمینی: شماها حرف می‌زنید [در] اتاق سربسته.

بنی‌صدر: جلوگیری بشود [تا] چون و چرا نباشد.

خمینی: آخوند شما را نجات داده. اخلال می‌کنند مثل اول مشروطه، که اول آخوند درست کرد، بعد آخوند را کشتند.

بنی‌صدر: قانون اساسی را نمی‌شود گفت اشتباه است، عوض کنیم.

بهشتی: عدول از قانون اساسی مشکل است. باشد که قانون اساسی اتقان در آن شود.

خمینی: نشده.

بنی‌صدر: یک هفته درست می‌شود.

خمینی: یک هفته نمی‌شود.

قطب‌زاده: مسئله برمی‌گردد در آنجا مسائل اساسی که مورد اختلاف است، اگر رأی اکثریت با شما باشد و بدهند، می‌گویند این بند قانون اساسی خلاف مصالح ملت بود. [اگر] عده‌ای که دست‌اندرکارند نتوانند قانون اساسی را تغییر بدهند، از مجلس مؤسسان چه توقع است [؟]

بهشتی: صبر کنید، یکی یکی بحث شود. نکته بنی‌صدر را به نتیجه برسانیم. نظر جنابعالی تأمین باشد.

بنی‌صدر: قانون اساسی ارکان حکومت است. باید کاملاً محکم باشد.

بهشتی: استحکام قانون اساسی ایجاب می‌کند در یک جلسه از کارشناسان و خبرگان مطرح شود، خواه انتخابی، خواه نه. الان دو سه ماه است در محافل خبرگان مطرح است، پخته شده را به رأی می‌گذارند.

مهندس سبحانی: چون خودمان از اول وعده کردیم، در انتظار آن هستیم. اگر مردم حرف نزنند، سخنگوها می‌گویند حالا که سوار شدید زیرش می‌زنید. این نیست که بگویند اشتباه شده و ادعا می‌کنند سر ما کلاه گذاشتید.

خمینی: دشمنان هر کار بکنید، حرف خود را می‌زنند.

سحابی: منطقی و ساده (راه حل آن) مجلس. این قدرت را داریم، مجموعه دولت و رهبری که هر کس را کاندید کند، انتخاب شود. در مجلس ششصد نفر را با ترکیبی که خودمان مصلحت می‌دانیم، اما ترکیب را بین خودمان، حزب جمهوری اعلام کند، طالقانی اعلام کند، شما از بالا سر بگویید، در یک هفته انتخابات شود، تمام آن با 95٪ آرا انتخاب شوند. قدرت بحمدالله داریم و این کار سبب می‌شود مجلس برگزیده داخلی، هم صاحب‌نظران و هم افراد مطمئن [در آن باشند].

خمینی: دو نفر صاحب‌نظر باشند، یک سال معطل می‌کنند.

دکتر سحابی: جلو می‌گیرند.

خمینی: نمی‌شود گفت حرف نزن.

سحابی: یک اشکال است [که] این قانون اساسی [با] 160 اصل [را] یکجا به آرای عمومی بگذاریم.

قطب‌زاده: فرانسه [این کار را] کرده.

یزدی: نکرده. چرا از فرانسه پیروی نمی‌کند [؟]

خمینی: چه مانع دارد [؟] کار خوب است.

قطب‌زاده: خود امریکا کرد.

طالقانی: یکی یکی بحث شود.

مهندس سبحانی: فرانسه که [این کار را] کرد، اصل تغییر جمهوری [را] به فراندوم گذاشت و خود قانون اساسی را مجلس شورا و سنا بحث کردند. قانون اساسی فوراً تصویب می‌شود، کاندیداهای مورد علاقه اعلام شود. حزب جمهوری اعلام کند، احزاب دیگر هم تأیید کنند، آقای طالقانی در تهران، از بالا سر آقا بگویند.

خمینی: پیش نمی‌رود.

بنی‌صدر: نکنید ما چه می‌بینیم. خامنه‌ای می‌گوید مجلس باسماه‌ای.

دکتر سبحانی: آقای قطب‌زاده در محضر آقا حالت ناراحت به وجود نیاورند. در دنیا سابقه ندارد که قانون اساسی با یک رأی تصویب شود. تغییر رژیم می‌شود کرد. [اما] قانون اساسی را مجلس مؤسسان یا یک مجلس مشترک [باید تصویب کنند].

بهشتی: پرتغال هم جزو آن است، از نظر تصویب فراندوم.

مهندس بازرگان: تز خود را مطرح می‌کنند.

دکتر سبحانی: قانون اساسی بدون بحث و مباحثه نبوده.

خمینی: بحث شود.

خامنه‌ای: در روزنامه‌ها [بحث] بشود.

دکتر سبحانی: خبرگان را شما تعیین می‌کنید. ما حق دیگران را ضایع کرده‌ایم. خبره دیگری نیست، جز همه آنها که شما می‌شناسید. 165 اصل دارد، [مربوط به] تمام شئون مملکت است، بحث روی آن شده. قانون اساسی است، خواهد ماند. تبعات قضیه، موضوع اصلی را از بین نبرد. آیا باید نماینده شود در شئون مملکت یا خبرگان نظر بدهد [؟] اگر حزب جمهوری شما، احیاناً ماها هم توانستیم خبرگان را تهیه کنیم، چه اقدام می‌توانیم بکنیم [؟] نظرخواهی از تمام بشود. نگرانی دوم آقا [که] می‌گویند طول می‌کشد، اصول مجالس آئین‌نامه دارد. در ضمن فرستادن مجلس مؤسسان، آئین‌نامه اجرایی معین شده. با این تشنج و اوضاع، آیا تصور می‌شود که بگوییم



حضرتعالی عدول کرده‌اید [؟] خدا می‌داند وضع مملکت متشنج‌تر خواهد شد. امیدهاست. ما قول دادیم. در خدمت هاشمی، بنی‌صدر و عزت [سحابی] تمام این پیش‌بینی‌ها شده، محل رأی‌گیری معین شده. بهشتی: زاید است.

دکتر سحابی: شما خبر داشتید، اطلاع دادم. الان کشف کردم نظر دیگری هست. صریحاً به مردم گفتم آن‌طور خواهد بود. ایمان داشته باشید، با حضور ذهن می‌گویم یک درصد به سهم خودم فکر نکردم از طریق فراندوم است، وگرنه برمی‌گشتم.

خمینی: تالی فاسدش چیست [؟]

دکتر سحابی: تشنج عمومی.

خمینی: چهار تا نویسنده می‌نویسند، عموم مردم با من. نویسندگان مال شما. افکار عمومی با نویسندگان نیست. این استدلال بنی‌صدر، سکوت او نشانه رضای او است.

فروهر: اگر مسامحه در کارها به عرض رسیده [و] ضعف در تصمیم‌گیری، توطئه‌ها وجود دارد. اگر کار غلط برای آینده بشود، درست نیست. با بررسی قانون اساسی، چند کلمه روی کاغذ آمدن و قطعی شدن، به این توطئه‌ها پایان داده نمی‌شود. این تصور درست نیست. قانون اساسی هم باشد، استقرار در ظاهر است؛ قدرت به وجود نمی‌آورد. مسامحه، توطئه را جلوگیری نمی‌کند. اگر قانون اساسی باشد، بعضی توطئه‌ها بلافاصله سرکوب می‌شود. ضعف مجریان، ضعف دولت. دولت قطعی، مجلس که باشد، برداشته نشود، به این دلیل فکر باید کرد. با نوشتن فوری قانون اساسی، این مسامحه‌ها پایان پیدا می‌کند. یکی مسئله پایه و اساس کار است. آنچه معرفی شده، ممکن است مردم با آن موافق نبوده‌اند، ولی فعلاً باید ادامه یابد. باید اشتباه رخ ندهد. اگر عملی اشتباه شد، این سعه صدر جنابعالی است که می‌گویید برمی‌گردم. آنچه گفته شده، اشتباه نبوده. سابقه نداشته قانون اساسی را یکدفعه رأی بگیرند، پیش از نظرخواهی از عموم. در مورد فرانسه، حکومت به فراندوم گذاشته شد، مجلسین بحث کردند و قانون اساسی را تصویب کردند. در مورد پرتغال که نه جناب دکتر بهشتی یقین داشتند، نه آقای دکتر سحابی، از آن کشور پرسیده شود [که] بدون تدارک قبلی بوده [؟] به معنی اصولی ممکن است نگرانی به حق باشد. راه مختلف دارد. از حق شرعی استفاده کنید و تصویب کنید، این نگرانی رفع می‌شود و ایرادهای اهل تسنن با توجه به حقوق خود که در گذشته داشته‌اند، زبانشان بسته است. در سایر اصول که مایل نیستند، از حق شرعی استفاده کنید. روش درست این است [که] همه حرف‌ها را بزنند. انقلاب ایران قدرت دارد و همه حرف‌ها را

پاسخ می‌دهد. [اگر] ایراد بگیرند، مجلس آئین‌نامه دارد، سریع می‌گذرد و محدود نکنید کار را. در مجلس جلسه‌ای تشکیل می‌شود برای تنقیح قانون اساسی. لزوم ندارد. حضرتعالی کسان معینی را حمایت کنید، اکثریت ملت با طیب خاطر رأی دادند و اکنون هم رأی می‌دهند. سستی نکنید؛ معین کنید تا فلان مدت انجام شود، کار بکند، انجام دهد. توطئه هست. بدون بهانه فردا توطئه است. اعتبار حضرتعالی به جای پشتوانه استقلال مملکت، راه‌حلهایی که بر این اعتبار خدشه برساند، عام بودن حضرتعالی را از بین می‌برد [اگر] توجه نشود.

خمینی: شما خواهید دید که دو هفته و سه هفته، نه بیش‌تر، خواهد شد. برای انتخابات هم چقدر طول می‌کشد. در مجلس چه گرفتاری خواهد بود.

هاشمی: قبلاً بگویم فرض این است، تصمیم قبلاً گرفته‌اند. در گذشته اکثریت نظرمان این نبود. بحث گذشته، اکثریت شورا نظرش این نبود مجلس مؤسسان باشد، عیبی که ما را ملزم به مجلس کند، غیر از طول زمان. شما که قبول کنید توی مجلس خودمان هستیم. زمینه دیگری بود، اگر تصمیم به فراندوم گرفته شد، عصر اعلام می‌کنیم یک ماه دیگر فراندوم انجام می‌شود. متن قانون اساسی [را] در ظرف یک هفته می‌دهیم به روزنامه. میزگرد باشد، آنها که بیش‌تر از ما حرف می‌زنند، شک دارند، حرف خود را می‌زنند. اگر حرف حسابی بود، در قانون می‌آید. هرچه حرف دارند [بزنند]. [به] ستاد اعلام می‌کنیم بدهند. در آن جلسه شما دو تا (مهندس بازرگان، دکتر سبحانی) مثل الان با ما مواجه شدید. حتی مهندس سبحانی می‌گفت می‌شود. می‌شود یک ماه وقت داد. برای مردم روز اول، فراندوم مطرح بود. چه شورا مایل نبود. هر حرکت شما شخصی بوده.

مهندس بازرگان: از آقا پرسیدیم.

دکتر سبحانی: اساس ایشان هستند.

هاشمی: اگر اساس ایشان هستند [...]

شیبانی: از توطئه نترسیم. رسیدگی کنیم چه چیز صلاح است، آن را انجام دهیم. دیگران هرچه می‌خواهند بگویند. باید یک عده خبره بنشینند [و] نظر بدهند.

دکتر یزدی: تصمیم شما که به کرات گفته‌اید، بهترین تصمیم بوده. باید بگویم عدول از تصمیم اشتباه است. از نق و نوق و حرف‌های نویسندگان، بحث است؛ اینها از موضع ضعف است، به استحکام و قدرت انقلاب ما به‌درستی اعتقاد پیدا نکرده‌اند. دو تا آدم غرب‌زده یا منحرف قادر خواهد بود در مجلس مؤسسان خدشه بیاورد و از مسیر

اصولی منحرف می‌شود. در مجلس مؤسسان با تمام خصوصیات که برادران گفتند، اگر تصویب شود، انقلاب به پیروزی نخواهد رسید. علامت ضعف است، [در] مجلس مؤسسان چند نفر شرکت کنند و شلوغ کنند. ما می‌خواهیم ترتیب اثر ندهیم. عدم تدوین قانون اساسی. اجرا کردن قانون اساسی کنونی بهتر است از قانون اساسی به این ترتیب.

مهندس بازرگان: [در خصوص] عرایض دوستان و بنده حساب این است، حس می‌کنم وضع مسئولیت در برابر آن وظیفه که به ما دادید، با همان ترتیب و مخصوصاً در برابر قانون اساسی [که] یک قطعه شعر نیست، ده نفر بیاید، ده نفر نیاید. این سرنوشت و اساس مملکت است. انقلاب برای یک سال و دو سال نیست. وقتی این قانون باید صدها سال باشد تا قیام امام زمان. ما هم آنچه در سراسر عمر در این مملکت کرده‌ایم و هدف ما اسلام بوده، برای اسلام. دکتر سحابی و بنده و فروهر دلش برای اسلام شور می‌زند. دکتر شیبانی وقتی می‌گوید به حرف‌های خارج اهمیت ندهید، مسئله این است [که] انقلاب ما، دولت ما پرچمی هستند برای آینده و این انقلاب ما پرچمی خواهد بود برای اسلام آینده، ولو سیصد سال دیگر. نهضت ادامه دارد. حرف این است که می‌خواهند ببینند اسلام چه می‌گوید. باید چیزی [را] در نظر گرفت که دویست سیصد سال دیگر ایراد نگیرند. عمیق باشد. آمدن و گفتن اینکه 180 ماده را یکجا رأی می‌دهم، تحمیلی بر مردم است، ولو آن که ملت رأی می‌دهد. حق مردم را ضایع کردید. مادامی که آراء و نظرات اثر نداشته باشد، مسخره کردن مردم است. همان‌طور که آقای طالقانی گفتند، درک این که 160 یا 180 ماده یکجا آره و یا نه گرفتن، قابل قبول نیست. گفتید اشتباه شده [و] برمی‌گردم، شخص جنابعالی فرق دارید با دیگری. می‌گویم اشتباه شد، پل 40 در 60 بود، اشتباه شد. تازه درست نیست. این که عهد و پیمان مملکتی و یا دنیایی بسته شده و حقوق مردم در بین است، نمی‌شود گفت اشتباه شده. اگر قبول داریم قانون اساسی مال مردم است و نسل‌های آینده؛ اشتباه کردم برمی‌گردد. اعلام کردید، با اعلام حقوقدان و فرد معمولی فرق دارد. بیاید قانون اساسی بنویسیم و از طریق مجلس مؤسسان نظر خواهد داد. پیمان بوده، جنابعالی و با تصویب جنابعالی بارها با مردم تکرار کردم. برگشت از این پیمان اگر بکنم، حق دارند بگویند کلاه سر ما گذاشتید. توطئه‌هایی در بین است. [به] گزارش‌ها رسیدگی شود. آیا ما حرف فراندوم برای قانون اساسی (که می‌گویم غلط است و عیب اساسی دارد) زدیم [؟] زحمت کشیده شده روی اصلاحات این کار. فراندوم تشدید می‌کند توطئه‌ها را. خیال نکنید اگر قانون اساسی تصویب شد، رئیس‌جمهور معین شد، مجلس درست شد که در مجلس همین ایرادها در آن هست. فکر نمی‌کنم، مملکت مجلس نمی‌خواهد، خودمان اقدام می‌کنیم. توطئه‌های سیاسی، اقتصادی ضد هم خواهد بود. بلکه در موقع فراندوم هم بود. [برای] این توطئه‌ها آن موقع

جواب قاطع بود [که] مملکت اسلامی است. جمهوری اسلامی یا شاه، شق ثالث نداشت. در مورد حکومت اسلامی گفتیم متن آن بعد منتشر می‌شود و بین نمایندگان شما مطرح می‌شود. [این که گفته شود] جبهه ملی و نهضت آزادی توطئه است و ضد اسلام، [آیا] این تهمت نیست [؟]

خمینی: این را نگفتم. گفتم دخالت در این نهضت نداشته [اند]. شما را اگر ضد مذهب می‌دانستم که [به عنوان نخست‌وزیر] انتخاب نمی‌کردم.

مهندس بازرگان: من اشتباه شنیدم. چیزی که در مخیله آنها نیست، توطئه علیه مذهب است.

خمینی: دکتر سنجابی را نمی‌گویم. دیگران توطئه دارند و نمی‌گذارند [کار] به آخر بیاید.

مهندس بازرگان: تصور حضرت آیت‌الله در این است [که] اگر مجلس مؤسسان باشد و مطرح شود، قانون اساسی غیر از طرح اولی باشد، حقوقدانان و افراد فقیه در بررسی آن تاخیر می‌کنند و دو سال طول می‌کشد. این مطلب موقعی مطرح شد که در شورای انقلاب به توافق نرسیدیم. ایراد نیست، طرح قانون مجلس مؤسسان مطرح نشده بود. در طرح تهیه شده، پیش‌بینی جلوگیری از مشکلات شده یا نه [؟] آقای موسوی در جلسه سه‌شنبه گفتند قانون تشکیل مجلس مؤسسان مطرح می‌شود. موضوع سیاست کلی دولت مطرح شد و آن مطرح نشد. نگرانی نیست و اگر باشد، با آن زمینه توجهش وجود دارد. بعد حق مردم است. عهدی شده و مصلحت و آبروی مملکت و اسلام علاوه بر آبروی رهبری درگیر است.

بهشتی: آئین‌نامه آقایان را خوانده‌ام و نظر داده‌ام. در بررسی مسئله، جهات اصلی بحث جدا شود. قانون اساسی چیزی نیست عادی [که] به رأی توده مردم بدون مطالعه کافی آنها گذاشته شود. آنچه به عنوان راه‌حل مطرح شده، این است [که] مجلسی از خبرگان که مردم می‌شناسند، 20 یا 30 نفر، اینها قانون اساسی را بعد از تمام زحمات آقایان، بنشینند، روی آن بحث کنند، تنقیح کنند و به مردم گفته شود که این قانون اساسی است که این افراد بررسی کرده‌اند، در معرض دید شما می‌گذارند، دو هفته هم هر صاحب‌نظر حرفش را بگوید، می‌گوییم یک هفته مجدداً مشاوره و صرف وقت کنند، عصاره‌کشی کنند.

مهندس بازرگان: طرح بدهید.

بهشتی: بعد می‌گوید این جلسه خبرگان، این قانون اساسی را تهیه کرده، به فرزند دوم می‌گذاریم و رأی روی تمام است که رأی حساب شده، از نظر دنیا هم نگوئید چیزی را سرهم‌بندی کرده و از خطر آفات طولانی پرهیز شده.

یک هفته تعهد می شود همه کارها تعطیل. من روی قانون کار کرده ام، عده ای را آقا تعیین کنند، دوستان معین کنند از کسانی که در مردم به عنوان صاحب نظر شناخته می شوند، چهار تا حقوقدان غرب زده هم باشد. یک طرح مصوب اکثریت این جلسه به معرض دید مردم به فاصله یک هفته [گذاشته شود]. سه هفته بحث رادیو تلویزیونی، یک هفته بررسی و عصاره کشی [صورت گیرد]. اگر روش جالب بود، استفاده کنند، سر 5 هفته فراندوم باشد. آنچه گفتم، یکی از دوستان اهل مطالعه، وضع تصویب قانون اساسی را در صد سال اخیر تحقیق کرده، در دو جا قانون اساسی فقط به فراندوم گذاشته شده. ممکن است مراحل مقدماتی شبیه آن بوده، از او سند نگرفتم. عرض قبل، هیچ جای دنیا این کار را نکرده اند. رویه است، جمیع جوانب اتقان شده و بررسی شده، آن وقت دیگر چه باک.

قطب زاده: واقعیت است [که] قشری که زیاد حرف می زند و کنگره درست کرد، همان قشر شمال شهر تهران، یک نوع غرب زده که منافع آنها به خطر افتاده [و] ربط به مجموع مردم ندارد. بسیاری از نظرات ما ناشی از این قشر است. می گویم طول نمی کشد، آئین نامه بگذاریم، سه ماه بیش تر نشود. مجلس خودش شخصیت حقوقی دارد. می تواند ادامه بدهد، آئین نامه مجلس را خودش درست می کند. اگر نه این کار بشود و مجلس باشد، همان آش و همان کاسه است. سیصد نفر آدم در مجلس مؤسسان، اگر این عده آدم داشتیم، می گذاشتیم استناداری [و] معاون وزارتخانه ها؛ ولی نداریم. تمام انتصابات.

طالقانی: بی ربط است.

قطب زاده: عهد و پیمان با مردم از طرف مردم بوده. خود ایشان می گویند مجلس مؤسسان تشکیل نشود. شرط قبولی مهندس، مجلس مؤسسان نبوده. بارها مجلس مؤسسان مطرح شده، ولی موضوع فراندوم در جمهوری اسلامی طرح بود. بحث مجلس مؤسسان شد، بدان نتیجه رسیدیم، چون نمی توانیم اظهار نظر صریح بکنیم. به همین دلیل مطلب دولت که باید جمهوری اسلامی که قانون آن از مجلس مؤسسان خواهد گذشت عرض شد، کردیم، قانون اساسی آن با آراء مردم تصویب می شود. روی این کار شده، قانون آن هم تعیین کرده. اصرار روی [حرف] آقا درست نیست. آخرین حرف، اگر نمی شود مؤسسان بشود، سه ماه دیگر قابل دوام با این وضع نیست. این ادامه عمر دولت فعلی و وضع فعلی را مجلس مؤسسان در چهار ماه و نیم آینده معین کند. مجلس مؤسسان، قانون اساسی را به سرعت رد شود، وضع حکومت تثبیت شود و اصلاحات اساسی انجام گردد.

دکتر سبحانی: مطلب روشن شد. در جلسه گذشته ما در تهران و آقایان این بحث عمق پیدا نکند و تفوه این که شورا انقلاب و دولت مقابل هم هستند. این طور نیست. طرح مطرح شد که به ذکر دولت نرسیده بود. بر عکس فرمایشات آقای قطب‌زاده، ما مجلس مؤسسان را آماده می‌کردیم و چنین تصور که با فراندوم بشود حل کرد، نکردیم. هرگز، هرگز این مطلب تحت نظر خبرگان که شما معلوم می‌کنید، مورد تأیید مردم نیست. باید بحث کنند، جواب بگیرند، هر چند افراد انتخابی شما بسیار بادی نظر باشند. در آن وضع، نظر عمومی گرفته نشده. طریق نظرخواهی اگر وارد شود، متن اولیه جای خود [را دارد]. در روز ده نظر دریافت می‌کنیم، قدرت جمع‌آوری نیست. این گرفتاری راجع به معدودی نظرهاست. مقررات مجلس برای نظم آن است. 165 موضوع متفاوت را بحث کنند. یک نفر مخالف بود، باید رأی منفی بدهد.

هاشمی: رأی منفی بدهد.

دکتر سبحانی: میزگرد وافی به مقصود نیست. [درباره] قسمت اخیر فرمایش قطب‌زاده، به مردم اهانت نکنید، این مردم فعالیت کردند.

قطب‌زاده: چه اهانت [؟]

دکتر سبحانی: مردم خیلی بینا هستند، برای تعیین مقدرات خود بینا هستند. مردم را باید هدایت کرد، باید فرصت داد.

فروهر: خبرویت و عده‌ای که اهل خبره می‌شوند، چه کسی آنها را انتخاب می‌کند [؟] مردم به حساب می‌آیند یا نه [؟] خودشان باید معین کنند، جز آن قسمت که حق الهی دارد، دیگر مسئله خبره نیست. یا از طرف خود امام، یا دیگری. کسانی در مجلس مؤسسان مأمور می‌شوند، تازه همان‌ها که در قانون اساسی قبل هم بود که اجرا نشد، حالا می‌گویند باشد که رعایت شود احکام شرع. نمایندگان مردم کمیسیونی برای تعیین قانون اساسی معین می‌کنند، تصمیم‌گیری نهایی با مردم است. تکرار کنم هیچ خطری با وجود رهبری عالی که اکنون هست، در مملکت ما را تهدید نمی‌کند، مگر آن که این توطئه‌ها شکل منطقی پیدا کند و به تدریج جایش را باز کند.

موسوی: این صحبت‌ها که شد، اکثر آنها در جلسه شورا، هم در آخرین جلسه و هم سابق، مقدار زیادی بحث شده بود و تکرار شد. دو سه مسئله هم در آنجا و هم اینجا از هم جدا هستند. آن که آقا را نگران کرده و واقعیت است و در جلسه اخیر، بعضی رفقا را نگران کرده بود [این است که] سه ماه از این انقلاب گذشته. در عرض سه ماه امکانات نبوده، مشکلات بوده، کم‌کاری بوده، کار نداریم، فعلاً در موقعیتی هستیم که دو ماه پیش در موقعیت

قوی‌تر بودیم. بالاخره الان مشکلات زیاد به وجود آورده. ایشان وسیع‌تر [به مسائل می‌نگرد]، ما محدودتر. اگر بدین منوال پیش برود، دو ماه دیگر کار تمام است. اگر به فکر مردم باشیم، دو ماه دیگر مردم نباشند، هم در آن جلسه، هم در جلسات خصوصی گفته شد ایشان قوی هستند. نه منکر مشکلات هستیم، نه به آن صورت دلهره و ناراحتی را. آقای دکتر کم‌تر نسبت به آن حساس هستند. دو سه ماه اگر باشد و این وضع جلو برود، عملی نیست. اگر قرار باشد قانون اساسی درست نشود، اینطور [درست] نیست. دولت موقت است، مردم [آن را] به عنوان موقت می‌شناسند. شورا معرفی نشده. برنامه در ابهام است. این ابهام‌ها هست [که] مردم را همه بهانه می‌دهد و هم در حالت دلهره نگه می‌دارد. نظر ما این است اگر قانون اساسی تصویب شود [و] نمایندگان مردم به مجلس بروند، آرامش پیدا می‌شود. مقدار زیادی بحث می‌کنند [که] شورا باشد یا نه؛ حرفی نیست. گفتن این که آن دموکراسی‌تر است، آزادی‌تر است، می‌دانم مشکلات اجتماعی را حل نمی‌کند. ارتش، اقتصاد، بیکاری، توطئه‌ها وجود دارد. حالا نگویند دموکراسی‌تر. آقای دکتر بیش‌تر توجه دارند به این مطلب و قابل توجه است، ولی موفقیت کم‌تر از آن به دست می‌آید. اگر اطمینان دارید بدون این که صدمه‌پذیر باشد، این را در عرض یکی دو ماه انجام می‌شود [انجام دهید]، [اما] به نظر ما [محقق] نخواهد شد. اما طرحی که قابل توجه مهندس بود (مهندس قابل توجه بود) این طرح (قانون اساسی) آماده شود، هم آن جهت را که مردم به‌قدر کافی در مسیر قرار گرفته‌اند و مقایسه بشود با قوانین اساسی دنیا و چاپ شود، بدهند به مردم.

خمینی: اگر برای جمع جهات باشد، برای هر استان خودش اختیار بدهد، یکی دو نفر برای مطالعه قانون اساسی معین کند، بیست یا سی نفر قانون اساسی را ببینند، بعد رأی‌گیری شود.

بهشتی: دو مرحله دارد، یکی پخته کردن، یکی رأی. این 40 یا 48 نفر از استان‌ها به آنها گفته شود 15 روز فرصت برای مطالعه دارند، و از نظر پشتوانه عمومی به رفراندوم بگذارند.

خمینی: رأی این 40 نفر متبع عمومی نه هر استان یک نفر یا دو نفر برای مطالعه بفرستد، مطالعه که کردند، اعلام کنند مطالعه کردیم و درست کردیم. یک مطلب مطالعه شده از طرف اشخاص منتخب خودشان، به رفراندوم گذاشته شود. همین قانون که مشغول تهیه آن هستید و بررسی کنید، به شماها اطلاع بدهند، در هر استان یکی یا دو نفر [برای این مجلس انتخاب شوند].

موسوی: از استان بخواهد.

قطب‌زاده: چنین انتخابات، یک ماه دو ماه هم طول نمی‌کشد.

خامنه‌ای: نظرم به مجلس مؤسسان بود، پس عرضی ندارم. مجلس مؤسسان جای بسیار خوبی است برای بزرگ کردن مخالفین.

فروهر: [مخالفین] به مجلس نمی‌آیند.

خامنه‌ای: اگر در مجلس بیایند، اول حرف بیایند، دسته‌جمعی استعفا می‌کنند. 25 نفر روشنفکر، نویسنده و جامعه‌شناس استعفا می‌کنند [و] مثل بمب در دنیا می‌ترکه؛ مصطفی رحیمی<sup>1</sup>، علی اصغر حاج سید جوادی و ... بزرگ کنیم باید برد مجلس مؤسسان. ولی اگر رفراندوم بیایند، یک رأی هستند. در مورد فرمایش آقا، این انتخابات به آسانی انجام نمی‌شود. در استان‌ها دو نفر یا برحسب جمعیت، کسانی را خودمان انتخاب کنیم. خمینی: مال ما نیست.

طالقانی: رفراندوم در جلسه پیش مطرح شد، مسئله حالا که آقا فرمودند نگرانی‌هایی دارند درباره توطئه‌ها. در مرحله اول آقا نگران اوضاع هستند، ما همه [نگران] هستیم، راه علاجش اینطور است [برای] رفراندوم و قانون اساسی تحریکات هست، بیش‌تر هم می‌شود. [در] این مسیر که همه می‌رویم، قاطعیت کم است، کار کم انجام می‌شود، وعده‌ها کم تحقق می‌یابد. دادگاه انقلاب دست به دست هم می‌دهد. آیا راه علاج به نظر آقا به رفراندوم گذاشتن قانون اساسی جلو توطئه‌ها را می‌گیرد [؟] نه؛ رفراندوم جنجال تازه بین مردم ایجاد می‌کند، راه باز می‌شود برای قلم‌فرسایی. مسئله دیگر [این است که] جمهوریت ما اسلامی است. بر طبق موازین اسلام باشد، غرب هر کار می‌کند، کار خوب دارد، آن را می‌گیریم. قرآن که می‌گوید *أمرهم شوری*<sup>2</sup> در تصمیمات اجرایی است، نه قانونگذاری؛ چه در قوانین اصولی که نص قرآن و فقه است، چه قوانین فرعی که اهل حل و عقد [آن را جعل می‌کنند]. قانون اساسی قانونی که است، باید به عهده اهل نظر و تفقه برسد. عامه مردم که نمی‌دانند چه هست و رأی بدهند، مسلماً دنباله پیدا می‌کند. آقایان پذیرفتند با رفراندوم نمی‌شود تحکیم کرد. آقا نظر بدهند با موازین فقهی درست است یا نه [؟] رفراندوم معجزه نمی‌کند [و] تبعات زیاد دارد. مجلس مؤسسان چون محتوای آن را نمی‌دانیم، جالب نبود. باز جنجال و تحریکات [را به دنبال دارد]، ولی نفی نکردم. کار مشکل است. اصرار داشتیم برای تحکیم جمهوریت ما، مجلس شوراها نسبت به استان‌ها و شهرستان‌ها درست شود. از همین شوراها که مسلم آدم‌های پاک‌طینت می‌آیند، زمینه باشد برای مجلس مؤسسان استفاده شود. پیش از بحث مجلس مؤسسان

1. مصطفی رحیمی (81-1305) روشنفکر، حقوق‌دان، جامعه‌شناس و نویسنده و از منتقدان جمهوری اسلامی.

2. اشاره به آیه 38 سوره شوری: ... *وَأمرهم شوری بئهم*; و آنان که کارشان را با مشورت با یکدیگر به انجام می‌رسانند.



و قانون اساسی، شوراها را جلو بیاورند. اگر بشود خارج را نمی‌دانم، [اما] مجلس مؤسسان ایران یکی برای سلطنت رضاخان بود.

دکتر سبحانی: سه تا پنج تا بود.

فروهر: مجلس اول، مؤسسان بود [که] قانون اساسی را نوشت.

خمینی: از همه طرح‌ها نزدیک‌تر به ذهن، این طرح من است. اشکال اهل حل و عقد در این 40 نفر هستند و یا اکثرش هستند.

طالقانی: با مجلس شورا باشد.

خمینی: مجلس برای بعد است.

دکتر یزدی: مجلس اول، مؤسسان باشد.

طالقانی: پیشنهاد آقا بسیار خوب است، شوراها هم تشکیل شود.

خمینی: شورا به آن ربطی ندارد.

طالقانی: از میان شورا، کسانی که اهلیت دارند، منتخب مجلس باشند.

قطب‌زاده: نظرشان این بود [که] از هر استانی، برحسب جمعیت، یکی دو نفر انتخاب شوند، نوعی مؤسسان [باشد] برای پخته کردن قانون اساسی.

بهشتی: طرح نهایی: یک عده کارشناس اهل خبره، طرح پخته شده قانون اساسی را مورد بررسی قرار بدهند. ولی این کارشناسان را از هر یک میلیون نفر، یک کارشناس معین کنند، حدود چهل نفر. استان پرجمعیت دو نفر، [و استان] کم‌جمعیت یک نفر [نماینده داشته باشد]، شورای کارشناسان حدود چهل نفر [که] در کم‌ترین مدت، قانون اساسی را که از مراحل قبلی گذشته، مورد بررسی نهایی قرار بدهند و پیشنهاد مورد تأیید اکثریت این شورا در یک فراندوم به رأی گذاشته و تصویب می‌شود.

دکتر سبحانی: امشب بررسی کنیم، فردا بدهیم خدمت ایشان.

فروهر: آنچه آقای طالقانی می‌فرمایند، جدا از حرف آقا نیست.

بهشتی: بنی صدر نوشته است اساس توطئه‌ها است، تثبیت قانون موجب تثبیت است، مثل این که توطئه‌ها را از یاد برده‌ایم. عوامل توطئه: 1) بن بست اقتصادی، بلا تکلیفی همه، وضع مالکیت و... 2) بن بست سیاسی، ضعف اداری شدید، از جمله تعدد مراکز تصمیم‌گیری؛ ابعاد تصمیم باید قادر به کنترل قشون و قوای رسمی و غیررسمی باشد، 3) مخالفت اجتماعی به علت بلا تکلیفی تشدید شده، 4) مخالفت فکری و اتفاقاً تمام حرف این است. نویسندگان می‌نویسند، توطئه می‌کنند، کار ندارند [که] حال و آینده‌اش چیست. باید فکری برای ایجاد نیروی قوی کرد، با حضور رهبری، در مقابل واقعیت بایستی توجه کنند.

خمینی: زودتر به تصویب مجلس شورا برسیم.

صباغیان: 40 تا بشود 80 نفر و رأی بدهد.

مهدوی: پیشنهاد به نظر من هم اشکال مجلس مؤسسان را دارد و هم رفراندوم [را].

بهشتی: فرق است با انتخاب افراد صاحب نظر با نماینده 100 هزار نفر (آقا رفتند، مختصری تنفس داده شد). طرح آقا را رسیدگی کنیم. در استان‌ها کسانی نامزد می‌شوند. تا یک میلیون نفر، یک نفر برای مجلس مؤسسان [برگزیده می‌شود].

کتیرائی: چه مجلس مؤسسانی [؟]

فروهر: نه، مجلس مؤسسان است.

بهشتی: گروهی که برای تهیه نهایی طرح قانون اساسی، انتخابات سریع، حداکثر طی دو هفته طرح قانونی را تعیین کنند. ضمن آن مباحث آن در تلویزیون مطرح شود.

طالقانی: این طرح تهیه شده، چه شود [؟]

بهشتی: می‌دهیم به این عده، طرح نهایی قانون اساسی را تهیه می‌کنند، اول یا دهم تیرماه به رفراندوم می‌گذاریم. مزایای آن این است که [طرح از خبرگان است، عده کم‌تر، خبره هستند [و] حرف ناوارد کم‌تر است، هم پخته است هم متین و هم به تصویب ملت رسیده.

شیبانی: پس از تصویب، آقا قبول بکنند، بعد به تصویب ملت برسد.

یزدی: نظام‌نامه می‌خواهد، تمام ارگان انتخابات را راه بیاندازیم. برای دو نفر، تعداد را سه نفر کنید، رفراندوم بعدی نباشد.

موسوی: آن که ما را وادار به این کار می‌کند، دو ترس است: یکی تأخیر، یکی سروصدا.  
بهشتی: یک ترس از خامی.

موسوی: افراد ناباب غیرجهت‌دار بیایند هم اسباب حرف [است].

بهشتی: 3) اکثریت آنها از جهت سطح فکر پائین باشند.

موسوی: اگر قرار باشد بتوانیم مجلس مؤسسان را در مدت کوتاه انجام دهیم، یک هفته خودمان قانون را رسیدگی کنیم، دو هفته مجلس مؤسسان، نه دو ماه و در یک ماه بفرستیم. چون مملکت در حالتی است که احتیاج شدید به قانون اساسی دارد. با کار فوق‌العاده تصویب کنند، ترجیح دارد و بهتر است.

طالقانی: الان چه مطرح است [؟] زمان و غیره باشد [برای] وقت دیگر.

بهشتی: ایشان در اصول بحث می‌کنند. مجلس مؤسسان اولی است. زمان زیاد نباشد.

صباغیان: سر آقا را دور دیدید. اساس کار اجرایی این طرح از نظر کلی، از شنبه شروع کنند، یک ماه چاپ اوراق و هیأت نظار، [سپس] قبول مردم. قانون اساسی را به افکار عمومی بگذاریم. سریعاً شورا انجام دهد. در زمان انتخابات، آن به مطبوعات برود، مردم مطالعه کرده باشند، پیشنهادات را بدهند.

خامنه‌ای: نداشتن مجلس مؤسسان بهتر از مجلس مؤسسان باسمه‌ای است. رفراندوم را حذف کنیم.

مهدوی: من نظر خامنه‌ای را تأیید می‌کنم.

بهشتی: مال آقای را می‌گویند باسمه‌ای.

مهدوی: آئین‌نامه قصه حساب عدد چیزی است، تحمیلی به مردم. رفراندوم را حذف کنید، آئین‌نامه را به رفراندوم بگذارید. آئین‌نامه را کی باید تأیید کند [؟]

بهشتی: شورای انقلاب.

مهدوی: پس قانون را تأیید کند.

مهندس سحابی: طرح اساس نظر آقا، مجلس مؤسسان قلابی نیست. در کنار مجلس مؤسسان، شوراها مطرح است. اگر شوراها به نحوی راه بیافتند، آب روی آتش‌ها می‌ریزد. دوتا را یک کاسه کنیم، در هر استان، شورای استان را معین کنیم و این شورا دو نفر خبره را معین کند. بهشتی: اگر کمیسیون بتواند تشخیص دهد، خوب است.

قطب‌زاده: یکی را گفت عزت [سحابی]. نکته دیگر به طور اصولی [این است که] قانون اساسی را خبرگان تصویب کنند، به تعداد کم باشند و فراندوم نباشد. اگر فراندوم روی 18 یا 15 میلیون [رأی] بیاید، اشکالاتی هست. اصولاً ما بگوییم قانون را اهل خبره بگذارند، انسان با معنی به آن ایراد نمی‌گیرد.

هاشمی: شوراها بیایند، نماینده را انتخاب کنند، شورای اداره استان است. در مورد این که اسم آن را مجلس مؤسسان بگذاریم، رویه بدی باقی می‌گذارد.

قطب‌زاده: اگر انتخابات اول نبود، از فراندوم کنار نمی‌آدم.

طالقانی: اصل مطلب با موازین شرعی نیست. اگر هم در تدوین شریک باشد، هم در تصویب فراندوم، برای قانون با موازین شرعی درست نیست.

فروهر: سید حسن بقال و سید تقی رزاز و غیره نشستند، رأی دادند فلان افراد رأی برای قانون اساسی بدهند.

طالقانی: آنها رأی دادند، سرنوشت ما را تعیین کردند. قانون اساسی را به فراندوم نگذارید.

یزدی: در هیچ‌جا نگفته مجلس مؤسسان سیصد نفر باشد.

بهشتی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب زیر تدوین و به تصویب برسد: (1) شورای کارشناسان منتخب مردم ایران، طرح را که برای قانون اساسی تهیه شده، لازم است دو هفته مورد بررسی قرار دهد. آنچه مورد موافقت این شورا باشد، برای تصویب به ملت عرضه می‌کنند. (2) هر استان یک کارشناس انتخاب می‌کند، اگر بیش از یک میلیون [نفر جمعیت داشته] باشد، برای هر میلیون [نفر] دو نفر [انتخاب می‌شوند]، (3) این طرح به معرض افکار عمومی گذاشته می‌شود و در یک فراندوم، به آراء عمومی گذاشته می‌شود. اگر اکثریت مردم به آن رأی مثبت دادند، اعتبار قانونی می‌یابد.

بنی صدر: تردید دارم که این کار صحیح باشد برای موفقیت کشور. بعداً این فرد، هر حرفی زده می شود حرف استان [شمرده می شود].

سحابی: بدترین جا کردستان است، اکثریت این طرف است.

بنی صدر: در کردستان اگر دو نفر باشد [و] عزالدین انتخاب شد، چه کنیم [؟] دوم یک نفر در استان انتخاب شود، باید به همه مناطق برود و پاسخ بدهد.

مهندس سحابی: شورای استان انتخاب شود، دو خبره می رود.

دکتر سحابی: آنچه آقا گفتند می شود از این طریق مردم را سوق داد، نظرشان تأمین می شود. هر استان دو نفر نسبت به جمعیت می شود. سعی کنیم نگرانی های آنان رفع شود. بعید است حل شدنی باشد. من صریحاً گفته ام مجلس مؤسسان است، من باید تجدیدنظر در وضع خود بکنم. حالا مورد توجه آقایان نیست. احتمال داشته باشد، هم فراندوم، هم قانون را نسبت به جمعیت باشد، انتخاب شوند مثلاً آقای عزالدین یا دیگران صلاحیت دارند. بهشتی: نمایندگان سنا که از هر استان یک نفر بود.

دکتر سحابی: این مسئله را حل نمی کند، به مصلحت مملکت است [؟] آرامش ایجاد می کند یا نه [؟]

بهشتی: این نظر شخصی شما نیست. شما خودتان را تنها فرد مصلحت اندیش فکر می کنید و فقط شما فکر می کنید ما نظری نداریم.

دکتر سحابی: ما نظر خودمان را می گوییم.

فروهر: مسئله کارشناس تعریف شود، شرایط معین شود. انتخابات عمومی نیست. حالتی که نمایندگان ملت ولو به تعداد محدود باشند، از بین می رود. با ذکر کارشناس صحیح نیست، نمایندگان ملت باشد.

بهشتی: نماینده اهل فن باشد.

فروهر: در مورد تعداد، ایراد بنی صدر اساسی بود. اگر یک میلیون نفر باشد، متفاوت می شود. در بعضی از استانها دچار اشکالات زیاد هستیم. [در] آذربایجان غربی (عزالدین حسینی) ممکن نیست به توافق برسند. در رژیم

گذشته اگر وره‌رام<sup>۱</sup> بود به زور سرنیزه عمل می‌کرد. حالا نمی‌توان تحمیل کرد در آن استان و نظیر آن. امام گفتند دو تا، کمی گسترده‌تر.

بهشتی: مجلس کارشناسان باشد، این شورا معقول 10 یا 15 نفر، 25 نفر نه، 30 نفر باشد.

بنی‌صدر: پس چرا از هر استان [؟] از حوزه علمیه پنج نفر، از حقوقدانان پنج نفر هم باشند.

بهشتی: می‌شود جلسه هفتاد نفری.

مهندس بازرگان: بحث روی دو چیز کاملاً مشخص و مباین بود. یکی فراندوم بود، یکی جریان قبلی. یکی طرح جدید جناب‌عالی که قابل توجه است. از مجموع این صحبت‌ها، آقا تصمیم‌گیری کردند راه حل بینابینی [که] جنبه عملی داشت، بیاید مطالعه کند، قانون اساسی پخته‌تر، بعد فراندوم از طرف ملت، [و از سوی] اکثریت تأیید شود. این رأی قابل قبول‌تر بود. عرض من نادرست بودن نظر قبلی نیست. چند نکته، یکی طرح تهیه شده معلوم باشد، مدت دو هفته عملاً نمی‌شود، مثل مقاطعه‌کاری‌های قبلی، حداقل یک ماه چگونگی مشخص شود. [در مورد] مسئله کارشناس، نظر آقا کارشناس نبود، نظر جناب‌عالی است. شرایط کارشناس معلوم شود. مجلس نمایندگان باشد سمت مردم برای بررسی طرح پیشنهاد شده و تهیه طرح که به فراندوم گذاشته خواهد شد. مثل خیلی حکمیت‌ها، فرد مورد اعتماد ممکن است باشد، ولی وارد [به] آن مسئله نباشد. اصرار به کارشناس بودن نباشد. مقید به سی نفر باشیم. وزارت کشور می‌تواند استان‌ها را منطقه‌بندی کند. با تصویب شورای انقلاب، بین 300 تا 700 هزار [نفر جمعیت، یک نماینده داشته باشند]. غصه نخوریم سنی یا بلوچ نماینده داشته باشد. در مجموع 72 نفر مثلاً (72 ملت) [نماینده این مجلس باشند]. آقا به صفت شرعی این حق را به شورا و دولت داده‌اند، هر کس هر حرفی دارد بزند. بهتر است آقا آخر سر تأیید کنند و امروز عملاً ثابت کردند تعصب ندارند و دیکتاتور نیستند. باید تصریح بشود آری یا نه.

قطب‌زاده: روح مطلب، آقای مهندس با گفته شما مغایر نیست. [در مورد] قسمت کارشناس، صحبت شد جزء شرایط انتخاب شونده‌گان باشد. در هر استان، یک آدم متخصص قابل اعتماد باشد. اگر تعداد زیاد مشکلات برمی‌گردد، طول زمان زیاد شود. اگر 36 میلیون، تا یک و نیم میلیون [نفر جمعیت]، یک یا دو نماینده داشته باشند، 40 تا 45 نماینده تنها راه‌حل موجود است. فراندوم بعدش یک مقبولیت می‌دهد به قضیه. نباید شرایط

---

1. سپهبد کریم وره‌رام (1288-1370) سناتور مجلس سنای ایران و استاندار استان‌های آذربایجان غربی و فارس در دوره پهلوی.

را چنان کرد که کسی انتخاب نشود. شرایط طوری باشد [که] فردی که می‌آید، چیزی سرش بشود. اگر تخصص مطرح شود، آن‌طور که بنی‌صدر می‌گوید نیست. این مشکل در مجلس هم هست. در این انتخاب مخصوص، چه خوب که باشد.

طالقانی: برای من مفهوم نشد. آقا اول گفتند فراندوم، بعد مهندس، دکتر و بعضی [گفتند] مجلس مؤسسان؛ راه وسط تثبیت قانون اساسی، بالاخره فراندوم. خودم شخصاً با فراندوم مخالفم. پیشنهاد می‌کنم وقتی سرتاسر کشور، در نظر هر استان انتخاب می‌کنند، برای بررسی اختیار تام بدهیم. هم در قانون اساسی بررسی کند و هم مجلس مؤسسان.

بنی‌صدر: اگر بنا بر خبره است و انتخاب مردم، نسبت خبره را اهل خبره می‌شناسند. [از] قضات یک نفر، [از] کانون وکلا یک نفر، از دانشگاه [و] دانشکده حقوق یک نماینده [باشد].

مهندس بازرگان: دانشکده فنی نباشد [؟]

بهشتی: مبنای مطلب از دست نرود. دو نوع رأی، یکی رأی شورا، یکی رأی دولت هم باشد. اگر با این عده مسئولان کار هستند، می‌تواند باشد.

مهندس بازرگان: چون آقا رأی دادند، تمام کنیم.

دکتر سبحانی: رأی شورا، رأی دولت نیست. دولت تکلیف دیگری دارد. شما آن را مصوب می‌دانید. دولت باید نظر بدهد.

بهشتی: از نظر اساسنامه، طرح مؤسسان از وظایف شورا است، نه دولت.

دکتر سبحانی: چرا دولت این کار را کرده.

بهشتی: این پیشنهاد آقا را چه کسی نظر بدهد [؟]

مهندس بازرگان: مجتمع، با توجه به این که دولت هم هست، دولت توجه به این مطلب هم دارد.

طالقانی: شما از نظر اول خود برگشتید [؟]

دکتر سبحانی: نه، برنگشتم.

خامنه‌ای: این نظر را آقای خمینی گفتند. نحوه اجرا مطرح شد.

بهشتی: بند اول، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب مذکور در فوق تدوین می‌شود و به تصویب ملت می‌رسد.

1) نمایندگان استان‌های کشور که طبق اساسنامه‌ای که به تصویب شورا می‌رسد ... با سیزده رأی از بیست نفر تصویب شد.

2) این که قانون اساسی در مجلس انتخابی نمایندگان تصویب شود ... رد شد با هشت رأی.

صباغیان: تعداد روی میلیون، اشکال پیدا می‌شود. تعداد را معین کنید، وزارت کشور تقسیم‌بندی کند.

فروهر: تجدیدنظر در تقسیمات کشوری درست نیست و مشکل است.

بهشتی: هر استان، یک نفر. آنها که جمعیت بیش‌تر دارد ...

مهندس بازرگان: برای اقلیت‌ها نماینده باشد، انتخابات روی یک نفر برود. قطعه‌بندی شود، پانصد هزار نفر. اقلیت‌های مسلمان هم مشخص شود.

مهندس سبحانی: [جمعیت] 500 هزار تا یک و نیم میلیون، یک نفر [نماینده داشته باشد].

مهندس بازرگان: قطعه‌بندی بهتر است.

بهشتی: در خوزستان، یک نماینده عرب بیاید، عده کم باشد. برای هر استان، یک نفر و برای هر یک میلیون [نفر] اضافه، یک نفر. مدت مجلس، مدت یک ماه تصویب شد.

بهشتی: حداکثر [یک ماه باشد].



## جلسه پنج شنبه 1358/3/3

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، سحابی، شیبانی، هاشمی [رفسنجانی]، خامنه‌ای، بنی‌صدر، شکوهی، باهنر، جلالی.

[موضوع: آموزش و پرورش:]

شکوهی: [در] وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی هست [که] در سه سال اخیر، به علت تراکم کار، قسمتی از اختیارات واگذار شد به شوراهای منطقه‌ای. بیش‌تر جنبه مالی داشته. فعلاً شورای عالی و هم شوراهای مناطق، تعطیل شده. [از اعضای] شورای عالی، عده‌ای فرار کرده‌اند. شورای منطقه‌ای ترکیبش طوری است که احیایش میسر نیست. رئیس انجمن شهر عضو است که فعلاً وجود ندارد. فعلاً شورایی پیشنهاد شده [که] جای آن در سه ماه فترت کار بکند. در سراسر کشور چیزی نزدیک دویست نفر است.

باهنر: شورای عالی منحل شده [؟]

شکوهی: معلق است؛ یازده نفر هستند، دو نفر به اقتضای سمت و بقیه فرمان دارند (بهشتی، مسعودی آمدند).

شیبانی: به نظر من لایحه را تصویب شده فرض کنید، مقدمات آن را آماده کنید.

بهشتی: تا یکشنبه صبر کنید (مهدوی آمد، شکوهی رفت).

\*\*\*

[موضوع: ارتش:]

خامنه‌ای: گزارشی آمده از رکن دو، با بازدید دیروز نخست‌وزیر و من از آن، ایجاب می‌کند توجه بیشتری به ارتش و اظهار حسن ظن بیشتری بشود. در ارتش مغزها و درک‌ها و نیروی عقلانی زیادی هست. فلاحيان بسیار باشعور [است]. اگر خطر دستگاهی بودن باشد، خطر است و اگر پس زده باشد، چیز جالبی است. خود فرید آدم باشعور بود، مغز سیاسی دارد، نماینده نیروی دریایی خوب مسائل منطقه را می‌فهمد. ارتش جدی‌تر به آن پرداخته شود. عاقلانه نیست دور ریخته شود، چه آدم‌ها و چه تشکیلات.

بهشتی: ارتش اشکال بزرگش این است.

خامنه‌ای: با این روحیه لابد باید نسبت به ارتش، تصمیم موافق گرفته شود، در این زمینه‌ای که ارتش آمده بود.

بهشتی: ارتش نیرویی است در حالت برخوردی که خود را مطلق العنان ببیند کارایی دارد، ولی واکنش شدید مردم است. در برابر آن نمی‌شود از ارتش دفاع کرد. می‌گویند فردا در مقابل دادگاه انقلاب خواهید بود. قضیه سنندج، قضیه گنبد، قضیه نقده، نشان داد کجا ارتش دخالت می‌کند و کجا دل‌سرد می‌شود. در نقده دست به کار نشده، هو کردند و کسی از آنها دفاع نکرد. روی ارتش می‌شود حساب کرد که شناخته شده باشد. سوم، بالاخره فرمولی در رابطه ارتش با مردم هست.

خامنه‌ای: فلاحیان گفته تصور ما این بود که در مرز فعالیت کنیم، ولی در زمان قبل در داخل مرز فعالیت کردیم. شیبانی: ارتش تقویت شود. در آنجا توده‌ای‌ها هستند و فعالیت می‌کنند.

موسوی: با مقدمات وقت جلسه گرفته نشود، کارهای انجام‌دانی.

مسعودی: راجع به ارتش، طالقانی می‌گفت تحقیق کنم. سه نفر کار می‌کنند: سرهنگ فروزان<sup>۱</sup>، سلیمی<sup>۲</sup>، رحیمی<sup>۳</sup>. این سه نفر را برداشتند، شورایی درست کرده‌اند، سه افسر، یکی چگینی و آن قبلی‌ها شروع به تحریک کرده‌اند. چهارده روز سربازخانه نبوده‌اند. نظر آقا را بدبین کرده‌اند به رئیس ستاد. [او] از هر لحاظ شایستگی دارد. خیلی خیلی خوب نیست، بی‌نظر کار کرده. این سه نفر ...

بهشتی: با این سه نفر تماس گرفتید [؟]

مسعودی: می‌دانستم آنها رفته‌اند پیش آقا.

بنی‌صدر: عده‌ای را آقای عالمی فرستاده؛ مطابق اطلاعات آن، همین سرگردی که در سنندج است در جلسه آنها گزارش آورده [که] بعد از شهادت مطهری گفته‌اند ما گوش راست خمینی را بریدیم. خود همسر او گفته این خیانتکار، کارش بردن اسلحه از سنندج است به نقاط کرمانشاه و پخش آن. [او] در مقابل اعتراض همسرش گفته

1. سرهنگ حسنعلی فروزان، از اعضای کمیته انقلاب ارتش در بدو پیروزی انقلاب اسلامی.

2. سرلشکر محمد سلیمی (94-1316) از فرماندهان عالی ارتش پس از انقلاب اسلامی.

3. سرتیپ محمدرضا رحیمی از فرماندهان عالی ارتش پس از انقلاب اسلامی.

برای آدمکشی نیست، برای سگ‌کشی است (یعنی طرفداران خمینی). سابقه تجاوز به زنان هم این سرگرد دارد. قضیه را باید جدی گرفت. فلاحی<sup>۱</sup> سخنرانی خوب می‌کند. حتماً در دایره شرف عرضی و سیا بازدید شود.

خامنه‌ای: با هاشمی در کمیسیون پنج نفری شرکت کردیم. ترکیب کافی است یا نه [؟]

موسوی: مطالب با تأیید آقا تصویب شود، بعد از ظهر بدهید. صحبت‌هایی است که قرار بود سه نفر [از] شورا با مهندس تصمیم بگیرند. چهار نفر رفتیم و تصمیمات گرفته شد، گزارش آن. چیزی راجع به لایحه زمین گفتند در لایحه گنجانده شود.

\*\*\*

[موضوع: لایحه زمین:]

بهشتی: راجع به لایحه زمین را بدهید. (1) عنوان لغو مالکیت زمین‌های بایر شهری، کلمه عوض شود که تحریک نکند. گفته‌اند گلپایگانی<sup>۲</sup> مخالف است. [2] زمین‌هایی که موات بالاصاله هستند، اگر فروش رود، ولو فروشی‌های آن را تفکیک کرده باشند، معامله باطل است، اگر زمین‌هایی را تهجیر کرده باشند، بعد بفروشند، معامله باطل است. [3] اگر شخصی زمینی را تهجیر کند [و] احیاء کند، به مقدار احیاء کرده حق دارد، [اما] زاید را حق ندارد. (4) اگر زمینی قبلاً احیاء شده، بعداً افتاده است، آن زمین را مالکش تصرف کند. مهدوی: حق تهجیر اولویت می‌آورد.

بهشتی: چه در تهران و چه در بسیاری از شهرها، زمین موات بالاصاله را با تفکیک و سند می‌فروشند. جایی که برای من جالب بود، زمین موات بود [که] در تهران فراوان است. شهرک‌ها اینطور است. زمین تهجیر شده قابل فروش نیست (طالقانی آمد).

طالقانی: جایی ثابت دور از محل.

هاشمی: قصر فیروزه.

سحابی: دور است.

---

4. تیمسار ولی‌الله فلاحی (60-1310) فرمانده نیروی زمینی ارتش پس از انقلاب اسلامی.

1. سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی (1278-1372) از مراجع تقلید شیعیان.

طالقانی: لایحه را تصویب کنیم، بفرستیم پیش آقا. آقا با این صورت دست و پاکنده پس بفرستند. اول بررسی کنیم، به نظر آقا برسانیم.

شیبانی: این شرط شد که به نظر آقا برسد.

طالقانی: خیلی لوایح تصویب شده، باز لغو کردند. روابط با لیبی تصویب شد در سطح کاردار باشد. بهشتی: باید مؤاخذه شود.

طالقانی: بحث اجمالی شود، در لوایح رفت و آمد و تغییر در لایحه نباشد.

موسوی: نظر شما درست است. [اما] مسائل جنبه فقهی داشت.

هاشمی: این ماده اشکال ایجاد می کند.

مهدوی: ماده سوم ابهام دارد. حق التهجیر حق است یا نه [؟]

موسوی: حق است، قابل فروش نیست (قطب زاده آمد).

بهشتی: آیا بعد از سه سال مهلت، حق می ماند یا نه [؟]

شیبانی: آبروی شورا را نبرید...

طالقانی: با آسید احمد [خمینی] صحبت کردم. زمین بالاصاله مال دولت است. آب و برق مال دولت است.

بهشتی: باید از موارد ولایت استفاده کند.

طالقانی: قسمتی که جنبه مثبت دارد اعلام کنند. آن که اصلاحی دارد، زمینه کم است.

بنی صدر: در شهرها چه کسی [؟]

هاشمی: کاری می کنند، زمین ها را نمی شود گرفت.

\*\*\*

[موضوع: قانون اساسی آینده:]

موسوی: آقا با عجله گفت مجلس مؤسسان زودتر انجام شود. اعلام اول را چه کسی بدهد [؟] آقا بدهد [؟] دولت بدهد [؟] یا وزارت کشور [؟] مطالب: 1) اعلامیه را چه کسی بدهد [؟] آقا بدهد. با قم تماس گرفتم، احمد آقا گفت متن بیانیه را تهیه کنید، بفرستید.

طالقانی: بنویسیم که ما تنظیم کردیم، آقا می‌دهد. قانون اساسی را هیأتی رسیدگی می‌کند. شصت ماده را نظر داده، هر صد ماده را نظر بدهد. آن شصت ماده بیاید، شورا هم بررسی کند، آماده شدن تا 20 خرداد، قانون اساسی تمام شود، در اختیار مردم قرار بگیرد، بیست روز در دست مردم، 4/10 انتخابات [انجام شود]. آقا 4/10 تمام شود. مدت مجلس یک ماه از 4/15 تا 5/15. رفراندوم 5/25 [برگزار شود].

بهشتی: نقطه نظری دولت داشت که ما قانون اساسی را به مردم عرضه کنیم [تا] دخالت داشته باشند. [برای این که] چه کسانی را انتخاب کنند، حضور ذهن به مردم می‌دهد.

جلالی: مردم لازم نیست قانون اساسی را بدانند. مردم ما متوجه مواد نمی‌شوند. در توده مردم ضرورت ندارد.

بهشتی: خودش می‌خواند، [اگر] دید نمی‌فهمد، یک فرد فهمیده را می‌فرستد.

جلالی: تاریخ دقیق معین شود، طرح را به شورا بدهد.

بهشتی: طرح زمان بندی با این کیفیت [را] به رأی می‌گذاریم.

تصویب شد بنی صدر رأی نداد.

مهندس سبحانی: مهندس بازرگان نوشته‌ای داد.

باهنر: نظر نامه خطاب به مهندس بازرگان باشد که طرح قانون اساسی را تکمیل کنند و در اختیار مردم بگذارند.

اکثریت شورا: این متن تهیه شد، بسیار خوب است.

قطب‌زاده: مسئله‌ای اتفاق افتاده، جلسه مشترک شورا و دولت با آقا.

خامنه‌ای: شما مصاحبه کردید.

قطب‌زاده: آقا در این بیانیه به آن جلسه اشاره کنند.

طالقانی: در مصاحبه دیروز عصر گفتم اصل قانون اساسی بود، مجلس مؤسسان بود. نظریات شورا و دولت با آقا هماهنگی کامل تر [داشته] باشد.

قطب‌زاده: آقا به این مسئله مشروعیت بدهند.

باهنر: قرار شد در متن اعلامیه باشد، آری یا نه جواب بدهند.

شیبانی: -

سحابی: این نکته باید با همکاری شورا و دولت باشد. یکی طوری نوشته شود که به دنبال تصمیم اولیه بوده است و معلوم شود این طرح را شورای طرح‌های انقلاب در دنبال آن بوده. بهشتی: باید به دولت بگویند.

مهندس سحابی: به دولت بگویند به شورای طرح‌های انقلابی ارجاع کند. در این مراحل [به] اصول اسلامی که 99 درصد رأی دادند، توجه بشود.

طالقانی: دیشب [در] رفت و آمد به قم مطرح شد، گروه‌هایی از حقوقدان‌ها باشند. اگر اضافه شود، قید وصفی منتخبین استان‌ها که صاحب بیش باشند.

بهشتی: اگر حقوقدان [را] بنویسیم، دیگران سروصدا می‌کنند.

موسوی: صاحب نظر [شامل] همه نمی‌شود.

قطب‌زاده: همه در ایران صاحب نظر هستند.

موسوی: مخالف شدید پیشنهاد مهندس سحابی هستم؛ اسلامی باشد.

جلالی: آقا قبلاً مجلس مؤسسان را عنوان کرده‌اند.

خامنه‌ای: دولت مخالف بود، اصل کار درست نیست. بگوییم مشورت مشترک.

طالقانی: اگر بد شد گردن ما، و اگر خوب شد گردن آقا.

هاشمی: شما محفوظ هستید و ما گرفتار.

طالقانی: با اصرار در این که رهبری باید منحصر به آقای خمینی باشد.

خامنه‌ای: این صدق و حسن نیت ایشان است.

طالقانی: با آقا در جوانی درگیری داشتیم. این را به عنوان ثانوی (اطاعت از ایشان را) فرض می‌دانم به‌عنوان ثانوی.

بهشتی: مسئله دیگری گفته‌اید که خوب است، نقشی که نظرهای خاص ایشان در این پیروزی داشت. قاطعیت ایشان در نفی رژیم را ما نداشتیم.

طالقانی: یک عده افسران شناخته شده را به شورا معرفی کنیم، افراد حسابی را بدهم.

تصویب شد در مجلس شرکت کند.

با معیارها و موازین اسلام که حقوق حقه هر فرد تأمین شود.

\*\*\*

[موضوع: بنیاد مستضعفان:]

طالقانی: در مسئله بنیاد مستضعفان و علوی، سروصورت بدهید، به نظر من چون دستگاه وسیع است، هرکس باشد کارایی ندارد یا قبول ندارند. چهار پنج نفر به من معرفی کرده‌اند [که] مهندس بازرگان می‌شناسد. پنج نفر شورای این کار تعیین شود، کارها را انجام دهد.

بهشتی: شورا رئیس تعیین کند.

طالقانی: شورای بنیاد مستضعفین.

1 ( صدرالحفاظی، 2) مهندس صالحی، 3) مهندس ناهید، 4) مهندس، 5) توسلی، 6) رضایی، 7) خلیلی، 8) مهندس طباطبایی.

بهشتی: بنیاد مستضعفان که تأسیس شد، هویدا مسئول شد. گفته شد چند نفر شورای عالی بنیاد بشود و شورای انقلاب، رئیس بنیاد را معین کند و اعضای شورای عالی را. از اول معلوم بود که نصف مملکت در کار آنهاست. به هویدا گفته شد آنجا که مسئول دارد، دست نزن. مهندس سالور قبلاً بود، توسلی بود.

بنیاد دفتر عالی باشد، حداکثر کارکنان 60 تا 100 نفر و ناظر بر دفاتر اختصاصی باشد. بنیاد پهلوی یکی از آنهاست. عناصر زیادی تصفیه شوند، حقوق زیاد نباشد. در این اواخر که عده‌ای اموالشان را می‌گیرند، بخش زیادی شد. یکی هژبر بود. قبل از استقرار کار هژبر، توسط عسگراولادی حکمی صادر شده [که] علی حاج‌طرخانی، عسگراولادی (برادرش) و شفیق قرار شد این سه نفر اداره کنند. اموال بقیه هم به سرپرستی بجنوردی<sup>1</sup>، مسئولیت بقیه این کارها را به‌عهده بگیرند. [بجنوردی] در اوایل سامان داد، استاندار اصفهان شد. طباطبایی قمی از جمله القانیان و ثابت پاسال و شرکت نونهالان، همه واحدها را گروه‌ها اداره می‌کنند. رضایی یک واحد، تهرانچی یک واحد، حاج‌طرخانی یک واحد، بقیه را تیم بجنوردی [گرفتند]. برای اموال منقول قرار شد گروهی در کار خرید و فروش برود، سه درجه درجه‌بندی کند: 1) برای موزه بماند، 2) باید فروش رود، ولی فعلاً نه، بسته‌بندی شود، 3) روزانه بفروشند، کلی فروشی. صدرالحفاظی و هویدا و چند نفر دیگر، دفتر مرکزی را اداره می‌کنند. قرار است سامان نهایی برای آن پدید بیاورند. شخص هویدا مطرح نیست. اگر اصل طرح قابل قبول است، اساسنامه را فوراً تصویب کنید، مسئولین شورای عالی انتخاب شود، رئیس پیدا می‌کنند.

بنی صدر: حاج‌طرخانی را آقا گفت عزل کنید.

\*\*\*

[موضوع: شوراها و شهر و روستا:]

موسوی: قانون اساسی را تا بیست روز همه را و صد ماده دیگر را تصویب کنیم.  
بهشتی: جلسه آینده قانون اساسی مطرح شود.

مهندس سحابی: شورای شهر و روستا طرح شود. یک طرح هاشمی داد. دکتر لاهیجی به دستور آقای طالقانی یکی، یکی شفاهی آقای موسوی، یک طرح دولت. سه طرح اول، طرز انتخاب شورا، طرح لاهیجی، انتخابات عملی هست یا نه، صحبت نکرده. 58 هزار ده است، هیأت نظار برای همه دهات در شرایط امروز، که دولت ضعیف، امکانات کم. کار در اختیار دولت رهبری نخواهد بود. چه بسا آدم ناشایست بیاید، کدخدا یا خان محل. طرح انتخابات شوراها از پایین، شورای ده که شورای بخش از آن، شورای شهرستان از آن، و شورای استان از

---

1. سید محمدکاظم موسوی بجنوردی (متولد 1321) مؤسس حزب ملل اسلامی و از اعضای ارشد حزب جمهوری اسلامی، استاندار اصفهان و نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی.



آن. راه حل از وسط، ابتدا انتخابات شورای استان در سراسر مملکت، اختیارات و حدود مسئولیت را قائل شویم. استاندار را دولت معین می‌کند، استاندار در مقابل شورا مسئول باشد. رؤسای ادارات را دولت مرکزی معین می‌کند، در مقابل آنها مسئول باشند. اختیارات شورای استان [:] آموزش و پرورش، تنظیم بهداشت منطقه و وضع عوارض روی ورود و خروج کالا، مالیات مستقیم آنها، پلیس محل را آنها زیر نظر دارند. این شورای استان با استاندار عهده‌دار انتخابات شورای شهرستان و غیره بشوند، زیرا شورای ده و شهرستان در هیچ جای دنیا نشده؛ حتی در مصر که شده، انتصابی است. طرح شوراها از پایین.

بهشتی: چند شهر داریم [؟]

سحابی: 165 شهرستان داریم. این اصل رسیدگی شود. انتخابات شورای مرکزی استان مطرح باشد.

بهشتی: [طبق] طرح ایشان، مردم استان رأی می‌دهند برای شورای استان.

خامنه‌ای: شورای استان، شورای منتخب شهرستان در مرکز استان است...

سحابی: بودجه عوارض مالیات مستقیم، خرج بودجه‌ای که دولت می‌دهد.

هاشمی: مقدمه روشن نبود که امکان نداریم. مردم جوش دارند. افراد در دهات شناخته شده هستند. [در آن سطح] انتخابات باید کرد. ممکن است این کار متین‌تر باشد. پشت هم انتخابات است. خود منطقه امکانات دارد. این طرح را یک نفر داد در حزب؛ نظر من نیست.

باهنز: مسئله شورای شهرستان و شهرها حد واسط است، یک استان عمل شود. 150 یا 160 انتخاب مشکل نیست. آنها در بخش و دهات گسترش دهند. نمایندگان همین شوراها، شورای استان را انتخاب کنند، هم مردمی‌تر و هم عملی [است]. در مسئله اختیارات بعد با تفصیل ذکر شود، قدرت مرکزی بررسی شود.

موسوی: شورا در شهرها باشد. در دهات مشکلاتی دارد که نمی‌شود، در استان اشکالاتی [هست]. با توجه به نکته خامنه‌ای و شورای استان معین می‌شود.

شیبانی: حرف آقای موسوی مورد تأیید است.

بهشتی: شورا در شهرستان باشد، نمایندگان شهرستان برای استان یا شورای شهرستان انتخاب بشود و یک نماینده برای استان در یک استان که میسر است، به‌طور آزمایش، نماینده‌اش انتخاب شود.

طالقانی: پیشنهاد مهندس سحابی دموکراتیک تر است. در واحدهای روستا، افراد سه نفر، پنج نفر نماینده خود را معین کنند، از بین آنها سلسله مراتب، بعد شورای شهر و از شهر بیاید شورای استان، البته بر حسب جمعیت. اگر انتخاب از شهر باشد، مقطع وسط است، نه شورای مرکزی استان هست، نه نیست. در سندج سعی شد شورا در محدوده شهر باشد [و] کنترل شود [و] گروه‌ها نروند دهاتی‌ها را بیاورند؛ ولی مشکلات داشت.

جلالی: شهرستانی که 80 دهات و بخش دارد، شورا تشکیل دهد که نماینده روستاها باشد. یک وقت ظاهرسازی است، مطلب دیگری است، مثل کار شاه.

بهشتی: نماینده مجلس را چگونه انتخاب می‌کنند [؟]

جلالی: نماینده مجلس واقعاً می‌تواند انتخاب درست شود. یک هیأت، یک ترکیب در شوراهایی در شهرستان و مراکز استان تشکیل شود. لازم است منتخب باشد، منصوب باشد. ده هزار مأمور در سراسر ایران متمرکز کنند. در یک استان مبنایی عمل کنید که در عرض شش ماه انجام شود. ولی آن کار عملاً صورت ظاهر است، ولی تماس مردمی ندارد.

طالقانی: خیال کردم طرح نخست‌وزیری در روزنامه را آورده‌اند. تمام طرح‌ها بیاید، یکی یکی مطالعه شود.

خامنه‌ای: اصل نظر را نمی‌پسندم. از ده نمی‌شود. مسئله تجربی، همان اشکالات را دارد، از وسط شروع شدن، از مرکز استان شروع شود. اگر فکر می‌کنند 160 شهر را همزمان انجام دهد، از شهرها شروع شود، نه شهرستان. شورای شهر تعیین شود، به دهات ربطی نداشته باشد. آن وقت نظارت می‌کند بر بخش‌ها و روستاها. به توجه خود در مرحله بعدی شاید یک سال باشد، شورای تمامی مملکت بعد به ترتیب درست از پایین باشد.

سحابی: طرح از پایین عملی نیست. با توجه به همه پیشنهادات، طرز انتخاب را گفته، روی فلسفه آن نرفته. چقدر در شرایط حاضر عملی است [؟] طرح ایده‌آلی است. در هیچ‌جا عملی نشده.

بهشتی: در شورای بعد.

مهندس سحابی: نظارت خوب است.

قطب‌زاده: در شرایط فعلی می‌گوید.

مهندس سحابی: ایده آل خوب است. طرح دولت بیاید.

جلالی: طرح خامنه‌ای که کمک اجرایی کند و از وسط برگردد به روستا.

سحابی: در اصول مدیریت، یک رئیس یا یک مدیر اگر با بیش از ده نفر تماس داشته باشد، نمی‌تواند کار درست انجام دهد.

موسوی: آنچه آقای جلالی گفتند ذهن من است. در شوراها لازم نیست یک روزه انجام شود. سندج شورا انتخاب کرده، آذربایجان غربی بکند. سه استان در عرض هم، نه دو استان، نه یکی.

قطب‌زاده: مهم این است که دنبال شود. یک انتخابات بشود، شهر و استان، انتخابات آن عملاً یکی است.

بهشتی: طرح را چه کسانی تهیه می‌کنند [؟]

طالقانی: این جلسه دو سه نفر معین کند، طرح‌ها را جمع کنند و تلفیق کنند.

سحابی، بنی‌صدر، موسوی.

بهشتی: طرح‌ها تکثیر بشود.

قطب‌زاده: آرام آرام پیش برویم. سعی کنند برای هر موضوع کمیسیون خود را تشکیل دهند.

طالقانی: از نظر اول، اضافه کردن تعداد شورا عدول کردم، ولی شعبات داشته باشند. مهندس خودش کسانی را که صلاح می‌داند، جمع کند.

بهشتی: مهندس سحابی مسئول [باشد]. یکی [را] آقا معرفی می‌کند و یکی از طرح‌های شورا، افراد را معرفی کنیم، اصلاً برای این که شورا کمیسیون‌هایی داشته باشد.

جلالی: مسئله ارتش مهم بود. برای رسیدگی آن وقت معین شود.

هاشمی: کمیسیونی داریم.

\*\*\*

[موضوع: مسائل مربوط به شورای انقلاب:]

طالقانی: کلیات گفته شود. شوراها فرعی وابسته به شورا، مسائل کشوری، (1) سیاست خارجی، (2) اقتصاد، (3) ارتش و امنیت داخلی، (4) آموزش شورا از آنها باشد که رسیدگی کند.

سحابی: منحصر به آنها نیست.

قطب‌زاده: [در] مسائل اقتصادی، یکی پولی، یکی کارگری و کشاورزی.

بهشتی: یک واحد ممکن است 20 عضو داشته باشد. تولید، توزیع و مبادلات بازرگانی کاملاً به هم پیوسته است.

موسوی: کلی درست نیست.

جلالی: دستور کار جلسه از قبل معین نمی‌شود [؟]

بهشتی: روز یکشنبه، طرح قانون اساسی.

موسوی: شوراها.

بهشتی: نمی‌توانند بررسی کنند.

جلالی: دنباله‌گیری مطالب جلسه، چرا سیاست خارجی اعلام نشده [؟]

بهشتی: دکتر یزدی قرار بود جمع‌بندی کند [و] پیش آقا مطرح کنیم. در آنجا مطرح نشد. همان جمع‌بندی یک بار

در جلسه شورا مطرح شود، اگر سه‌شنبه [به] قم برویم.

جلالی: ایشان اعلام کرده‌اند.

قطب‌زاده: اگر به نتیجه متفاوت نرسیدیم، اعلام می‌کنیم.

جلالی: محل تشکیل جلسه نامناسب است.

بهشتی: وضع شیئی در غیر ما وضع له است.

مهندس جلالی: دکتر شیبانی بروند محل را معین کنند.

خامنه‌ای: گرفتاری مملکت اینها نیست. چیزی که می‌تواند راه‌حل کلی باشد، در مردم شورای فعالی باشد و به

یک صورت زنده نگه داشته شود. این کار توسط آقا در یک روز می‌شود. الان عملاً مثل همه و دولت و ما در

گرداب از مشکلات است. مجال و فرصت ندارد بررسی کند. یک واحد رهبری برای ادامه مبارزه، کار آن شورای

انقلاب است. خط انقلابی ادامه پیدا کند یا نه، مبارزه با توطئه‌ها. هیجان در مقابل امریکا به وجود آمده. به بهانه

مسئله جا، رئیس یک کار اصولی است. توصیه می‌کنم شورا مردم را به خیابان بکشد.

سحابی: گفته خامنه‌ای درست و وارد [است]. در تقسیم‌بندی کار، اصل در نظر گرفته نشد. تشکیلات بررسی مسائل سیاسی، یک ارکان راه بیان‌دازد. کمیته سیاسی، یک عده افراد صاحب‌نظر از بیرون باید مدام بگویند گروه‌های سیاسی چه بکند [و] اهداف انقلاب چیست. [این] فوری‌ترین کار است.

بهشتی: در مرحله قبلی انقلاب، چون شعار یا آرمان مشخصی بود، [برای] پایان دادن نظام سلطنتی، بسیج آسان بود. در مرحله فعلی، طرح آرمان بررسی می‌خواهد. در این مرحله، کلی نباید باشد. اگر در مسئله کارگری مسئله جزئی مطرح نشود، در مسئله پولی، در بانک، در ارتش، در گروه‌ها، در امنیت مجموعه می‌شود گفته شما.

بنی‌صدر: گفته شد ما اجرایی شده‌ایم. رهبری کشور با ما است. بینش، روش دو قلمرو. گفته شد دولتی است نقطه مقابل بینش مردم. چند دفعه می‌شود قضیه امریکا را مطرح کرد [؟] تازه هر چه طرح می‌کند، [به] نواقصی می‌خورد. آن وقت مملکت چه انقلابی‌اش، چه غیره. می‌خواستم بنویسم مطالب را هفته‌ای یک دفعه بیاورم شورا، دیدم درد ایران را دوا نمی‌کند. اکثر اینجا ناهماهنگی است.

طالقانی: [مطلب] کلی را خامنه‌ای گفت. اصل پذیرفته شود [که] شورای انقلاب است و انقلاب به پایان نرسیده [و] باید در تمام ابعاد زنده بماند. مقداری عدم هماهنگی است [که] مانع می‌شود. مردم را آماده کنیم. حرکت انقلابی [لایحه] زمین را در نظر بگیریم، درجا می‌زنیم. وزیر مسکن یک کاری کرد، وزیر کشاورزی آمد [و] گفت متوقف کنند. در دانشگاه، گروه‌ها جمع هستند. اوضاع آنجا را به دست بگیرید، شعار کلی که نتوانند فرصت‌طلب‌های چپ موضع‌گیری کنند. اینها مصادیق است.

سحابی: ادراک ما با دولت فرق دارد.

بهشتی: یک برداشت، یک امر کلی با مسائل باشد، بدون درگیری با مسائل خاص. یک برداشت کلی چیزی نیست [که] قابل طرح باشد، کل هماهنگ تمام مسائل است.

جلالی: به تناسب محیط، تضاد اصلی وجود دارد. انقلاب تداوم ندارد، مگر با مشارکت فعال مردم و ایجاد انگیزه باید کرد. یکی ایدئولوژی. دویست هزار دانش‌آموز بیکار می‌روند [برای] کارهای کشاورزی؛ بلافاصله در بار بعد که تبلیغ عملی را حس کردند، حرف اصلاحی را دیدند، آن وقت به حرف اهمیت می‌دهند. ما حرکت را نفی کنیم تا برسیم، نمی‌شود. باید مردم را کشید به میدان. وضع دانشگاه‌ها و آموزش، به‌طور کلی محور حرکت باید درست شود. وضع دانشگاه‌ها خراب و موجب تمام این بحث‌هاست. برای مطالعه، ساختن قطعات یدکی کارخانه‌ها باید جاذبه فکری در جوان‌های روشنفکر ایجاد کرد.

قطب‌زاده: مشکل طرح است. فرهنگ انقلاب اسلامی دارای بهترین مسائل است که مطرح است، به شکلی که خود ما با آن مواجه هستیم. چهارچوب فرهنگی که انقلاب باید به‌سوی آن کشیده شود، کجاست [؟] چه باشد [؟] چه نباشد [؟ در] مسائل مملکتی، اگر اصل بر گفتار واقعیت با مردم بود که آنها اعتماد کنند، خیلی چیزها را باید گفت. در جنوب شهر از مهندسين و ماشین‌آلات بفرستیم عمل کنند. عده‌ای به شهرداری مراجعه کرده‌اند [و] گفته‌اند خارج از مرز هستند. 15 هزار زن و بچه روی خاک بنشینند. بسیج مردم در جهت انقلاب، رسیدگی به نیازهای آنهاست. مقداری حرف لویح شد. به دولت به چه صورت برسیم [؟]

خامنه‌ای: حرف‌ها [به هم] نزدیک است. [مسئله] مبارزه با توطئه‌هاست. این درست است. در مقابل صد کار، غرق در یکی می‌شویم.

سحابی: حرفی ندارم.

هاشمی: فکری می‌کردند. [این که] چه بکنیم، بحث نمی‌خواهد، تصمیم بگیرید، کم‌تر بحث شود.

بهشتی: جمع‌بندی. تداوم انقلاب احتیاج دارد به برنامه‌ریزی در یک کل هماهنگ اتفاق آراء تصویب کرد شورا وظیفه رهبری انقلاب را دارد. دو چیز هست: 1) خود شورا طرح‌ها را آماده کند [و] منتظر دولت نباشد، 2) چون ممکن است دولت طرح را قبول نکند، قرار شد دولت زاپاس مدنظر باشد.

قطب‌زاده: یکشنبه دولت کامل [را] می‌آورم.

بنی‌صدر: باید شرایط نقص را رفع کرد.

بهشتی: دولت تفکر انقلابی ندارد.

بنی‌صدر: اسباب تصمیم در اختیارش نیست.

قطب‌زاده: مقداری کاهش از وضع دولت است. طرح‌های ضربتی ندارد. نیروی فعاله [نیست]. مردم به‌کلی دلسرد شده‌اند. بین 15 تا 20 ساله‌هایی که من دیدم گریه می‌کنند. شورای انقلاب و ... تصمیم‌گیری درست ندارند.

جلالی: بسیج مردم اصالت دارد.

بهشتی: بسیج با عمل است.

\*\*\*

مهدوی: بودجه سپاه و کمیته‌ها مشترکاً تصویب شود.

بهشتی: کمیته‌ها در وضع فعلی، اعم از این که بیکار پول می‌گیرند و یا کار بکنند، کمیته‌های فعلی بررسی شود برای تهران و شهرهای ایران، هفتاد میلیون تومان بودجه ماهانه. در تهران سی هزار نفر به‌طور مرتب یا نیمه مرتب، در شهرهای دیگر. از کردستان آمده‌اند. افراد کمیته تحلیل می‌روند. چیزی نیست جز رویارویی با توطئه‌گر.

مهدوی: پنجاه میلیون تومان کافی است.

حساب 1755 شعبه بهارستان بانک ملی.

مهدوی: گزارشی راجع به قلعه و اعمال خلاف عفت و تجاوز به‌عنف زیاد است. افرادی را می‌گیرند، دادگستری یا قبول نمی‌کند، یا این که عمل مثبت که جلوگیری کند نمی‌کند. در آئین‌نامه دادگاه انقلاب بنویسیم. دو دختر از دبیرستان بیرون آمده، گم شده. زن شوهردار را برده‌اند قلعه. 70 یا 80 نفر، میلیاردها تومان پول جمع کرده‌اند. بنی‌صدر: با اعدام حل نمی‌شود.

بهشتی: [مجازات] تجاوز به‌عنف و خرید و فروش زنها و ربودن آنها و در اختیار گذاشتن برای فحشاء، اعدام است.

مهدوی: مراکز قمار، آنچه در دره‌هاست، در پارک ملت کارهایی انجام می‌شود.

## جلسه یکشنبه 1358/2/6

[حاضران:] شیبانی، مهندس سحابی، دکتر باهنر کمیسیون لوایح.

- لایحه تبدیل نام وزارت اطلاعات ... به ارشاد ملی تصویب شد.
- لایحه انحلال شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای تصویب شد.
- لایحه منظور نمودن اسناد هزینه عملیات زیربنایی تصویب شد.
- لایحه اصلاح ماده پنج آئین‌نامه شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد.
- لایحه تعیین تکلیف مشمولان و پرسنل وظیفه با علل سیاسی تصویب شد.
- لایحه بخشودگی 9٪ زیان دیرکرد عوارض نوسازی تصویب شد.
- لایحه اصلاح بعضی مواد استخدامی شرکت‌ها بررسی شود.



## جلسه یکشنبه 1358/3/6

[حاضران: شیبانی، مهندس سبحانی، دکتر باهنر، مسعودی، جلالی، پیمان، بهشتی. (موسوی [اردبیلی]، مهدوی [کنی]، دکتر مبشری، هادوی آمدند).

پیمان: من موقع دعوت گفتم نظراتی دارم (بنی صدر آمد).

هادوی: آئین نامه دادگاه را تدوین شده و ارسال نشده.

بنی صدر: این که گفته اند بی گناهی را باید اثبات کند، جرم است.

\*\*\*

[موضوع: بررسی پیش نویس قانون اساسی:]

بهشتی: اصل اول قانون اساسی مطرح شود (مبشری، هادوی رفتند).

خامنه‌ای: اولین جایی که می شود همبستگی ایجاد کرد، ایران است. در مورد وحدت ملی لازم نیست عقیدتی باشد، چون اهل کتاب هم هستند.

بنی صدر: در دنیا دو جور بین الملل هست: یکی بر پایه قدرت و زور، یکی بر پایه موازنه منفی.

بهشتی: روی فرض پذیرش ملیت به عنوان یک واحد نظام آفرین است. در اسلام این طور نیست.

خامنه‌ای: می گوئید واحد سیاسی نداریم، در حالی که واحدهای سیاسی هست.

پیمان: ملاک واحد برای کردها و عرب‌ها و غیره در ایران چیست [؟]

مهدوی: ایجاد وحدت بر اساس نظام توحیدی.

بنی صدر: بنای حرکت شما روشن نیست. در نظام سیاسی، همبستگی به وجود می آوردید، یک نوع از آن است.

بهشتی: مردم کربلا با مردم خرمشهر هیچ فرقی ندارد، جز آن که آن در نظام سیاسی عراق و این در نظام ایران [است]. وحدت یکی است بر پایه اسلام.

پیمان: فرهنگ عامل مشترک است. سلطه و عدم سلطه مطرح نیست.

موسوی: بحث اصولی نیست، ولی خوب است.

بهشتی: -

پیمان: در مقدمه چه مفهومی را می‌خواهیم وارد کنیم [؟]

بهشتی: احیای فرهنگ اصیل اسلامی...

مهندس سبحانی: انقلاب بر پایه عمل پیشتازانی شروع می‌شود و آنها فرهنگ خود را به تدریج پیاده می‌کنند.

بهشتی: مبنا، نگهداری نظامی نو بر پایه نهضت فرهنگی اصیل دیرپای اسلامی است که بر مبنای ارزش و مسئولیت انسان. اصل اول را تنظیم کنند، جلسه بعد بیاورند (آقای طالقانی آمد) ... و استقرار نظام توحیدی رسالت....

موسوی: اصل سوم، به نظر من، دو اصل بشود.

اصل ششم - کل آیه بیاید. تا اصل 16 خوانده شد.

\*\*\*

[موضوع: مسائل مربوط به شورای انقلاب:]

پیمان پیشنهاداتی به شورا داشت که مطرح کرد.

بنی صدر، جلالی و طالقانی تأیید کردند. مطالب مشابه انتقاداتی بود که خود شورا هم داشت.

بهشتی: جمع‌بندی. [1] شورا برنامه کوتاه‌مدت ضربتی [داشته باشد] تصویب شد.

2) نوع صرف وقت جلسات بهتر باشد، 3) طرح کمیسیون‌های مشورتی تعمیم بدهد، 4) یک دولت رزرو باشد،

5) سپاه پاسداران انقلاب اگر با سرعت تقویت نشود، پشتوانه نداریم.

طالقانی: در ارکان ارتش، افرادی نفوذ کرده‌اند.

پیمان: جلسه برای این برنامه‌ها باشد.

موسوی: مسئله ارتش، [مسئله] امروز و فرداست.

خامنه‌ای: در کمیسیون پنج نفری ضعیف هستیم، در آنجا اعمال قدرت شود. موسوی جای هاشمی بیاید. مهندس صباغیان، چمران، ابتکار<sup>1</sup>.

خامنه‌ای: چمران قصد دارد عبدالعلی [بازرگان] را عوض کند. کارهای خلافی آنجا شده.

بهشتی: دولت جانشین باید باشد.

پیمان: مواردی که باید اعلام شود، تهیه شود.



---

1. تقی ابتکار (79-1311) رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در فاصله 9-1358.

## جلسه دوشنبه 1358/3/7

- لایحه: اصلاح موادی از قوانین دادگستری در دعاوی مدنی هرگاه دیوانعالی کشور ... تصویب شد.
- لایحه قانونی اصلاح ماده 60 تا 62 قانون استخدام تصویب شد.
- لایحه پرداخت مابه‌التفاوت بهای گوشت تا 50 ریال تصویب شد.
- لایحه ارسال صورت جامع کالاهای وزارتخانه‌ها که باید از گمرک معاف شود تصویب شد.



## جلسه سه‌شنبه 1358/3/8

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، کتیرائی، باهنر، بنی‌صدر، دکتر سحابی، مهندس سحابی، خامنه‌ای، مهدوی [کنی]، پیمان، بهشتی].

[موضوع: بررسی پیش‌نویس قانون اساسی:]

ماده 16 مطرح شد.

حق حاکمیت از طریق سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه ...

باهنر: تفکیک قوا درست است یا نه [؟]

بهشتی: در بلوک شرق این تفکیک تا چه اندازه هست [؟]

مهندس سحابی: آنجا تا حدی دیکتاتوری است.

بنی‌صدر: فراندوم در این ماده نیامده است (قطب‌زاده آمد).

بهشتی: اصل 16 بنویسیم حکومت مرکب از سه قوه.

تصویب شد.

قطب‌زاده: فراندوم وقتی است که قوه مجریه کاری می‌خواهد بکند و نظر مردم را بگیرد (مبشری آمد).

پیمان:

قوه مجریه مسئول اداره کشور...

تصویب شد.

[عبارت] به نام ملت، زیادی است.

حذف شد.

دکتر سحابی: راجع به رئیس‌جمهور و اختیاراتش بحث مفصل شده.

خامنه‌ای: طبق تحقیقات محیط طباطبایی<sup>۱</sup>، شیر [و] خورشید چیز خوبی نیست و سابقه خوب ندارد.

پیمان: خورشید مظهر مهرپرستی و شیر مظهر قدرت [است].

قطب‌زاده: الله اکبر، شعار انقلاب.

[نقش پرچم:] سه رنگ باشد، شیر و خورشید.

نقی شیر و خورشید تصویب شد.

دکتر سبحانی: می‌خواهید به دنیا نشان دهید که با پیوندهای گذشته بریده‌اید یا ما به گذشته‌مان علاقه‌مند هستیم [؟]  
شیر و خورشید نشانه پیوند با گذشته است. ما پیوند خوب گذشته را طالب هستیم. حذف این موضوع در جهت منفی نشان می‌دهد با تمام چیز گذشته. شیر و خورشید وابستگی به دوران ساسانی و غیره هست. راجع به کلمه الله، پیشنهاد شد "خدا" بگذارند.

بهشتی: نظر حضرت‌عالی است، ما اعلام نمی‌دانیم. شیر و خورشید با رژیم پادشاهی هماهنگ بوده. علاوه بر آن تداعی روانی معاصر شیر و خورشید را وابسته به شاه می‌دانند. پرچم بی شیر و خورشید، ملی است و با شیر و خورشید.

دکتر سبحانی: اطلاعات همه‌مان کافی نیست. تحقیق شود.

قرار شد تحقیق شود.

موسوی: کلمه الله باشد، خدا نباشد.

سبحانی: همبستگی ملی مطرح است، [موجب] تجزیه‌طلبی آنهایی که جدای از اسلام هستند [می‌شود]. شیر و خورشید، تداعی همبستگی ملی است.

موسوی: اگر روی قشر رسمی اثر بد بگذارد، عوض شود.

بهشتی: در مناطقی که زبان محلی موجود است، آزاد است زبان خودشان.

---

1. سیدمحمد محیط طباطبایی (1280-1371) پژوهشگر حوزه ادبیات و تاریخ.

دکتر سبحانی: قانون اساسی است، ان شاء الله برای همیشه است. معلوم نیست تلاش برای وحدت ملی از نظر خط و زبان یکی باشد. زبان رسمی است و خط رسمی است. چیزی نیاوریم که در آینده کلی عام به هم بخورد. قطب‌زاده: در مورد مکاتبات، زبان‌های مختلف وارد شود. پشت آن جنگ‌های عجیب و غریب پیدا شد. بهشتی: در بلژیک خواستند زبان فرانسه را تحمیل کنند، مقاومت شد. در سوئیس که سه زبان ماند، اختلال ایجاد نشد.

قطب‌زاده: چهار زبان است و مکاتبه با چهار زبان، نه سه زبان، است.

دکتر پیمان: زبان رسمی ایران، فارسی است و مغایرتی با استفاده از زبان و فرهنگ بومی ندارد.

خامنه‌ای: بگوییم زبان دولتی، فارسی است، نشان می‌دهد مسئله مکاتبات است.

بنی صدر: چون خیلی حرص ترکی داشت، این را گفته.

دکتر سبحانی: ترتیبی باشد که از وضع فعلی بدتر نباشد. پدر به فرزندش زبان فارسی است از ابتدا کلاس اول الفبای فارسی را می‌خوانند، ولی ترکی هم حرف می‌زنند.

موسوی: مسائلی که بحث می‌شود، فلسفی نیست، واقعیت‌های خارجی است. کشور چندملیتی است.

خامنه‌ای: چندزبانه.

بهشتی: زبان دولتی ایران، فارسی.

مهدوی: زبان رسمی، فارسی است.

بهشتی: و می‌گویید تغییری حاصل نشده.

پیمان: زبان از جهت رسمی یکی باشد، زبان‌های ملیت‌ها باشد. دو سه جمله بحث شود.

شیبانی: این ماده باشد در شوراها بیاید.

دکتر سبحانی: اگر می‌خواهید ایران با این وضع باشد، این‌طور است، دیگر تفرقه اضافه نشود. در تفرقه زبان، وحدت ملی ایجاد می‌شود. دین چقدر در ارتباط ما دخالت دارد [؟] در قانون اساسی نباید آورد. آنقدر آزادی باید داد که خودبه‌خود بگردند.

بهشتی: جز در تاریخ اسلام و گسترش زبان عربی، تجربه موفق تاریخی نداریم.

دکتر سبحانی: آینده می‌خواهیم برویم، زبان رسمی این است.

خامنه‌ای: مطالب ایشان درست است، ولی آقای شریعتمداری هم روی زبان فارسی خط کشیده.

جلالی: آیا واقعاً مکاتبات اداری باشد یا نه [؟] مشکلاتی فعلی داریم، نباید منتقل کرد به آینده. خیانت به وحدت ملی است. مثل این که بگوییم نماز را به ترکی بخوانیم. در مواد حقوق ملت ایران، فرهنگ ملی را بگذاریم به اظهارنظر. می‌گذاریم، بعداً اگر ایراد شد، عوض کنیم.

بهشتی: واقعیت است زبان مشترک روابط را آسان می‌کند. در جاهایی از آذربایجان و کردستان، احساس غریبی می‌کند. اگر قرار است جمهوری اسلامی ایران آغاز جنبش اسلامی جهان باشد، آیا باز زبان فارسی باید باشد [؟] بنی‌صدر: زبان عربی زبان مشترک است.

بهشتی: در عین این که می‌پذیریم زبان مشترک وسیله وحدت است در ایدئولوژی اسلامی آن را کنار گذاشته‌ایم. جلالی: اگر بخواهید فرهنگ اسلامی را گسترش دهید، زبان مشترک باید باشد. آنها را در قوانین جزئی بیاورید. پیمان: بحث زبان مشترک ایراد ندارد. اسلام، فرهنگ است و انتقال آن با زبان مشترک است. تحمیل بصورت برداشت شده، غلط است و لازم نیست به هر زبان حرف زده نشود.

بهشتی: زبان و خط مشترک مردم ایران، فارسی و متون و مکاتبات رسمی با این خط و زبان است.

جلالی: این ماده باشد، آن مطلب در مواد دیگر.

با هشت رأی تصویب شد.

دکتر سبحانی: این ذیل ماده.

بهشتی: زبان و خط مشترک مردم ایران، فارسی است.

موسوی: توضیح اگر این ذیل نیاید، همان ناراحتی را تولید می‌کند (طالقانی و میناچی آمدند).

طالقانی: به آنها گفته‌ایم راجع به خودمختاری داخلی.



بهشتی: آنها قبول کردند [که] تدریس فارسی الزامی باشد.

میناچی: اگر رسمیت قید نشود، در دادگاه‌ها، در دفاتر، ممکن است به زبان دیگر بنویسند.

باهر: ذیل باشد.

دکتر سبحانی: این منحصر نخواهد بود؛ در استان‌ها آزادی دارند.

کتیرائی: فرم موجود را عوض نکنیم، اگر در آن مجلس مؤسسان کوچک عوض شد.

قطب‌زاده: مطلبی که جلالی گفت، زبان رسمی فارسی در مورد اقلیت‌ها، حقوق آن گنجانده شود.

\*\*\*

دکتر پیمان: مطلبی به‌طور کلیات مطرح شد. انقلاب کرده‌ایم، قانون اساسی مطرح است. چهره انقلاب در نظام پیاده شود. مسئله حل قدرت انقلاب انجام شود.

بهشتی: به‌سمت تثبیت قدرت انقلاب از قدرت نظامی می‌رویم یا با پشتوانه نیروی ملی [؟] نوع اول، قانون اساسی به تأخیر بیفتد و شورای انقلاب واقعی که در تمام صحنه‌ها متجلی باشد و بگوید مرحله عبور لازم داریم.

طالقانی: این مسائل خارج از بحث است. برای تثبیت اوضاع، قانون اساسی [را] در معرض افکار عمومی بگذاریم. پیمان: خودتان در معرض گزارش‌های مختلف [هستید] که ناشی از گسستگی‌هایی است.

طالقانی: سه روز است در معرض دفاع از آقا هستیم که [برخی] می‌گویند استبداد دینی [شده است].<sup>1</sup>

بهشتی: بعد از این که آقا گفتند قانون اساسی به این نحو عملی می‌شود، وظیفه ما این است.

---

1. امام خمینی در سخنانی در تاریخ چهارم خرداد 1358 در جمع بانوان سازمان حمایت از خانواده‌ها به موضوع "توطئه دشمنان برای حذف روحانیت و اسلام" اشاره کرد. وی ضمن ابراز نگرانی از ریشه‌های پوسیده طاغوتیان و تبلیغات وسیع بر ضد اسلام و قرآن کریم، به طرح جمهوری دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک اسلامی از سوی برخی اشاره کرده و همه آنها را خدعه‌ای دانست که برای مخالفت با اسلام اظهار می‌شود. امام از همگان خواست تا از نزدیک شدن و همکاری با این جریان‌ها خودداری کنند. وی همچنین تز اسلام منهای روحانیت را خیانت دانست و هشدار داد که توطئه بزرگ در کار است و اقشار مختلفی که به اسلام پشت کرده‌اند، در حال اجتماع و اتحاد با یکدیگرند و ما به هیچ وجه توطئه را تحمل نخواهیم کرد، چرا که آزادی تنها در چهارچوب اسلام و در حدود قانون است (صحیفه امام، جلد 7: صص 484-7).

بنی صدر: مطلب اساسی.

طالقانی: اگر مردم را بشود جمع کنیم، خوب است.

پیمان: چند کار اساسی بشود.

بهشتی: قدر مسلم این است، آن مقدار تأیید که نسبت به اقتراحات دکتر پیمان کردیم، این نبود که قانون اساسی بحث نشود. دستور جلسه عوض نشده.

پیمان: حقیقی را می‌گویم. ممکن است مملکت دست ما نباشد.

بهشتی: هم به این و هم به آن می‌پردازیم.

بنی صدر: قدرت اجرایی شما روزبه‌روز از دست می‌رود.

\*\*\*

[موضوع: ادامه بررسی پیش‌نویس قانون اساسی:]

خامنه‌ای: در برابر قانون مساوی هستند. اگر یکسان بود، یکسان اجرا می‌شود.

طالقانی: تساوی زن و مرد در برابر قانون ذکر شده.

بهشتی: سه مسئله منصوص است که باید رعایت شود: یکی ارث است، یکی قضاء تا حدی منصوص است، مراجع صریح می‌گویند زن نمی‌تواند.

طالقانی: [در خصوص] قضاء [مربوط به] رأی نهایی است، ولی در بدایت می‌توانند رأی بدهند.

بهشتی: یکی مسئله شهادت است، یکی ولایت مرد در خانواده.

پیمان: باید تصمیم گرفته شود، رعایت می‌کنیم یا نه [؟]

بهشتی: فعلاً باشد.

اصل بیست و سوم زاید است.

اصل بیست و چهارم زاید است.

قطب‌زاده: یک نفر را نمی‌شود از جایی بیرون کرد.

مهدوی: [در خصوص] عقیده محترم است، مرتد را در فقه باید کشت. چه احترام به عقیده است [؟]

بهشتی: نظر مهدوی، نوع مرتد.

مهدوی: مرتد را نمی‌شود کشت [؟]

پیمان: مرتد، عصیان علیه سیستم است.

میناچی: در هیچ قانون دنیا، عقیده نیست.

بنی‌صدر: عقیده باید باشد.

خامنه‌ای: مصون از تعرض است، دلیل این نیست که حکومت حق دخالت ندارد.

بهشتی: [کلمه] محترم را برداریم.

مهدوی: قانون اساسی باید کلیت باشد [و] تبصره نخورد.

بهشتی: -

میناچی: شرف چه اشکال داشت [که] برداشتید [؟]

بهشتی: محترم را فقط برداریم و مسکن از بالا زده شد.

بحث قانون اساسی برای جلسه بعد.

\*\*\*

[موضوع: شورای انقلاب و دولت موقت:]

مهندس سبحانی: این دفعه که دولت قرار است معین شود، برنامه‌ها معین شود، [به] اشخاص رسیدگی شود.

پیمان: برنامه معین شود.

خامنه‌ای: [در مورد این که] دولت معین شود [و] طرح‌ها مشخص شود، اولی درست نیست، ولی دومی باید

معین شود و [درگیر] تفکر تغییر کابینه الان نشویم. قبلاً جا افتاده؛ مهندس بازرگان چهره موجه شده در مردم.

بهشتی: این بحث زاید است.

طالقانی: زاید است. کسی نداریم جایش بگذاریم.

بهشتی: در دستور جلسه نبود. افرادی که می‌توانند دولت را تشکیل دهند، معرفی کنید. برای کمیسیون‌ها [ی] شورا، افراد معین کنید.

پیمان: خود برنامه را تصویب کنیم.

بنی صدر: برنامه را معین کنید، بدهید.

مهدوی: اگر بدانم دولت خوبی هست که دنبال تعویض نمی‌روم.

بنی صدر: آقای طالقانی یک عیب دارند، تغییر دولت را خودشان مطرح کردند.

بهشتی: شخص داریم به فکر دولت باشد [؟] دوم، برنامه‌اش را مطرح کند [؟]

بنی صدر: اگر دیدیم این دولت ناتوان است، مقدمات کار را آماده کنیم. مراکز تصمیم‌گیری در کشور هست، به چه ترتیب ادغام شود [؟] شورا، آقا، دولت، کمیته‌ها، دادگاه، تکلیف این حرف‌ها روشن شود.

بهشتی: چه کسی بکند، دولت است.

بنی صدر: آقا باید انجام دهد. چگونه ما می‌توانیم رهبری را از بلبشویی نجات دهیم [؟]

طالقانی: حرف ایشان و پیمان درست. یک شورای قوی باشد. اول، تقویت شورا، [از طریق تشکیل] کمیسیون‌ها [ی] فرعی. کمیسیون‌های فرعی درست شود، به دولت فهمانده شود [که] ما تابع دولت نیستیم.

قطب‌زاده: [راجع به] مباحثی که مطرح شد، ده بار صحبت شده، مراکز تصمیم‌گیری، دولت، شورا باید تقویت شود. در خط تقویت شورا، سه نفر قرار شد دادگاه انقلاب را کنترل کند، ولی نتوانسته است. بعضی اعضای کمیته با خارج رابطه دارند، بعضی مشروب می‌فروشند. شورا قدرت اجرایی است، باید اعمال کند، عملاً می‌شود، باید از طریق دولت بشود. از طریق دولت هم اعتماد نیست که درست عمل کند.

بهشتی: وقت تلف می‌شود. دستور جلسه به‌جا است. [1] معرفی افراد کابینه آینده، 2) برنامه‌ریزی، افرادی به عنوان کمیسیون شورا معین شوند.

پیمان: اصل ایجاد مرکزیت قوی، سپاه، کمیته، دولت، دادگاه. [به مسئله] فقدان برنامه رسیدگی شود.

قطب‌زاده: سپاه زیر نظر شورا است.

بهشتی: قرار بود کسانی نوشته‌ها را بدهند.

سحابی: [در مورد] اشخاص بحث نشود. نمی‌دانند چه کار باید بکنند. تمرکز قدرت به چه نحو باشد [؟] رهبری ادغام شود، فرماندهی سپاه سه نفر [شامل نمایندگان] شورا، دولت و سپاه.

طالقانی: افراد ارتش، جز ریاحی، بقیه در موردشان حرف است. ارتش باید منظم شود. [وضعیت] مرزها بد است. خطر از ارتش برای انقلاب. کمیسیون برای ارتش [تشکیل شود]. مسعودی از چند نفر ارتشی سالم دعوت کند. موسوی: کمیسیونی هست، هاشمی و خامنه‌ای [هم هستند] که من به‌جای هاشمی رفتم.

طالقانی: [در مورد] راه‌سازی، دولت باید اقدام کند. فصل آن می‌گذرد. کمیسیون از افراد آمده، کارشناس که توقع است دولت چوب لای چرخ نگذارد. ارتش وسایل دارد، وزارت کشاورزی دارد.

راه‌سازی، کشاورزی، آب. اگر منافات با پروژه دولت ندارد.

بهشتی: این قسمت اخیر، عدول از مجرای بحث بود.

پیمان: بعضی مسائل، کمیسیون جدا نمی‌خواهد.

بهشتی: روی کمیته‌ها و سپاه قبلاً بحث شده. برنامه آینده مشخص شود. شورای انقلاب تا توانایی تهیه طرح و اجرای آن و معرفی فرد نداشته باشد، کار بیهوده است. سیاست خارجی، اداری، کشاورزی، صنعت، بازرگانی، ارتش، قوای انتظامی.

موسوی: [از] اسامی دولت و کمیسیون‌ها چیزی ندارم.

طالقانی: اسامی کمیسیون‌های فرعی. تأسیسات راه‌سازی و کار عمرانی: مهندس واعظ، مهندس مقدم (مرتضی)، مهندس حشمت‌خانی، مهندس علیخانی. وزارت امور خارجه: داوودی، عباس روحانی سیاسی است، حسن مرادی.

بنی‌صدر: عده‌ای در حدود 130 نفر هستند. فرستاده‌ام بررسی کنند. در مجموع 170 اسم.

بهشتی: کی می دهید [؟]

بنی صدر: جلسه یکشنبه.

دکتر پیمان: کشاورزی، صنعت و بازرگانی. بنی صدر، دکتر توانایان فرد، کشاورزی صدر (در وزارت کشاورزی).  
ابوذر ورداسبی، صنایع. دکتر زندیه (عبدالله) اقتصاد، یک فرد زرتشتی دکتر رستم کیوان به معرفی او.

مهدوی: ندارم.

خامنه‌ای: کسی تهیه نکردم.

سحابی: کمیسیون اقتصادی، یکی از آنها اجرایی باشند. در آینده کار به دست او باشد. بنی صدر، عالی‌نسب<sup>۱</sup>، دکتر مهدی احمدزاده، مهندس معین‌فر، دکتر میرآخور، دکتر میرسلیم، مهندس سحابی، توانایان فرد. [برای کمیسیون] نظام، خامنه‌ای مسئول باشد، صباغیان [و] یکی دو تا از ارتشی‌ها.

قطب‌زاده: لیست کامل [برای جلسه] پنجشنبه.

جلالی: سه‌شنبه آینده.

پیمان: تجارت و اقتصاد، دکتر مدرس‌زاده، دکتر عباس‌زادگان. برای تعلیم و تربیت: دکتر شریعتمداری.

بهشتی: دوستان ما در صدد بوده‌ایم لیست تکمیل می‌شود، تا پنجشنبه می‌آوریم، بیش از صد نفر.

بنی صدر: کابینه من اگر بخواهید آماده است.

بهشتی: اسامی آقای طالقانی بدون شناسایی است.

سحابی: از طرف شورا یک کمیسیون هفت نفری برای مسائل اقتصادی تعیین شود. هرکدام با بیست نفر دیگر در تماس باشند. شورا کل نظر اساسی را به این دو نفر بگوید، در عرض دو هفته طرح‌های اقتصادی را با نحوه اجرا تهیه کند.

بهشتی: عضو اقتصادی در شورا، بنی صدر و شما (سحابی).

---

1. میرمصطفی عالی‌نسب (1298-1384) اقتصاددان و صنعت‌گر و مؤسس شرکت صنایع نفت و گازسوز عالی‌نسب، مشاور اقتصادی محمدعلی رجایی و میرحسین موسوی.

بنی صدر: گروه‌گرایی مشکل اصلی است، همه جمع شوند.

پیمان: کمیسیون هفت نفری باشد. اعلام شود هرکس هر جا طرح دارد، بدهد.

بهشتی: بنی صدر، سحابی، میرسلیم، عالی نسب (دکتر توانایان).

بنی صدر: ارائی نژاد.

شیبانی: در مورد پول به دولت نوشته شود نامه بنیاد به عنوان وثیقه کافی است.

در مورد دادگاه اقدام شود.

موسوی: ورامینی را می‌شناسیم. این سه مطلب به خانهاش رفته.

بهشتی: صحبت من در کانون توحید، جواب این نوشته نزیه در روزنامه خواهد بود و شما (قطب‌زاده) از رادیو

تلویزیون بفرستید، آن را نقل کنند. آقای موسوی متنی تهیه کرده‌اند برای جواب به.

سحابی: بی‌جهت همه را با یک چوب راندن، سبب رد شدن عده‌ای که واقعاً معتقد است، می‌شود!

---

1. ششم خرداد 58، حسن نزیه، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در سخنانی جنجالی در همایش کانون وکلای دادگستری، اعلام خطر کرد که سستی‌ها و بلا تکلیفی‌ها نگران‌کننده است. وی در خصوص عملکرد دادگاه‌های انقلاب نیز گفت: خود امام متوجه اشتباهات دادگاه‌های انقلاب شدند و آن را تصحیح کردند (کیهان، 1358/3/7، ص 3). اما مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین نکته سخنان نزیه، این جمله بود که: نه مقدور است، نه ممکن است، و نه مفید که تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی را در قالب اسلامی بسازیم و آیات عظام هم خود به این امر واقفند. دکتر بهشتی در واکنشی تند به سخنان نزیه، خواستار محاکمه وی شده و گفت: من نمی‌گویم آقا شما حق نداری حرفت را بزنی؛ چون ما استبداد و خفقان نداریم. اما آیا حق نداریم بپرسیم که آقا نسبت شما با انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب چیست؟ این آقایان پافشاری امام را در رفتن شاه یک آرمان ایده‌آلیستی می‌دانستند و خواهان قبول انتخابات آزاد و حفظ دولت بختیار با استمرار رژیم شاه بودند (کیهان، 1358/3/9، ص 3). بهشتی همچنین در سخنان دیگری گفت: خیال کردید با یک کنگره چندصد نفری با نام دهان‌پرکن حقوق‌دان‌ها می‌توانید جامعه انقلابی ما را مرعوب کنید؟ وی در هشدار شدید به فرصت‌طلبان گفت: مبدا کنگره‌های شما نسخه دوم کنگره‌های اندیشمندان شاهنشاهی باشد (جمهوری اسلامی، 1358/3/10، ص 3).

این سخنان، با واکنش نزیه مواجه شد. وی گفت: من هرگز جمهوری اسلامی را تخطئه نکردم و انتقاد از من، احتیاجی به تهدید و ارباب و دعوت به محاکمه نداشت (کیهان، 1358/3/12، ص 5). نزیه همچنین گفت: هیچ‌کس حق ندارد چوب تکفیر و چماق تهدید بردارد، شخصی که باید محاکمه شود دکتر بهشتی است، نه من؛ چون به عنوان یک روحانی دروغ می‌گوید. نزیه افزود: کاری نکنید اشخاص مؤمن به انقلاب به فرار از مملکت تشویق شوند (اطلاعات، 1358/3/12، ص 2). اما نقد به نزیه، منحصر به بهشتی



---

نشد. آیت‌الله سیدصادق روحانی هم در واکنش به سخنان نزیه گفت: آقای نزیه از اسلام چه می‌داند که می‌گوید نمی‌توان قوانین اسلامی را اجرا کرد؟ (کیهان، 1358/3/14، ص 8). این مجادلات البته فروکش کرد، اما مدتی بعد نزیه از مسئولیتش کنار زده شد.



## جلسه پنجشنبه 1358/3/10

[حاضران: شیبانی، موسوی [اردبیلی]، بهشتی، مهندس سبحانی، میناچی، بنی صدر، خامنه‌ای، جلالی، [مهندس] موسوی، مهندس بازرگان. (مسعودی آمد).

[موضوع: بررسی پیش نویس قانون اساسی:]

مهندس بازرگان: اگر اصل مالکیت کار باشد، پس ارث و هبه چیست [؟] (باهنر آمد) اساس مالکیت، سعی است و کار. مالکیت حاصل از کار، از راه بیع، ارث، هبه و یا معاملات دیگر قابل انتقال است (قطب زاده آمد).

اصل 14: دین رسمی ایران، اسلام است. قوانین عمومی. ولی مقررات محل در اکثریت آن، حنفی یا شافعی هستند، ولی در احوال شخصیه.

باهنر: باید به صورت قانون مدنی [باشد].

اصل 29.

میناچی: در این موقع که کشورهای مختلف ما را تخطئه می کنند، بودن این مواد لازم است. در مورد ماده 28، نشر اکاذیب به جای اخلاق اسلامی.

مهندس سبحانی: با ممنوع کردن دین کتابها، آنها را مقدس نکنیم.

مهندس بازرگان: دامنه آن را نمی شود محدود کرد، [چون] انگیزسیون می شود. ضامن حقانیت مطلب شنیدن حرف مخالف است.

موسوی: این مسائل گفته شده درست است، ولی آوردن آن در قانون اساسی، یک تقلید غربی است [و] در مکتب ما پسندیده نیست.

جلالی: اگر منحصر کنیم، علم مبارزه را نمی آموزند. باید مردم خودشان حافظ آن باشند.

بهشتی: باید یک جلسه بحث فقهی شود. فَبَشِّرْ عِبَادٍ... در نظام‌های ایدئولوژیک، اجازه به مکتب‌های دیگر سبب رخنه کردن آنها می‌شود. پس در اصل آن مکتب ایراد کرد.

مبشری: نظرم همین است. عقیده‌ای که متوسل به زور شود، توخالی است.

مهندس موسوی: آزادی تا حد مخالفت با جمهوری اسلامی می‌تواند پیش برود یا نه [؟]

مبشری: [عقاید] مسالمت‌آمیز، دامنه‌اش وسیع است.

جلالی: -

موسوی: گروه‌های تجزیه‌ای تشکیل می‌شود.

مهندس بازرگان: اگر حزب دموکرات کردستان یا خلق عرب کاری کردند، به علت ضعف ما بوده است، وگرنه صد تا از این حزب‌ها کاری نمی‌کند.

قطب‌زاده: آنچه محترم بشمریم، ضعیف است، باید رعایت کنیم. در حفظ استقلال و تمامیت اساس جمهوری اسلامی را باید محترم بشماریم، ولی می‌شود نخواست.

مهندس سبحانی: همان حرف با این اضافه در قانون قبل اساس مشروطیت هم بود، ولی راه برای بازگشت ضدانقلاب نباشد.

بهشتی: مانع رشد انسان‌ها نشویم. محدودیت، ضدطبیعت بشر است.

موسوی: قدرت داده، ولی تهی کرده. تکوین با تشریح اشتباه شده.

بنی‌صدر: به همان دلیل که بهشتی گفت این ماده باشد، باید باشد که رعایت اینها ملتزم هستند.

مهندس بازرگان: در بحث ابتدای جمله فراموش می‌شود. اتحادیه معرفی شود که اتحادیه، عمل نامشروع نباشد. در مورد استقلال و ... از مقوله عمل است.

موسوی: نظام اجتماعی، از اساس جمهوری اسلامی است.

---

1. اشاره به آیه 17 و 18 سوره زمر: فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ بشارت ده آن بندگانی را که سخنان [مختلف] را می‌شنوند و از سخن نیکوتر تبعیت می‌کنند.

خامنه‌ای: گروهی که می‌خواند تشکیل شود، باید ضابطه‌ای داشته باشد.

مهندس جلالی: اگر جمعیتی تشکیل شد و خواست جمهوری اسلامی را به هم بزند، از طریق این قانون نیست.

بهشتی: این قانون اعتبارش به قبول اکثریت است.

موسوی: به اقلیت اجازه بدهید که با زور، جلو اکثریت را بگیرد.

جلالی: هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در ... منع کرد.

میناچی: اساس قانون، خود اسلام است. باید طوری باشد که اصول آن ثابت باشد.

بهشتی: بنا بر آزادی انتخاب مسلک و عقیده است و آزادی آن.

باهنر: آزادی انتخاب و عقیده را با لزوم التزام و تعهد در برابر نظام اشتباه می‌کنید. جمهوری اسلامی نظامی است

که جمع [به آن] رأی داده [و] نمی‌شود علیه آن اقدام کرد.

مهندس موسوی: آزادی و یا چیز دیگر در قالب اسلامی آن درک می‌شود. اگر ماده‌ای باشد [که] این چهارچوب

را نقض کند [قابل قبول نیست]. گسترش اسلام را حتم می‌دانیم، ولی گروه‌های دیگر را آزاد می‌دانیم. [اما اگر]

لطمه به اسلام بزنند، تناقض دارد.

مهندس بازرگان: به جای [کلمه] اساس، بگذاریم نظامات جمهوری اسلامی.

موسوی: نظام جمهوری اسلامی.

بنی‌صدر: مخالفم.

مهندس سبحانی: اساس جمهوری اسلامی می‌شود نظام... گفت ولی حذف آن درست نیست.

موسوی: قصد ما با این اصل چیست [؟] چه کسی را آزاد و چه کسی را محدود کنیم [؟] ما متهم به دیکتاتوری

هستیم، باید [این اتهام را] رفع کنیم. حزب توده، فدایی خلق و [گروه‌های] تجزیه طلب داریم.

بنی‌صدر: کلمه نظام از پایه تا ثریا [را شامل] می‌شود. اساس، یعنی خطوط کلی فعالیت، خیلی وسیع است. باید

گذاشت قیام تضاد ...

بهشتی: وقتی گفته می‌شود قانون، [یعنی] تا هست علیه آن اقدام نباید کرد.

باهنر: نظام یا حکومت هم این طور.

بهشتی: یا راجع به ابدیت اسلام صحبت می‌کنید یا راجع به این اسلام با برداشت ما است. اسلام بالضروره گسترش می‌یابد، با حفظ آزادی یا سلب آزادی است. اقلیت باید به فکر اکثریت تن دهد، درست، ولی فعالیت کند. ما به علت این که نطق می‌کنیم جلو آنها گرفته نمی‌شود. عمل کنیم.

موسوی: هر اقدام، هر قیام در چهارچوب استقلال و نظام جمهوری ممنوع است.

مهندس سبحانی: اسلام و شیعه که در قانون اساسی مردم حفظ کردند، یا نوشتن آن.

مهندس بازرگان: چرا آقای مهدوی حرفی نمی‌زنند [؟] نظر بنی‌صدر را قبول دارم.

خامنه‌ای: اگر مفاد اصل 31 همان باشد که آقای مهندس بازرگان گفتند، زاید است. مضمون اصل 31 می‌گوید اقدام نمی‌شود کرد.

جلالی: ارائه نظر خاص نیست. عنصری در بیان آقای بهشتی بود که آقای خمینی در رد اساس سلطنت گفتند. ما الان نباید خودمان نفی خودمان بکنیم. اصل دیگری لازم است که نظام حکومت ایران، جمهوری اسلامی است.

بنی‌صدر: استدلال ضعیف است. در روسیه، طرق فعالیت آزاد وجود ندارد.

قطب‌زاده: منع قیام و اقدام خشونت‌آمیز باشد. ممکن است حزب اسلامی بدون مرز باشد.

مهندس بازرگان: حزب توده قبل از منع وجود داشت و در اساسنامه‌اش طرفداری از قانون اساسی بود. وجود این ماده عملاً فایده ندارد، مشروط بر این که قیام و اقدام علیه آزادی و امنیت کشور ننمایند.

بهشتی: چون در این قانون اساسی همه امکانات منظور شده است، هرگونه قیام و اقدام، خشونت علیه آن ممنوع است.

مهدوی: چه اصرار به این قدر آزادی دادن است [؟] اسلام تا تثبیت نشده.

مبشری: مگر آن که قانوناً ممنوع باشد.

مهندس بازرگان: در انتخاب مستقل آزاد است.

بنی‌صدر: آزادی شغل هست، ولی مجبور نیست کس دیگر.

مبشری: حق تقدم حزب است، ولی قانون باید تعیین کند موارد لزوم [را].

خامنه‌ای: هرکسی حق دارد از بیمه‌های ...

بهشتی: باید برای همه فراهم شود (مهندس بازرگان رفت).

اصل 52 حذف.

بهشتی: کمیسیون اقتصاد بررسی کند در مورد ملی کردن بانک‌ها و...

بنی صدر: [بررسی] کرده. اگر اعلام شود تا اجرا، هرکار دلش خواست می‌کند. اگر این اصل تصویب شد، آن طرح اجرا شود. دیگر بانکی نمانده که ملی شود، تمام بانک‌ها ورشکسته هستند.

بهشتی: وکیل نماینده تمام ملت است، از نظر شرعی توجیه ندارد، مصوبات اکثریت این نمایندگان برای ملت لازم‌الاتباع است.

ماده 57- عده نمایندگان 270 نفر، برای هر 150 هزار نفر و... (هادوی آمد).

اصل 60- به قانون اساسی مراجعه شود.

\*\*\*

[موضوع: دادگاه‌ها و زندان‌ها:]

موسوی: در خدمت آقای خمینی، صحبت راجع به دادگاه‌ها بود. گفتم یکی از راه‌ها انحلال است.

بهشتی: پاسداران یکسره عوض شوند، بعد بازجوها [تغییر کنند]. قرار شد تصفیه پاسداران توسط زواره‌ای عمل شود و آقای کریمی عوض شود.

هادوی: هرکار تخصص می‌خواهد. همه شهرستان‌ها [را] منظم کردیم جز تهران، که گفتند دخالت نکنم. کسانی به این کارها می‌رسند که هم متخصص نیستند و هم دارای عقده [هستند]. طرحی داشتیم؛ کادری آنجا هست که قسمت عمده آنها خائن هستند. مورد محمد سعادت از زندان شروع شد. تمام کسانی که بازجویی می‌کنند، بروند بیرون. عده‌ای از سپاه پاسداران، بازجوی حرفه‌ای شده‌اند، اگرچه تخصص ندارند، بین موجودین ممکن است آدم خوبی باشد.

بهشتی: پنج نفر هستند مخفی و غیره که مقابل مجاهدین هستند.

هادوی: دستگیری‌های غفارپور ضربه به مملکت می‌زند.

بهشتی: دو نکته، در جاهای دیگر سامان گرفت جز تهران. جاهای دیگر شروع شد، ولی تهران شروع شده بود. در دادستانی کل، افراد مرتبط با مجاهدین دارید؛ جواد رفیق دوست مرتبط با آنهاست.

هادوی: آقای دانش پیش از این مسئول سپاه بوده.

بهشتی: دانش سمپات مجاهدین است.

مهدوی: دانش مخالف آنهاست.

موسوی: دو سه مسئله است، باید تصمیم گرفت. 1) فرمانی را باید از گیر اینها برد و داد جای اول. یکی از هفت نفر علی محرری است. کاری فوری است. نمی‌شود باند را عوض کرد. هفت نفر درجه‌دار را تاکنون آزاد نکرده بود. مسئله مجاهدین ممکن است حل بشود یا نه [؟] دست ما علیه آنها پر است.

بهشتی: اگر این گره با انگشت باز شده باشد، اشکال ندارد.

بنی صدر: شکست ما از آن زمانی است که شورا، عالی‌ترین مرجع در اداره زندان، عاجز بود. حالا بعد اگر تا یکشنبه حل نشد، گزارش به آقا بدهیم و اگر پذیرفت که هستیم، وگرنه می‌رویم.

بهشتی: به جای گفتن، [عمل] بکنیم. آیا با بودن این عناصر [در] آنجا، می‌توانید مطمئن باشید [؟]

مهدوی: عسگرزاده را چه کسی آزاد کرد [؟]

هادوی: آزاد نشده.

خامنه‌ای: قرار نشد در این موارد مهم با ما صحبت شود [؟]

هادوی: از ده روز قبل بوده؛ پرونده او را خواسته‌ام. آنچه قابل توجه بود، طوماری که در روز 22 بهمن در شیراز از حدود دویست نفر کشته شده‌اند، مدتی است تحت نظر است، در خانه‌اش آمد و شد زیاد است (قطب‌زاده رفت).

موسوی: گزارش راجع به سعادت را به شورا دادم. چه کردید [؟]

مهندس سحابی: حرف‌هایی زده‌اید، [آنها] تعهد ندارند عمل کنند.

بهشتی: با آقای سحابی بروید نوشته بگیرید. آنها می‌خواهند از طرف جنبش اسلامی پذیرفته شوند. نسبت به آنها دو نقد هست: (1) تفکر التقاطی، (2) دروغ گفتن.

مهندس سحابی: بازجوی پاسدار انقلاب را نمی‌شناسیم. سربازجو ساواکی است.

مهدوی: عمدی است. استفاده می‌شود از او.



## جلسه جمعه 1358/3/11

[حاضران: شیبانی، پیمان، خامنه‌ای، مسعودی، باهنر، میناچی، مهدوی [کنی]، جلالی (قطب‌زاده آمد).

[موضوع: بررسی پیش‌نویس قانون اساسی:]

قطب‌زاده: به صورت اصل درآید، نظام حکومتی ایران بر مبنای [...]

میناچی: این مطلب در مقدمه بیاید. لازم نیست به صورت اصل باشد.

قطب‌زاده: این جزو آئین‌نامه مجلس باشد.

پیمان: مالکیت قابل انتقال نیست. این اصل باید بیاید.

شیبانی: اصل مورد اراضی بررسی شود و وارد شود.

در اصل 71 شوراهای طرح و برنامه‌ریزی در نظر گرفته شود (خامنه‌ای رفت).

اصل 76 مطرح شد.



## جلسه شنبه 1358/3/12

[حاضران: خامنه‌ای، مهندس سجابی، شیپانی، باهنر، مهدوی [کنی]، جلالی.

به علت نیامدن اکثریت تا ساعت نه جلسه تشکیل نشد.

(موسوی آمد)

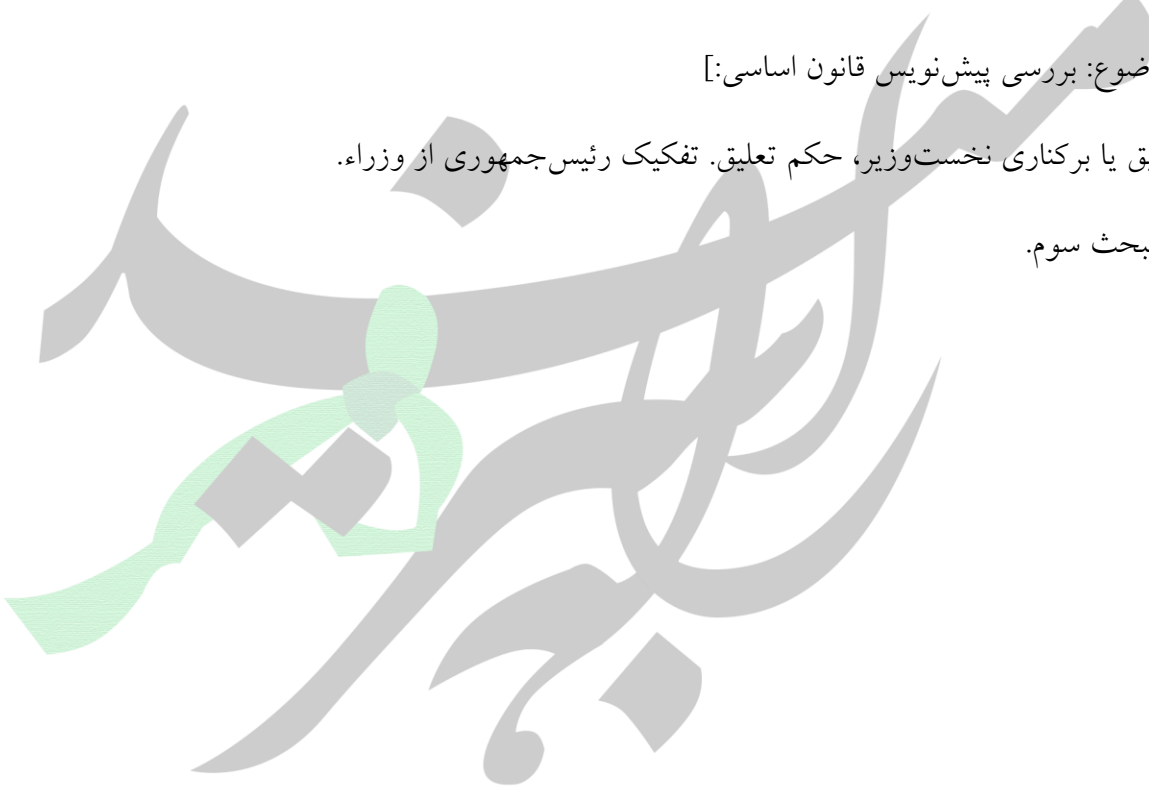
ساعت ده و شروع شد.

(فروهر آمد)

[موضوع: بررسی پیش‌نویس قانون اساسی:]

تعليق یا برکناری نخست‌وزیر، حکم تعليق. تفکيک رئیس‌جمهوری از وزراء.

تا مبحث سوم.



## جلسه یکشنبه 1358/3/13

[حاضران: خامنه‌ای، بهشتی، شیبانی، مهندس سبحانی، بنی‌صدر، مسعودی، باهنر.]

[موضوع: بررسی پیش‌نویس قانون اساسی:]

بهشتی: گزارش قم. آقایان اصرار داشتند شیعه حتماً [در قانون اساسی] ذکر شود. بهترین نظر را آقای حاج آقا لطف‌الله صافی<sup>۱</sup> داد. آقای منتظری هم خیلی اصرار به [آوردن] شیعه داشت. دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری است و رسمیت سایر مذاهب اسلامی در مناطقی که اهل سنت [در آن] اکثریت دارند، محترم و قوانین محلی بر طبق آن خواهد بود و در احوال شخصیه، هر مسلمان در هر جا تابع مذهب خویش است. راجع به [اصل] مالکیت (آقای موسوی آمد)، آقای خمینی [معتقد بود این اصل] اگر با ذیل باشد، خیلی عیب ندارد. آقای شریعتمدار می‌گفت تفکر مارکسیستی است، اساس مالکیت کار است که شما می‌گویید با مارکسیست‌ها دوتا است. آقای گلپایگانی گفت اصلاً نباشد، آقای صافی با ایشان بحث داشت اساس کار در گنج و لغظه چیست. حاج آقا لطف‌الله صافی خیلی نوشت...

موسوی: با صحبت‌هایی که شد، بهتر است این برداشته شود.

بنی‌صدر: قبول ندارم. اینها اسلام تجربه شده را می‌فهمند [و] جذب شده‌اند در نظامی که طی قرون اجرا شده. اساس جدید است. فردا دولت درآمدهای نفت را بر چه اساسی سرمایه‌گذاری کند [؟] قدم به قدم گرفتاری است. بهشتی: در بند اموال عمومی درآمد نفت (مهدوی آمد). دادگاه گرفتن زندان توسط آن گروه پاسداران انجام شده، بقیه را شناسایی می‌کنند. آنچه مسلم است زندان و اداره زندان در دست پاسداران انقلاب است (انتظامات). در مورد بازپرس آن عمل انجام شده، عده‌ای را می‌خواهند برگردانند. مصلحت نیست. گفتم نه. این است که این دوستان را دوست ندارم.

بنی‌صدر: انقلابی شده، مقداری برای بازرگان کوتاه بیایم، مقداری برای آقای گلپایگانی.

---

1. آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی (متولد 1297) داماد آیت‌الله گلپایگانی، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی و دبیر و عضو فقهای شورای نگهبان.

مهندس سبحانی: از لحاظ حقیقت شرعی و اسلامی برای شما روشن است، ما حاجی های بازار را از دست می دهیم (دکتر مبشری آمد).

بهشتی: هرکس با استفاده بیش از مواهب خداداد، از مواهب اجتماعی بیش تر بهره مند می شود.

مهندس سبحانی: نظام مالیاتی دو فلسفه دارد. [فلسفه اول این است که] هزینه دولتی از درآمد مردم تأمین شود. فلسفه دوم که در این قرن مطرح است، فاصله اختلاف درآمد کم تر شد.

بهشتی: که هرکس با سعی و عمل بیش تر.

مبشری: در حقوق بشر و جاهای دیگر.

مهندس سبحانی: حدود اختیارات شورای شهر و روستا معین شود.

دیوان عدالت اداری (قطب زاده آمد).

اصل 140 ص 34 بررسی شود.

\*\*\*

[موضوع: سخنان نزیه:]

جلالی: مسئله نزیه بزرگ شده و در موقعیت فعلی برداشتن او و یا بزرگ کردن مسئله صحیح نیست.

قطب زاده: موافق نزیه نبودم، ولی باید 15 روز صبر کرد که نزیه مظلوم نما نشود.

بهشتی: دیروز اطلاعات تلفن کرد [و] حرف های نزیه را گفت. از من نظر خواست، گفتم مردم جواب بدهند.

قطب زاده: امروز در دادگستری جلسه است، با مخالفت با نزیه.

موسوی: شخصی که در دادگستری این گردهمایی را درست کرده، آدم با حسن نیت نیست.

\*\*\*

[موضوع: ادامه بررسی پیش نویس قانون اساسی:]

بنی صدر، مقدمه ای را که برای قانون اساسی نوشته بود، خواند (آقای مبشری آمد، آقای بهشتی رفت).

قوه قضائیه مطرح شد.

مبشری: شورای قضایی از شورای عالی دیوان کشور دعوت به عمل آید، یک عده را معین کنند تا شورای قضایی را معین کنند.



## جلسه پنجشنبه 1358/3/17

[حاضران: مهندس سحابی، شیبانی، خامنه‌ای، مهندس بازرگان، مهندس کتیرائی، دکتر صدر، مهندس معین‌فر، مسعودی، جلالی، باهنر، موسوی [اردبیلی] (دکتر مبشری، دکتر پیمان آمدند).

دکتر مبشری: اعتراضی به نامه دادستان کل و دادستان تهران و آباده که در [دست] نیست. تغییراتی [را] کمیته به جا آورده.

موسوی: بعد از ظهر می‌رویم.

تیمسار مسعودی: حقوق تیمساران را گفته‌اند ندهید (مهدوی آمد، دکتر مبشری رفت).

\*\*\*

[موضوع: ملی کردن بانک‌ها:]

مهندس بازرگان: از موضوعات ضروری که مورد علاقه شورا [است]، مسائل اقتصادی و سیاست اقتصادی دولت در چهار قسمت، [که] ضروری‌ترین آنها [مسئله] بانک‌هاست و این مخفی ماند که بانک‌های خصوصی پول‌هایشان را نبرند.

ماده واحد: برای حفظ حقوق

شیبانی: پیشنهاد می‌کنم بانک اسلامی هم تحت نظر دولت باشد.

معین‌فر: وضع بانک در کشورهای اسلامی آیا مجاز هست یا نه [؟] بانک‌ها بدهی دارند و چیزی دست دولت نمی‌آید. قسط‌هایی هست که اگر پرداخته نشود، تبدیل به حال می‌شود و بدهی فراوانی برای دولت ایجاد می‌کند. بانکها بازی می‌کنند و سرمایه مملکت را خارج می‌کنند. دو کار می‌شد کرد؛ یکی ملی کردن، حتی مصادره کردن. اگر مالکیت را بخواهیم نظر بدهیم، حاکمیت لازم باشد، تز دوم پسندیده شد که توهم ایجاد نشود که مالکیت لغو می‌شود، بلافاصله مدیران دولت، بانک‌ها را تصرف کنند، مانع از حیف و میل شود.

خامنه‌ای: ضمن این که تشکر می‌کنم از آقای مهندس بازرگان و سایرین، اگر مسئله ملی کردن بانک‌ها که می‌تواند وجهه شرعی داشته باشد، متن لایحه طوری باشد که دست باز باشد. جمله اصل مالکیت که نوشته شده، امضای مالکیت بانک‌هاست. یکی از دو کار [را انجام دهیم]: یا کار را یکسره کنیم، بانک‌ها [ی] ملی مسئله به وجود

نمی‌آورد، بلبشو از نظر تزلزل مالکیت؛ یا آنکه اگر این کار نمی‌شود، لایحه متن آن‌طوری باشد که چراغ سبز به مالکیت‌ها داده نشود.

دکتر پیمان: با توجه به این که شرایط انقلابی است، تردید برای صاحبان سرمایه‌ها بوده. از یک طرف تقاضا برای اقدامات ضربتی وجود داشته و از طرفی عملی نشده، نتیجه سوء [آن این شده که] فرصت پیدا کرده‌اند هرکاری بکنند. صنعت‌های بزرگ تعطیل [شده]، اموال منتقل شده، به عنوان این که شعب در خارج است، سرمایه‌ها را خارج کرده‌اند. در این شرایط نمی‌شود اقدامات قدم به قدم انجام داد. هم فرصت به مخالفین می‌دهید که هرکار خواستند بکنند و هم به انتقادکننده‌ها. دیر شده. اصل بر قاطعیت و سرعت عمل [است]. روزهای اول، سرمایه‌داران ترسیده بودند، حالا سر درآورده‌اند. در مقدمه بیاید غارت‌هایی کرده‌اند. ترازنامه بانک‌ها مشخص شود.

مسعودی: اصل فکر، قابل قبول [است]. آنچه اطلاع داریم، [از] 27 بانک، غیر از یکی دو تا، بقیه ورشکسته‌اند. دو برابر حقوق مردم خورده‌اند. قوز بالا قوز می‌شود، مثل کارخانجات ورشکسته. آیا ضرر را دولت می‌دهد [؟] سحابی: لایحه یک ضررهایی دارد. بین در دست گرفتن مدیریت و مالکیت فرق است. در بخش خصوصی، صاحبان بانک‌ها، شبکه جهانی بانک‌ها، در دست گرفتن مدیریت، در دست گرفتن مالکیت است. با این کار چوب را می‌خوریم. فایده ندارد برویم روی ملی شدن، ولی از لحاظ خود بخش خصوصی منتشر شده. بانک‌های خارجی ممکن است ذخایر ایران را بلوکه کنند و از پذیرش سفارشات جلوگیری کنند (در هر دو حال خسارت است). همه مسائل جنبه اقتصادی را نباید نگاه کرد.

صدر: ملی شدن، یکی از نظر عملی [و] یکی سیاسی است. از نظر عملی، ملی هستند؛ آنچه دارند متعلق به دولت است، چون چیزی ندارند. متأسفانه بیش‌تر بدهکاری‌های آنها را دولت تضمین کرده. وقتی ملی شوند، چیزی عوض نمی‌شود. مگر مدیریت در متن واحده سپرده‌ها [ی] تضمین شده، جزء قراردادهای وام‌ها بوده که بانک مرکزی تضمین کرده [؟] 550 میلیون دلار بدهی دارد. سپرده‌های داخلی را خارج کرده‌اند. یک عده پیرزن و بیچاره را مجبوریم تضمین کنیم. از نظر عملی، ملی کردن و مدیریت فرق نمی‌کند. عملاً از نظر صنایع، خیلی فرق می‌کند. کمک به صنایع جز از راه بانک‌هاست.

مهندس بازرگان: کشاورزی هم.

صدر: صاحبان صنایع بزرگ در شرایط کنونی اطمینانی به دولت ندارند. مهمتر، تمام صنایع بزرگ، بانک خصوصی پهلوی خود دارند. اخوان بانک، داریوش رضایی بانک، شهریار لاجوردی بانک ایران و ژاپن، خیامی بانک صنایع،

وهاب‌زاده بانک ایران و هلند. در خارج، کلمه ملی‌شدن اثرش بیش‌تر است. بانک‌ها و کشورهای خارج، عکس‌العمل‌شان در هر دو جهت شدید خواهد بود، [مانند] سوزاندن بانک‌ها توسط مردم، ممکن است توجه نداشته از بین بردن تظاهر تمدن غربی است. علت پیشنهاد مدیریت از طرف علما [این است که] اطمینان نبود عکس‌العمل چی است. در بعضی مسائل، مراجع جلو آمده‌اند. برای این که با این اشکال روبه‌رو نشویم، گفتیم مدیریت. اصل دیگر بانک‌ها دو است، کسانی است که در سیستم و پول بزرگ شده‌اند. سیستم بانکی به این زودی عوض نمی‌شود. مطالعه دقیق نشده روی سیستم بانک‌ها یا تجربه نداریم. ملی هم بکنیم، باید سیستم جایگزین درست کنیم. خیلی اختلاف بین ملی کردن و مدیریت نمی‌بینم.

موسوی: من هم از اول در ذهنم رفت که مدیریت به‌جای ملی کردن، مقداری رشوه به ماست (البته شوخی کردم این را)، برای این که درگیری نشود.

کتیرائی: مثل راه نشود.

موسوی: مسئله بانک ترس ندارد. هیچ ملّا نمی‌تواند از بانک و بانکداری طرفداری کند، خصوصاً اگر گنجانده شود مؤسسه از اول برخلاف موازین اسلام بوده. دولت می‌خواهد تطبیق با موازین اسلامی کند. اگر صلاح می‌دانید، در غیر قسمت بانک، مالکیت را محترم می‌دانید یا نه [؟] مالکیت محترم کشور سوسیالیستی نیست و اگر این را بگویید همه جا آرام آرام مالکیت نفوذ به طرف کمونیستی می‌رویم. اطرافتان مصونیت ایجاد می‌شود. (1) دولت در اینجا طلبکار است، (2) اصل مؤسسه (صدر آمد). پول‌ها را از بانک‌ها بگیرید، خیلی انقلابی‌تر و بهتر است.

کتیرائی: محتوای موضوع، یکی اعلام چگونه بکنیم با کلمات بازی نشود. در کنار بانک‌ها، یک سری بانک‌های خصوصی است. سرمایه‌دار، سرمایه از خودشان گذاشتند. آن وقت قانونی بود، سرمایه محفوظ [بود]. کارهای بانکی پرسود بود، غیر از معاملات ربوی، معامله تجارتنی نمی‌کردند، پس سود داشت. چند برابر پول، از پول‌های مردم جذب کردند، به‌کار گرفتند و سودشان بیست درصد، سی درصد [شد]. شعبه باز کردند، املاک غیرمنقول، تمام اینها حرام. به علت بحران، معامله آنها روی حساب بوده، سبب شده عدم اعتماد به بانک‌ها [را]. بدهکاری را مردم نمی‌دهند و اموال مردم در خطر است. به نظر من معادل پول اولیه به آنها باید داد.

موسوی: اگر فرض نداشته باشند.

کتیرائی: بقیه از آنها گرفته شود.

مهندس بازرگان: فرمایشات مقداری گفته شد. [به] سه جهت توجه شود، (1) جلو وضع بدتر کار بانک‌های کار سوء آنها گرفته شود. [این کار] با صرف مدیریت انجام می‌شود. دوم ارضای خاطر مردم که عمل تند می‌خواهند. ممکن است ملی کردن آثار روانی داشته باشد. آنها که منطقی فکر کنند، وقتی گفتند مدیریت با دولت، آن عمل انجام می‌شود (صدر آمد) اثر در خارج و داخل، خواه ناخواه اثر روی همه شئون اقتصادی داخلی و خارجی دارد. معمولاً توجه بر گردن کلفت‌هاست. کشاورزی، تجارت و صنایع، بخش [های] اساسی کشور است. نباید و نمی‌شود از بین برود. آقایان بعضی قبول ندارند که توسط دولت کار انجام شود. بنابراین یک وظیفه است. بخش خصوصی را رم ندهیم. ضمن قبول اصل مالکیت مشروع و مشروط، چندین نکته گفته شده. اگر کارخانه کوچک نداند که مالک خود است، همان کارگر ساده تمام اساس او را متلاشی می‌کند (بنی صدر آمد). اگر گفته نشود، اوضاع صد درجه بدتر می‌شود. اسلام مالکیت را قبول دارد. مالکیت مشروع گفته شده. تمام درآمدهای ربوی بانک‌ها نفی شده. تنها از راه هرچه درآورد صدرصد مال خودش نیست. هم اصل حق است، هم جلو خیلی محذورات و آشفته‌گی‌ها را می‌گیرد. دروازه برای اعمال بعدی است. نکته‌ای که در مقدمه گفته شود، ربوی حرام است، گفتن آسان است.

مهدوی: برای آنها حرام [و] برای ما حلال.

مهندس بازرگان: اگر امام نگوید، هر مسلمانی می‌گوید. بانک‌ها مالک هیچ چیز نخواهند شد. سوق دادند در جهت اسلامی ذکر شده. خطر دیگر که ملی شدن و مالک شدن دارد در هر حال عکس‌العمل دارد.

موسوی: ایشان این‌طور نگفتند.

بنی صدر: می‌نویسند ملی شد.

مهندس بازرگان: ادغام خواستیم می‌کنیم. ملی می‌توانیم بکنیم، موقعی که تسلط داریم. منظور مردم که عمل ضربتی است، انجام شده. اطمینان به مالکیت خصوصی صنایع داده شد.

خامنه‌ای: همان مالکیت دولتی گفته شود.

مهندس سبحانی، پیمان و دیگران در این جهت صحبت کردند. خلاصه [:] در داخل بهتر است. در خارج، مخالفت‌ها فرق نمی‌کند. [برای جلوگیری از] رم دادن بخش خصوصی که اشکال داخلی است، قید مالکیت ذکر



شود. حربه از دست مخالفین گرفته می شود که کار قاطع کرده اید. تعبیر مالکیت دولت باشد. روی اصل مالکیت تأکیدی بشود. اشکال که گفته آقای مهندس در این نوع هم هست، تعهدات روی دوش دولت هست.

بنی صدر: جای شکر است. چهار ماه وقت عقب افتاده. اشکالات آقای مهندس هست. اول مالکیت را از حاکمیت جدا کنند. فرض این بود مقدمات فراهم می شود. حالا دیر شده. حالا جدا کردن حاکمیت، اشکالات را رفع نمی کند. غالب بانکها ورشکسته اند. ایراد رم کردن بخش خصوصی با این مطالب رفع نمی شود. یا مبنای دولت این است، مالکیت مشروع را دوباره همه اجرا کند. اگر فاصله باشد، تصمیم بگیریم اداره یا دولت، مالکیت منتقل به دولت، رسیدگی به این که مالکیت دارند یا نه.

جلالی: مردم ما عادت نکرده اند. از دولت می پذیرند آنچه می گوید، همان را عمل کند. روی این ترم های مشروع و مشروط، آن دقت را نمی کنند.

شیبانی: -

باهنر: نظر این است [که] باید ملی شود. منتها با توجه به محذورات، آیا مخالفت بعضی مقامات را برمی انگیزد [؟] در مقدمه لایحه نوشته شود از آنجا که مالکیت این بانکها مشروع نیست و روی موازین شرعی نیست. تعبیر این که در ملی کردن توجیه شود مالکیتها و درآمدها مشروع نبوده.

مهدوی: هر سرمایه مالکیت دارد یا نه [؟]

مهندس بازرگان: مالکیت مشروع و مشروط. ارتباط طبیعی اقتصاد کشور مدیون بودن خود به خود مالک هستیم، با توجه به نحوه ثروت اندوزی.

با هشت رأی تصویب شد.

مهندس سجابی: اعلام ملی کردن بانکها تأثیر فراوانی روی صنایع خواهد داشت.

موسوی: قانون اساسی تصحیح شده دست بهشتی است.

صدر: نوشته مربوط به ما نیست.

موسوی: تصمیم گرفته شده این است [که روز] بیستم، قانون اساسی در اختیار مردم باشد و جایی معین شود، مجلس سنا یا جای دیگر مردم نظرات را بدهند، قانون اساسی در رسانه های گروهی [منتشر شود].

صدر: آنچه می‌گویم فرق ندارد با آنچه شما می‌گویید. افراد شورا برای اظهارنظر، هیأت نظار چطور باشد [؟]  
دولت آئین‌نامه تنظیم کند، در اختیار آقا باشد.

تصویب شد، روز یکشنبه.

مهندس: پیشنهاد من بر طرح‌های انقلاب با مجلس یا دولت با هم بحث دارند، اکثریت مجلس ضعیف، [اختلاف این دو] قاطع باید حل شود. مجلس که نمی‌تواند منحل شود، رئیس‌جمهور به رفراندوم بگذارد.

دکتر پیمان: اگر دولت همزمان با اعلام این طرح دستور بدهند جلو هرگونه نقل و انتقال به ملک بانک‌ها گرفته شود.

مهندس بازرگان: جلو آنها گرفته شده، کسی که به دلایلی مورد سوء ظن است، باجناب پسرش را هم جلو می‌گیرند. ارز رسمی را بانک جلو گرفته، راه خروج ارز شعب در کشورهای خارج سرمایه‌اش را بالا می‌برند یا حواله می‌دهند که نمی‌شود غیررسمی توسط دلال‌ها. یک طرح این بود قیمت دلار بالا برود، هم صادرات بالا می‌رود و. [...]

باهر: قانون ملی شدن بانک‌ها که تصویب شده بود، خوانده شد<sup>۱</sup> (هیأت دولت رفت).

---

1. جمعه 18 خرداد 58، روزنامه کیهان، شماره ویژه‌ای را در روز تعطیل منتشر کرد و خبر مهم ملی اعلام شدن بانک‌ها را اطلاع داد و نوشت: بر اساس این مصوبه شورای انقلاب، دولت مکلف می‌شود بلافاصله نسبت به تعیین مدیران بانک‌ها اقدام کند. کلیه بانک‌ها در اختیار دولت و متعلق به ملت بوده و سپرده‌ها و پس‌اندازها تضمین می‌شود (کیهان، 1358/3/18، ص 1). سرمایه بانک‌های ملی شده، 169 میلیارد ریال اعلام شد و مقرر گردید تا 44 هزار کارمند بانک‌های خصوصی کارمند دولت شوند (کیهان، 1358/3/19، ص 3). همچنین وعده داده شد پس از ملی شدن 24 بانک خصوصی و مختلط، نوبت ملی اعلام شدن شرکت‌های بیمه خصوصی نیز به زودی خواهد رسید (اطلاعات، 1358/3/19، ص 2). ابوالحسن بنی‌صدر با استقبال از این مصوبه شورا گفت: این کار بایستی چهار ماه پیش انجام می‌گرفت. موسوی اردبیلی از دولت خواست تا موضع خود را در قبال صنایع بزرگ نیز مشخص کند. روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی، ملی شدن بانک‌ها را "گامی سترگ در راه تحقق جامعه توحیدی" خواند (جمهوری اسلامی، 1358/3/19، ص 2). علاوه بر این، جنبش ملی مجاهدین و جاما در بیانیه مشترکی، ملی شدن بانک‌ها را اقدامی انقلابی-اسلامی دانستند (اطلاعات، 1358/3/19، ص 8). البته ملی کردن بانک‌ها مانند بسیاری از طرح‌های دیگر، منتقدانی داشت. مثلاً حسن نزیه این طرح را نسنجیده دانست که می‌بایستی توسط مجلس به انجام می‌رسید (کیهان، 1358/5/8، ص 3).

پس از تصویب طرح، مولوی رئیس بانک مرکزی وعده داد با ملی شدن بانک‌ها مطالعاتی در زمینه حذف بهره از طریق مضاربه و مسابقات صورت می‌گیرد (جمهوری اسلامی، 1358/3/20، ص 1 و 2). رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز قول داد حقوق و مالکیت

\*\*\*

[موضوع: شوراها]ی شهر و روستا:

مهندس سحابی: انجمن‌های شهر، شهرستان، استان و ...

شیبانی: بنویسید حدود اختیارات آن را قانون تعیین می‌کند.

خامنه‌ای: مصالح منطقه‌ای در کارت مصالح دولت است.

مهندس سحابی: در هر استان برای پیشبرد...

دکتر پیمان: در مقدمه سیستم اداری کشور اضافه شود کوچک کردن دولت و تبدیل آن به ارگان هدایت‌کننده، و طرح و برنامه‌ریزی کار اجرایی توسط شوراهای اجرایی باشد. سیاست عمومی اداره کشور بر اساس عدم تمرکز.

موسوی: مسئله شوراها و عدم تمرکز قدرت.

خامنه‌ای: ملت واحد نگویید، قومیت بگویید.

خلاصه مسئله شوراها را در آن سطح.

پیمان: امور اجرایی را می‌دهید.

موسوی: با اصل مسئله موافق هستم. فقط اینها می‌گویند همه چیز با ما، فقط پول بدهید.

بنی صدر: اصل بر عدم تمرکز است.

مهندس سحابی: در هر استان ... اداره امور با نظارت شورایی که مردم آن استان انتخاب می‌کنند. حدود اختیارات آن را قانون معین می‌کند.

باهنر: انجمن اسمش عوض شود؛ شورای شهر باشد.

---

صاحبان سهام بانک‌ها تضمین می‌شود (کیهان، 1358/3/21، ص 5). 31 خرداد 58، متن کامل طرح مقدماتی ملی کردن بانک‌ها در جراید در معرض دید عموم قرار گرفت (انقلاب اسلامی، 1358/3/31، ص 8). رئیس بانک مرکزی از ادغام بانک‌های ملی شده با یکدیگر خبر داد (کیهان، 1358/5/1، ص 9) که طرح آن تقدیم شورای انقلاب شد. چندی بعد در گزارشی در سمینار مسائل اقتصادی ادعا شد که ملی کردن بانک‌ها، حدود 400 میلیون دلار به دولت ضرر زد (کیهان، 1358/6/31، ص 1).

موسوی: آنچه در سابق بوده، شورای ده، شورای بخش، شورای شهر، شورای شهرستان، شورای استان. ده مسائل آن، بخش مسائل مرکز بخش، در شهر شورا است. شورای شهر و شورای شهرستان. از شهر شروع شود، شورا تشکیل شود، 165 شهر. در هر شهر، فعلاً اختیاراتش وسیع باشد تا مرحله دوم کامل عمل شود.

باهنر: در قانون اساسی [آورده شود].

موسوی: در قانون اساسی ذکر شود شوراهای استان و شهرستان، بخش و ده.

مهندس سبحانی: انتخابات از شورای ده شروع می‌شود.

خامنه‌ای: در لیبی انجام شده. ادعایش این است کودتا می‌شود.

مهندس سبحانی: -

پیمان: اصل شوراها کلی ذکر شود. از شورای ده به بالا، انتخاب مستقیم، در اجرا ممکن است اشکالات ایجاد کند و به عکس سیستم محلی در ایران پیاده نشده.

جلالی: بر اساس شوراها خواهد بود اداره مملکت.

خامنه‌ای: کوتاه است.

پیمان: شوراها در چهارچوب قوانین.

موسوی: در هر استان برای پیشبرد کارهای و جلب.

بنی صدر: اصلی باشد که اداره مملکت بر شوراهاست. برود در اصول کلیات.

-به وزیر خارجه تذکر داده شود که گذرنامه و استوارنامه سفرا با مارک جمهوری اسلامی باشد.

جلالی: به مصداق آیه وَ أَمْرُهُمْ شُورَا بَيْنَهُمْ.

اداره امور کشور بر اساس شوراهای منتخب مردم و سیاست عدم تمرکز در امور اجرایی استوار است، در کلیات قانون اساسی بیاید. در جزئیات شوراهای شهر و استان.

خامنه‌ای: استاندار را راساً دولت معین کند.

پیمان: اگر استاندار را فقط دولت بفرستد، ممکن است همکاری نکنند. آنها سه نفر پیشنهاد کنند، دولت یکی را معین کند.

خامنه‌ای: نظارت باشد بهتر است.

سحابی: شورا وظیفه اجرایی ندارد، وظیفه نظارت را دارد.

خامنه‌ای: بافت کلی مملکت پیاده شود همه جا.

پیمان: شوراها را چند اصل نکنید. شورای شهر و روستا و غیره [در قالب یک اصل] بیاید. در ارتش یک شورایی انتخاب شده برای ارتشی‌ها و کلوپ شاهنشاهی افتتاح شده.

\*\*\*

[موضوع: بررسی پیش‌نویس قانون اساسی:]

مهندس سحابی: اصل 86 برای تأمین هرچه سریع رفاه اجتماعی.

پیمان: مالکیت منابع طبیعی و صنعتی مبهم ماند. نمی‌شود از این دو مسئله اساسی ابهام باشد.

بنی صدر: احیاء درست نیست. حق مالکیت داشته باشد.

دکتر باهنر: اصل 50 این مطلب آمده.

پیمان: کلیه مالکیت صنعتی.

خامنه‌ای: استثمار نیاید. اضرار خودش حاوی استثمار هم است. باید از فرهنگ غیراسلامی در قانون اساسی

اجتناب شود. ظلم شامل استثمار است.

پیمان: کلی از آنچه در قانون اساسی آورده‌اید، از غرب گرفته شده.

خامنه‌ای: بیان هدف بشود.

مهندس سحابی: یک اصل دیگر هست، عزل رئیس‌جمهور و.

بنی صدر: اصل 11 خانواده واحد شباهنگ جامعه است...

اصل 12- از آنجا که تربیت فرزندان...

مهدوی: بر خلاف اصول دیگر فلسفه آن را وارد کرده‌اید.

انتخاب شوراها تصویب شد [با] ده رأی. حقوق خانواده.

مهدوی: به یکی از آنها حق ندهد (پیمان رفت).

به اتفاق آراء تصویب شد [با] 9 رأی.

مهندس سحابی: دیوان اداری.

مهندس جلالی: دادگستری را تقویت کنید.

دیوان اداری تصویب شد [با] هشت رأی.

بنی صدر: رسانه‌های گروهی تحت نظر هیئت سه نفری [باشد]؛ یک نفر به انتخاب مجلس، یکی شورای قضایی، یکی دولت.

تصویب معافیت از پرداخت حق ثبت و مالیات‌ها [ی] بنیاد مسکن مستضعفان (هادوی آمد).

\*\*\*

[موضوع: بلا تکلیفی کارخانجات:]

بنی صدر: رئیس کارخانه معین می‌کنند. به دادستان چه ربط دارد [؟]

هادوی: شرکت در شان تمام کارگاه‌ها تعطیل، مدیر فرار کرده، مهندس حشمتی که کاخ سنا را ساخته در اینجا سی میلیون تومان خورده. خودی فدای این جریان شده‌ام. پرونده زمان مبشری داشت [که] 46 کارتن بود، 400 صفحه کیفرخواست در عرض یک روز و در یک صفحه رأی داد و همه را تبرئه کرد. من نوشتم قضات مرتکب جرم شده‌اند، در یک روز قابل خواندن نبود. پیش از دادن گزارش من، متوجه شدند و مرا به اداره حقوقی دادند. صدرا لاشراف وزیر دادگستری شد که این پرونده را از بین ببرد. در بازدید از خانه‌اش در آن زمان، تمام صورت بهائیان در منزل او بود، چون آن وقت فرار کرده بود. مدیرعامل دیگر مهندس صفایی است، آن هم از متهمین کاخ

سنا [است]. کارخانه 15 هزار کارگر دارد. سیدوجیه‌الله موسوی را مأمور کرده‌ام کارگاه‌ها را راه بیندازد. بیکاری توطئه‌ای است علیه انقلاب.

بنی صدر: قانون تصویب کردیم به وزارت کار بسپارند.

هادوی: قانون شرایطی دارد. دولت کار داشته باشد یا روابطی.

موسوی: این کار تداخل می‌شود. شما به وجیه‌الله موسوی بنویسید کار را در رابطه با اداره مربوطه انجام شود.

خامنه‌ای: اگر به حکم دادستانی انقلاب، آیا ضبط کارخانه مثل ضبط یک خانه است [؟] ایشان موقتاً مجبورند کسی [را] بفرستند. تا دولت اداره کند، مدتی طول می‌کشد.

هادوی: سعی کردم کار راه بیافتد.

بنی صدر: به دادگاهش نمی‌رسد، دویست نفر.

شیبانی: باید ضبط کنند، بعد به دولت ارجاع بدهند.

خامنه‌ای: به طور موقت بگذارند به دولت هم گزارش کند.

بنی صدر: مسئول اتلاف چه کسی است [؟]

هادوی: رفیق فروهر رفته از مدیرعامل وکالت گرفته.

مهدوی: کارخانه‌های متعدد است، مراجعه شده به دولت، ولی فروهر اقدامی نکرده و می‌گوید سی نفر کادر بیش‌تر ندارم. گفتم بدون رعایت مقررات انجام می‌دهم.

مهندس سبحانی: عالی‌نسب کارخانه را راه انداخته. عالی‌نسب رفت، فروهر راه نداد.

جلالی: کارخانه چیت ری در شرف تعطیل است. یکشنبه فروهر در جلسه شرکت کند و مطالب کارخانه‌ها گفته شود.

\*\*\*

[موضوع: وضعیت دادگاه‌ها:]

هادوی: گفتند در خوزستان اخلاص‌هایی هست، باید دادگاه تشکیل شود، یکی خلخال، یکی تهرانی [باید در آنجا حاضر شوند]. از منزل امام، آقای انصاری گفتند امام با آقای خلخال موافقت کردند. خود من هم با ایشان رفتم. دادستان آنجا آدم بُرنده‌ای است. در مسجد سلیمان عده‌ای حمله کردند به شهربانی (آقای ستاریان دادستان)، این دادستان آنجا را پس گرفت، حمله‌کنندگان را در کوه محاصره کرد و گرفت.

مهندس سبحانی: آقای خزعلی آمده تهران، اعتراض به خلخال و عده‌ای گفته‌اند مدنی سرت سلامت، خلخال قاتل درآمد. ولی اعلامیه شما سبب تثبیت وضع شده است. مدرسین قم را تضعیف نکنید.

موسوی: این 27 نفر را که از خرمشهر آورده‌اند چه کرده‌اید [؟]

هادوی: رفتم، آقای آذری نبودند، آقای امید آنجاست. وضع آنجا طوری است که بی‌گناه یا آنجا مانده‌اند، آقای زواره‌ای را آنجا فرستاده‌اند و مانع آمدن قضات شده.

مهدوی: عده‌ای [از] علما، منزل آقای انواری بوده‌اند. آقای خمینی گفته‌اند شورا کار نمی‌کند، شما فکری بکنید.

موسوی به بنی‌صدر: شما استعفا داده‌اید [؟]

بنی‌صدر: ما را مستعفی کردند. چه آقای بهشتی گرفته‌اند، بدون این که به من و ایشان بگویند.

مهندس سبحانی: بهشتی گفتند زواره‌ای مسئول نقل و انتقال پاسداران باشد.

موسوی: زواره‌ای آمده، اخلاص کرده. اگر بتوانیم انجام دهیم، وگرنه بنویسیم. آقای بهشتی استیضاح شود.

جلالی: توضیح، شورا سبک آن خاص است. اعضای شورا مسئولیت مشترک دارند. کمیته مشخص شده، بهشتی،

مهدوی، بنی‌صدر گزارش کار در جلسه بدهند. کار مملکت به گویا و قرار شد و غیره، درست نیست.

موسوی: تصمیم می‌گیریم، اجرا نمی‌شود.

مهدوی: بنده عقیده ندارم آذری می‌تواند این کار را بکند.

هادوی: بارها گفته شد فساد کار به علت دخالت در کار ما است. وقتی گردن من باشد، مسئول هستم. یک وقت

استاد است، یک وقت سوءنیت. در زندان منصور باسینی را گرفتند و آزاد کردند. باز پرس گفته است ما را داشته

باشد، آقای آذری گفتند آزاد شود. سه ماه است برادرش زندان است تا او بیاید.



شیبانی: -

جلالی: آذری باید خواسته شود و از او سوال شود. مهندس بازرگان، اشکالات حاکمیت و ملی شدن گفته شود. شورا خودش منظم نیست. اشکالات از او است. پیشنهاد دبیر برای شورا، که شیبانی هست، کسانی که باید احضار شوند، بیایند.

سحابی: آقای آذری را شورا معین کرد. آذری را بردارد.

موسوی: نظر ما این است که از کدخدامنشی بیرون بیایم و اصولی کار کنیم. برای این که گزارشات درست باشد، یک نفر از آقایان که قبلاً رفته آخرین وضع را رسیدگی کند [که] فعلاً در چه حال است. روز شنبه برود، رسیدگی کند؛ نواقص کار و کارهایی که باید انجام شود و نشده و کارهایی که انجام شده و نباید می شد. آقای آذری مرد کم کار است، هادوی اعتراض می کند به حق، فنی نیست. آقای بهشتی کار را خودسر انجام داده، شورا احساس مسئولیت نکرده [در حالی که] مسئول است. الان می گویند آقای موسوی من نمی شناسم.

خامنه‌ای: آقای هادوی اشکالات را برمی گردانند. دخالت شده.

موسوی: شنبه آقای مهدوی و بنی صدر.

مهدوی- مسافرت می رود، اگر شد با آقای بهشتی و اگر نشد تنها می روید، آخرین تغییرات را رسیدگی می کنید.

هادوی: یک مطلب دارم. دادستان تهران اگر روحانی باشد، گرچه اهل فن نیست، فهیم کرمانی!

مهندس سحابی: کریمی پور، آدم خوب قرص، ولی ممکن است سیاسی نباشد.

بنی صدر: یک بار دیده‌ام.

خامنه‌ای: برای این کار جهت گیری سیاسی لازم است.

موسوی: قرار شد اگر آذری نباشد، کریمی پور [باشد].

\*\*\*

[موضوع: ماجرای سعادتی:]

موسوی: در مورد سعادتی، رسیدگی کردیم به کار سعادتی. دو سه عارضه: 1) هیچ چیز اضافه نشده در این تأخیر. 2) کسانی که او را گرفته بودند، ما جلو آنها را گرفتیم، در مقابل شورا مخالفت می کنند. 3) جمعه مجاهدین خلق آمدند [و گفتند] دو سه نفر را تجهیز کردند، علیه ما تلفن می کنند، گریه می کنند، زندگی [را] برای ما تنگ کرده اند. اعلام جرم کرده اند [که سعادتی را] شکنجه کرده اند [و او] اعتصاب غذا کرده [و این] در سطح وسیع پخش شده. زن سعادتی این جور مانده، بلا تکلیف درست نیست. آنچه به نظر من می آید الان که بازپرسی تمام شده، بچه ها [ی] مجاهدین انقلاب اسلامی گفتند قبول کنند یا نه، روز شنبه افشاگری می کنیم. مجاهدین خلق گفته اند اگر تصمیم بگیرید متین دفتری را وکیل می کنیم.

شیبانی: به بخش فتوکپی پرونده سعادتی اعتراض دارم. باید سعادتی محاکمه شود.

بنی صدر: مجاهدین خلق توصیه شما را عمل نکرده اند.

موسوی: با آنها صحبت شد. از من، شما سوال کردید چه تضمین، اسلحه نمی دهند.

بنی صدر: چه تضمین [؟]

موسوی: اسلحه را با اجازه داشته باشند.

بنی صدر: اگر بنا بر ارفاق است، فرصت بدهیم تا 48 ساعت که این کارها انجام شود. آقا هم در آنجا نگاه داشته شود. اگر انجام نداد، افشاگری و تعقیب فرد.

سحابی: ملاقات دیگر بکنید. اگر تعهد دادند چه کنیم [؟]

خامنه ای: [برای] مذاکره دیر شده. مجاهدین انقلاب اسلامی افشاگری می کنند.

موسوی به مهندس سحابی: این را شما حل کنید.

جلالی: سعی شود آقای طالقانی باشند.

خامنه ای: آقای طالقانی سعی می کنند نباشند.

\*\*\*

[موضوع: ادامه بررسی پیش نویس قانون اساسی:]

دکتر باهنر: در رسانه‌های گروهی (رادیوتلوویزیون) که دولتی هستند، آزادی انتشار اطلاعات باید تأمین باشد. این رسانه‌ها تحت نظارت مشترک قوای سه‌گانه خواهد بود.



## جلسه یکشنبه 1358/3/20

[حاضران: مهندس سحابی، شیبانی، خامنه‌ای، موسوی [اردبیلی]، قطب‌زاده. (مسعودی، آقای صدر، باهنر، دکتر مبشری، مهندس بازرگان، جلالی آمدند).

مهندس سحابی: [در مورد] مجلس و لایحه، چند نکته مهم است. یکی اسم، یکی تعداد نمایندگان، یکی حوزه، شرایط انتخاب. در مورد اسم خود مجلس، مجلس مؤسسان است. رفراندوم مردم تبعیت است با آری خود، نسبت به آن قانون تصویب شده، نام آن مجلس مؤسسان باشد. در مورد تعداد قرار بود اول 350 [نفر باشند].

مهندس بازرگان: راجع به سیاست خارجی کشور، بدون این که در کاغذ بیاید، تفاهمی رسید. بعضی‌ها تفصیل خواستند، مخصوصاً در مورد الان فلسطین، لیبی، جرج حبش و عراق. خواستم از دکتر بهشتی جلسه زودتر [تشکیل شود]، دکتر یزدی باشد [و] خط‌مشی روشن شود. دکتر بهشتی گفتند در کمیسیونی پخته شود. سه‌شنبه 7/5 بعدازظهر، [با حضور] دو سه نفر از شورا و از دولت در نخست‌وزیری تشکیل شود.

موسوی: کمیسیون را رد می‌کنم.

خامنه‌ای: نقطه‌نظرها نزدیک شود.

موسوی: اگر خود شورا نزدیک نباشد نظرش، کمیسیون چه اثری دارد [؟]

خامنه‌ای: نقطه‌نظرهای دور در کمیسیون شرکت کند.

شیبانی: -

مهندس بازرگان: پیشنهاد ما جلسه شورا بود، ولی کمیسیون بد نیست. سه‌شنبه اگر هست به آقای دکتر بهشتی بفرمایید در قبال ملی شدن بانک‌ها.

موسوی: کار ملی کردن خیلی عالی شد.

مهندس بازرگان: مطالعه شد در مورد مصاحبه. خارجی‌ها قهراً می‌پرسند چگونه ملی می‌کنید [؟] سهام را می‌دهید، پول می‌دهید یا نه [؟] فعلاً گفته شد طبق قوانین صحیح و عادلانه، پس از بررسی حقوقی دکتر مولوی<sup>1</sup> از قضیه

---

1. محمدعلی مولوی، اقتصاددان و رئیس کل بانک مرکزی ایران در دولت موقت.

تباکو، ملی شدن را گرفته. قرار شد قانونی برای اصل ملی شدن معین شود. اگر ممکن است به عنوان کمک به دولت، کمیسیونی معلوم شود، موضوع ملی کردن را تدوین کند. شاید یکی دو نفر [از] وزرا بیایند.

خامنه‌ای: بنی صدر و مهندس سحابی [در کمیسیون باشند].

مهندس سحابی: لاهیجی چطور است [؟]

قطب‌زاده: به حقوق بین‌المللی وارد [است].

صدر: [از] قضات دادگستری هست.

مهندس بازرگان: مهندس حسینی بیاید.

مهندس سحابی: می‌شود خطوط کلی را معین کرد.

مهندس بازرگان: دکتر علی‌آبادی در ملی شدن با ما همکاری می‌کرد.

\*\*\*

[موضوع: تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی:]

صدر: ما گفتیم شورا حساسیت دارد به مجلس مؤسسان.

موسوی: اختلاف معنوی است، نه لفظی. آیا اکثریت آن تصویب کرد [؟] چیزی را تصویب کرد، چیزی را تصویب است، یا این که بررسی است. فرق آن بررسی نمایندگان ملت است. یک مسئله دیگر، آنها با اکثریت هر چه گفتند تصویب است. مجلس مؤسسان است و رفراندوم هم نمی‌خواهد. اگر حق تصویب نباشد، مؤسسان نیست. اگر تصویب است، رفراندوم زیادی است.

صدر: بررسی کردند، نمی‌توانند در قانون دست ببرند. اگر مردم اظهار نظر کردند و درست بود، دست می‌برند، پس حق تغییر دارند. تلفیق بین نظرات آنها و مردم است، پس به تصویب آنهاست. وقتی تأیید کردند، اصلاح شده را به رفراندوم می‌گذارند.

قطب‌زاده: دقیقاً همین است، وگرنه انتخابات مجلس مؤسسان به معنی واقعی کلمه است. عنصر رفراندوم اضافه شده که تعداد کم‌تر را جبران کند. این مجلس تمام کار مجلس مؤسسان را می‌کند. فقط متن را تهیه کرده‌ایم [که] کمک به آنهاست.

شیبانی: -

خامنه‌ای: در مورد حق اظهار نظر یا اظهار رأی، مسلم اظهار رأی است. حالا کیفیت را که چند درصد رأی بدهند، معین کنیم. [با] تعبیر مؤسسان مخالفم. به سه جهت نقض تصویب است، در آن روز مجدداً روی مؤسسان حساسیت داشته، آقای قطب‌زاده و دیگران می‌گفتند مجلس مؤسسان دمه است. من راه‌حل آقا را نپسندیدم، ولی بعد دیدم خوب است که یک عده که صلاحیت بیش‌تری دارند، بررسی می‌کنند. جهت دوم، مجلس مؤسسان را با این قانون‌گذاری لقی می‌کنیم. مجلس مؤسسان نمی‌گوید از هر یک میلیون نفر یک نفر [به مجلس راه یابد]؛ بلکه برای این که افراد بیش‌تری بیایند و نظر بدهند. اگر مجلس مؤسسان است، رفراندوم چه چیز است [؟] سوم، بعد از دیدار با آقا، چند نفر از اعضای دولت گفتند مجلس مؤسسان نیست. مخالف‌خوان‌ها بحث کردند. در حزب [جمهوری اسلامی] برای توجیه شق ثالث اقدام کردیم. چیزی که مجلس مؤسسان نیست، اصرار نکنیم. اسم با همان نوع که هست.

مهندس سبحانی: آنچه در منزل آقا بحث بود، مجلس مؤسسان با تعداد زیاد بحث بود. ترس از این که آن تعداد وقت زیادی بگیرند. هدف اصلی از بحث‌های شورا این بود که مبادا این مجلس کار را طول بدهد و با شرایط کشور تطبیق نکند. سر اسم بحث نبود. راه حل آنجا پیدا شد. اعضای شورا می‌گفتند عده انتصابی باشند؛ آقای خمینی گفتند انتصابی باشد. دوم در هیچ جای دنیا نیست که مجلس مؤسسان یعنی چه. در 1328 مجلس مؤسسان انتخاب شد. سال 36 کمیسیون مشترک مجلسین شد در فرانسه، تدوین قانون اساسی مجلس مرکب سنا و شورا بود، دوگلی ویژگی جمهوری پنجم را رفراندوم کرد.

مهندس جلالی: اگر بپذیریم مؤسسان باشد، می‌شود توضیح داد، تدوین نیست. باید گفت شورای تنظیم نهایی، بگوییم تصویب مقدماتی، سپس تصویب نهایی.

باهنر: مجلس مؤسسان نیاوریم. [به ازای] یک میلیون نفر، یک نفر. بالاخره نتیجه نهایی قانون اساسی از طریق رفراندوم، مثلاً مردم نظر بدهند، جای آن را تنظیم کند. آقا گفتند نمایندگان مردم بیایند.

خامنه‌ای: تنظیم و مکمل خوب است.

باهنر: گذاشتن اسم مجلس مؤسسان سروصدای زیادی می‌کند. ترکیب مجلس سنا و شورا تعداد زیادتری است. قطب‌زاده: دو نکته. ما برای قانون تصویب‌نامه نوشتیم و تصویب کردیم و تعجب است [که] آن تصویب‌نامه به نظر حضرت‌عالی نرسید. در آن عدول نمی‌شود. شورا و دولت با هم رأی دادند. متن پیش آقای بهشتی است، باید گرفت از ایشان، در قسمت نظر آقا. دو، نکته بعد که آقای خامنه‌ای گفتند روشن است، بازی می‌کنیم. پیشنهاد من [این است که] بگذاریم شورای مؤسسان. مجلس مؤسسان نباشد.

موسوی: مجلس شورای تنظیم و تکمیل قانون اساسی.

خامنه‌ای: شورای تنظیم و تکمیل قانون اساسی.

قطب‌زاده: شورای مؤسسان.

دکتر باهنر: شورای تنظیم قانون اساسی.

رد شد.

مجلس شورای تنظیم رد شد.

شورای مؤسسان رد شد.

شورای تنظیم هفت رأی آورد.

جلالی: [واژه] تصویب هم در آن باشد.

خامنه‌ای: بالاخره در آن تصویب هست.

در مورد تعداد.

مهندس سبحانی: قبول هر استان یک نفر با هر یک میلیون نفر، عملاً هر استان یک نفر می‌آید و خطر این است که فرد خاص بیاید و تنوع، که لازمه شورا است، نباشد. اینجا لازم است، گرچه عدول است. در یک میلیون، یک نفر، خیلی خطر است. معروف‌ترین افراد در استان، روحانیون هستند و [ترکیب مجلس] یک‌سره آخوند می‌شود و سروصدا زیاد می‌شود؛ گرچه ناوارد است [اما] ایراد است. تعداد بالا برود، [به ازای هر] 500 هزار نفر، یک نفر [تا] جای انتخاب برای اهالی استان‌ها باشد.

موسوی: جای انتخاب بگذاریم، روحانی به زور نرود.

مهندس سبحانی: مجبور است که یک نفر را رأی بدهد.

موسوی: یک نفر که می‌گوییم، واقعاً هست، نه زوری. تعداد فکر می‌کنم اگر اشکالات رد شود.

باهنر: دیروز بررسی شد [از] هر استان حداقل یک نفر [نماینده داشته باشد]، ولو سیصد هزار نفر [جمعیت داشته باشد]. از یک میلیون به بالا، دو نفر. دو میلیون به بالا، سه نفر. تهران پنج نفر، استان مرکزی دو نفر (اراک و قم و...)، مشهد چهار نفر، اصفهان دو نفر، تبریز چهار نفر، خوزستان سه نفر، مازندران سه نفر، فارس سه نفر، گیلان دو نفر، رضائیه [یا ارومیه] دو نفر، کرمان دو نفر، کرمانشاه دو نفر، همدان دو نفر، سیستان و بلوچستان یک نفر، کردستان یک نفر، لرستان یک نفر، ایلام یک نفر، یزد یک نفر، استان ساحلی یک نفر، بوشهر یک نفر، زنجان یک نفر، سمنان یک نفر، بویراحمد یک نفر. مقداری بررسی شد. روی کاندیداها طوری می‌شود تنظیم کرد که غیرروحانی هم باشد.

صدر: -

ایلام، بویراحمد، کهگیلویه، بوشهر، یزد، هرمزگان: یک نفر. سیستان و بلوچستان، لرستان، کردستان: دو عضو. سوم، همدان، زنجان، آذربایجان غربی، مرکزی، کرمان، کرمانشاه: سه نفر. گیلان: چهار نفر. چهارم، فارس، خوزستان، مازندران، اصفهان: پنج نفر. خراسان و آذربایجان شرقی: هفت عضو. استان تهران: یازده عضو. اقلیت‌های مذهبی، مسیحی، کلیمی، زردشتی، آشوری و کلدانی: یک عضو.

جلالی: آذربایجان هفت نفر، تعداد روی جمعیت است. روی پراکندگی جمعیت توجه شود. جایی که جمعیت متمرکز است، لازم نیست تعداد زیاد باشد. اگر وسعت زیاد باشد، باید تعداد زیادتر باشد.

موسوی: 84 [نفر عضو مجلس] به 42 میلیون جمعیت می‌رسد. این حرف یک حسن دارد [و] چند اشکال. از مرز روسیه تا نزدیکی سمنان، فردی که همه بشناسند.

خامنه‌ای: این اشکال چیزی نیست که نظر ما را برگرداند. شناسایی به هر تقدیر تأمین نمی‌شود. هر دو بیست هزار نفر، یکی. هر 500 هزار یا یک میلیون باشد، عملی نیست. اگر 500 هزار نفر باشد، از مصوبات آن مجلس پایین نیایم. دلیل قانع کننده که حل کند، نیست. آقا گفتند از هر استان، یک یا دو نفر [باشد]. این شکل مطرح شده، حدود 52 نفر. در مورد آخوندها گفتیم روی چهره‌های غیرروحانی تکیه شود. اگر کاندید شوند رأی می‌آورند.



در آذربایجان، اصفهان و غیره، در یزد صلواتی در تهران. شماها روی مشهد بیش از سایر شهرهای خراسان حساب کنید.

صدر: مردم واقعاً نظر دارند. انجمن اسلامی دانشجویان می‌نویسد بدترین وضع قانون اساسی را شما نوشته‌اید، لااقل مجلسی که حول و حوش قضیه است. به نظر من حداقل کار است که یک استان را یک نفر بدهیم، تهران را کم کنید. شما ارادتمندان خودمان را ناامید می‌کنید. من صد درصد با اظهارات کانون مخالفم. هستند کسانی که نظر دیگر دارند و مسلمان هستند. [برای] کردستان دو نفر کم است.

خامنه‌ای: تکمیل کنیم، هر استان دو نفر حداقل، و هر یک میلیون.

مسعودی: من با نظر صدر موافقم. تهران [از] یازده نفر، 9 نفر شود. خراسان شش نفر. یکی برای دانشجویان، یکی برای وکلای دادگستری.

قطب‌زاده: بخش منطقی که آقای صدر گفتند [این است که] در بعضی نقاط حساسیت وجود دارد. تهران پنج تا یا نه تا تغییر در ماهیت امر نمی‌دهد. اگر به لیست اول، در بعضی نقاط حساس اضافه کنیم، درست است.

موسوی: معیاری پیدا کنیم.

قطب‌زاده: اگر استدلال شود جای مؤسسان نیست با 15 نفر بالا و پایین تاثیر در بحث ندارد. اگر تعدادی را انتخاب می‌کنیم حرف بزنند، مدت طولانی می‌شود. ما اصرار داریم دو ماهه تمام شود. پیشنهاد صد نفر را در آن جلسه با قطعیت دو سوم رد شد. پیشنهاد عزت [سحابی] تصویب شد: 500 هزار نفر تا 1/500 هزار. [با این پیشنهاد که] نماینده دانشجویان و وکلا بیایند، کاملاً مخالف هستیم.

مهندس سحابی: روی تصمیمات تشکیلاتی که فرم کار است، زیاد پافشاری نشود که اصل مسئله به هم بخورد. تمام کوشش ما بر این است که جامعه راضی باشد، وگرنه [این که] تخم نارضایتی در دل همه کاشته شود مثل نظام گذشته می‌شود.

مهندس جلالی: بیست نفر تعداد را زیاد کنیم، مردم احساس می‌کنند جای پا دارند. با تکیه با این جدول، حداکثر تعداد معین شود، توزیع حداکثر با توجه به جمعیت شود.

تصویب شد [به ازای] هر نیم میلیون، دو نفر به مناسب جمعیت و مساحت که کلاً می‌شود با نماینده اقلیت‌ها 71 نفر (هفتاد و یک نفر).

موسوی: لااقل سن رأی دهنده 18 سال [باشد].

قطب‌زاده: سن 16 سال، در دبیرستان‌ها عامل تحریک زیاد است و رأی بالا پایین بدهند، زیاد است. بعد از دبیرستان کم‌تر است.

جلالی: اگر شانزده سال می‌شد، درصد انتخاب روحانی کم‌تر می‌شود.

موسوی: در اینجا اگر 18 سال بشود، عملاً 16 را رد کردن است.

قطب‌زاده: در رفراندوم همیشه 16 [باشد]، برای انتخاب افراد و وکلا 18 [سال باشد].

باهنر: هر کاری باید بشود، در تمام انتخابات باشد.

موسوی: توجیه شرعی بود که 16 [ساله] حق انتخاب دارد. می‌ترسم اینجا بگوییم 16 آنجا 18، ایراد بگیرند با ضعف رابطه تبلیغات.

خامنه‌ای: الان مسئله با رفراندوم قبلی فرق کرده. مجلس مؤسسان یا شورای قانونگذاری است. اگر در سراسر ایران، سه میلیون آراء جمع شود برای ما بس است. کمیت آراء مطرح نیست.

موسوی: تبلیغات مهم است.

خامنه‌ای: سن رأی دادن 18 سال تصویب شود (آقای موسوی برای تبعیت رأی دادند و گرنه) اسم شورای تنظیم قانون اساسی [باشد].

تصویب شد.

قرار شد حداقل سن 35 سال [برای انتخاب شوندگان] تصویب شد.

موسوی: داشتن آگاهی و بصیرت در مسائل سیاسی و اجتماعی.

تصویب شد.

در حوزه انتخابیه معروف، و از خصوصیات و نیازهای محل، مطلع باشد.

تصویب شد.

ماده دو: نظام جمهوری اسلامی را قبول داشته و بدان وفادار باشد، اضافه شود.

تصویب شد.

سفرای رژیم و وابستگان نزدیک رژیم سابق.

تصویب شد.

تبصره ماده هفت: افراد و درجه داران و افسران قوای مسلح سه گانه ارتش و شهربانی و ژاندارمری می توانند در

دادن رأی شرکت کنند.

تصویب شد.

ماده ده: پنج نفر از معتمدین (روحانیون مبارز) اضافه شد.

تصویب شد.

موسوی: هر شهری که خودش با حومه اش به معیار 500 هزار [نفر] می رسد، یک نفر را انتخاب کند.

ماده 33: تا سه روز حذف شد.

تبصره: ذیل ماده 37 حداکثر یک ماه است، اصلاح شد.

ماده 38 و 39 حذف شد.

ماده 40: نحوه اداره شورای تنظیم قانون اساسی طبق آئین نامه امشب که به تصویب شورا تصویب شد، تا 500

هزار [نفر] یک نفر. تا 1/200 [میلیون]، دو نفر. تا 1/900 [میلیون]، سه نفر. تا سه میلیون، چهار نفر. بیش تر از

آن پنج نفر.

\*\*\*

[موضوع: آئین نامه شوراها]

به پیروی از آیه و اَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ و اصل ... شوراها در قانون اساسی [برای] مدت دو سال. تجدید انتخاب

برای یک دوره (دکتر بهشتی، بنی صدر، آذری، صباغیان آمدند).

\*\*\*

[موضوع: ممانعت از سفر هیأت حزب جمهوری اسلامی به لیبی توسط دولت موقت:]<sup>1</sup>

بهشتی: دولت مانع حرکت طیاره شده.

صباغیان: با اسلحه به افسران گمرک مراجعه کرده‌اند.

مهندس سبحانی: نرفتن افراد را دولت می‌تواند تصمیم بگیرد و نباید [...].

صباغیان: گفتند از آقا اجازه داشتیم. پرسیدیم، گفتند با اجازه دولت است.

خامنه‌ای: عمل دولت کار ناشیانه بود. ولی پس از عمل دولت، عکس‌العمل آقایان کار ناشایسته است. بگویید فوراً برگردند.

بنی‌صدر: تصمیم دولت این بوده آقایان نروند، باید پرسید.

بهشتی: من وظیفه ندارم بگویم. از دولت باید تبعیت شود.

خامنه‌ای: من قبول دارم.

بنی‌صدر: چون مسافرت دسته‌جمعی است در فرودگاه می‌شود.

صباغیان: دولت دست لیبی را در تحریکات ایران می‌بیند (بهشتی، آذری، صباغیان رفتند).

مجدداً قانون شوراها مطرح شد.

\*\*\*

---

1. هیأتی از حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنا به دعوت معمر قذافی، رهبر لیبی، قصد شرکت در جشن برپایه شدن پایگاه‌های امریکایی در لیبی را داشتند که دولت از سفر این هیأت جلوگیری کرد. حسن آیت و محمد منتظری در سخنانی به شدت از این اقدام دولت موقت انتقاد نمودند (جمهوری اسلامی، 1358/3/21، ص 1). در مقابل، این هیأت جشن را در فرودگاه مهرآباد برگزار کرده و از دولت موقت از بابت ممانعت از سفر خود به لیبی انتقاد نمود (جمهوری اسلامی، 1358/3/22، ص 1). حزب جمهوری اسلامی نیز به صورت رسمی به این اقدام دولت موقت اعتراض کرد (جمهوری اسلامی، 1358/3/24، ص 12).

## جلسه سه‌شنبه 1358/3/22

[حاضران: مهندس سحابی، شیبانی، مسعودی، بنی‌صدر، خامنه‌ای، بهشتی، قطب‌زاده، موسوی [اردبیلی].]

[موضوع: کمیته‌های انقلاب:]

موسوی: در مورد کمیته‌ها بهتر است بگوییم خودشان را تصفیه کنند.

بهشتی: اگر تأیید می‌کنید کمیته‌ها باشند، پس باید پول داد.

مهندس سحابی: مختصری رعایت شود، مشکل دولت حل می‌شود. خزانه دولت، اسناد لازم دارد.

بهشتی: صورت حساب می‌دهند.

قطب‌زاده: در تهران از حد به در رفته. زندانیان سیاسی رژیم گذشته از زندان خارج شده‌اند، شب‌ها در پارک‌ها خوابیده‌اند (جلالی، باهنر آمدند).

\*\*\*

بقیه قانون شوراهاى محلى مطرح شد.

بنی‌صدر: استاندار و فرماندار، نماینده قوه مجریه است در محل؛ باید دستش باز باشد.

خامنه‌ای: کار تشکیلات سیاسی در تمام کشور باید همسان باشد.

بهشتی: ارتش و مرزبانى مربوط به استانداری نیست، مربوط به دولت مرکزی [است]. سیاست خارجی منحصراً در اختیار حکومت مرکزی است.

موسوی: مسئله اختلاف زبان ممکن است سبب تجزیه شود.

بهشتی: خوزستان، اکثریت آن عرب نیستند و خطر تجزیه نیست. این خطر در کردستان و بلوچستان است.

خوشبختانه، این دو واحد از نظر اقتصادی ضعیف است.

خامنه‌ای: حاکم خود را برخاسته از مردم بداند. لازم نیست تک تک را مردم انتخاب کنند. خلاصه حرف، تعلق

استاندار به مرکز کم نشود.

بنی‌صدر: استدلال‌ها بر عکس است. چه دلیل دارد تحریکات نکنند و رأی بسازند [؟] مرزهای ما پر از توطئه است. وقتی از نظر اقتصادی وضع همه خوب شد، آن وقت خودشان انتخاب کنند (مهدوی آمد).

بهشتی - بنی‌صدر می‌پذیرند در شرایط پیشرفته‌تر شرایط (مهندس بازرگان، دکتر یزدی، دکتر چمران، صباغیان آمدند).

\*\*\*

[موضوع: آینده سیاست خارجی ایران در قبال جهان اسلام:]

قطب‌زاده: دویست نفر از سازمان امنیت عراق حمله کرده‌اند و سید محمدباقر صدر<sup>۱</sup> را دستگیر کرده‌اند. مهندس بازرگان: در جلسه دو سه هفته قبل، موضوع سیاست یکی خارجی مطرح شد، در کلیات بحث شد. سه قسمت شد: ابرقدرت‌ها، کشورهای مسلمان، سوم غیرمتعهدها. سه‌شنبه قرار شد روابط خارجی با آقا مطرح شود. چون قضایای دیگری هم در این فاصله مطرح شد، مانع آن کار شد. فعلاً قرار شد به روابط با کشورهای مسلمان بپردازیم.

بهشتی: آنچه تهیه کردید منظم است یا روی ذهنیات است [؟]

مهندس بازرگان: در هیأت دولت مطرح نشد، به علت قانون ملی شدن صنایع و غیره که [در جلسه دولت] مطرح بود. مقداری جواب توضیحات آقایان است.

یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. روابط خارجی بر سه محور است: 1) محور ابرقدرت‌ها، 2) دنیای سوم، 3) کشورهای اسلامی. در روابط با کشورهای اسلامی در حال جمع‌آوری اسناد و مدارک هستیم. قبلاً اقدامی نشده بود. تأسیس اداره کشورهای اسلامی را مشغول هستیم. تقسیمات قبلی جغرافیایی بوده. 1400 سازمان و تشکیلات اسلامی وجود دارد که من از دفتر خودم خواسته‌ام. روابط عمومی کل دنیای اسلامی، یکی مجموعه، یکی با کشورهای خاص. ممکن است در مورد عربستان بعضی کارها نشود کرد، یا در مورد سود به عین و غیره. در مورد

---

1. آیت‌الله سید محمدباقر صدر (59-1313) فقیه، اصولی و مجتهد برجسته و نظریه‌پرداز حوزه علمیه نجف، ملقب به شهید خامس. وی پس از یک سال از تاریخ دستگیری و زندان، به همراه خواهرش بنت‌الهدی صدر به دستور صدام حسین به شهادت رسید. شهادت صدر یکی از عوامل اصلی تیره شدن روابط ایران و عراق گردیده و در نهایت، به تحمیل جنگی هشت ساله علیه ایران از جانب رژیم بعث منجر شد.

کشورهای همسایه، عامل مرزی هم باید در نظر باشد. باید بر جبهه‌بندی بین کشورها توجه شود. تضادهایی در سیاست خارجی کشورها به علت جبهه‌بندی‌ها هست. عربستان بعضی جبهه‌بندی‌ها دارد و به بعضی کشورهای اسلامی و فعالیت‌های آزادی‌بخش کمک می‌کند. در مورد لیبی در منطقه با گروه جرح حبش کمک می‌کرده، آیا به‌رغم سوریه و عراق است [؟] غیر از مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی و غیره. دو مسئله خلیج فارس، خوزستان مطرح است. از زمان ناصر، ناسیونالیسم عرب مطرح شد [به عنوان] یک سیاست [تا] خلیج را خلیج عربی بگویند. در این رابطه مسائلی مطرح بوده که هست. سیاست ایران این بوده در قبل [که] اگر خلیج عربی بنویسد راه ندهد؛ [در] کشورهای عربی، اگر می‌نوشت خلیج فارس راه نمی‌داد. در کنار حفظ عربی بودن خلیج، سبب شد آوارگان ایرانی، مسئله تند و داغ باشد. سه کشور سوریه، لیبی و عراق حمایت می‌کنند. عراق روزنامه کارون دارد. در لیبی برنامه رادیویی داشته، 10 تا 11 برنامه عربی.

موسوی: کی [؟] در دوره شاه [؟]

یزدی: تا قبل از پیروزی انقلاب داشته‌اند. در بلغارستان دفتر دارند، در کوبا دارند. گزارش مفصل در هیأت دولت خواهم داد. در روابط خودمان این گونه مسائل باید مطرح شود. بهشتی: اطلاع تازه‌ای ندادند.

بنی‌صدر: قرار شد گفتگوها جمع‌بندی شود. سیاست خارجی بدون ضابطه نمی‌شود. [باید] طبق ضوابط، سیاست خارجی تنظیم شود. در حال حاضر ضوابطی در سیاست خارجی نیست. مصاحبه‌های در روزنامه‌ها، موازنه منفی مصدق، به عنوان روزنامه خوب است، حدود و ثغور تعیین شود.

بهشتی: دلم می‌خواهد در دیدارها چیزی بدهید که موضع شورا را کمک بکنند. آیا می‌توانیم موضع فعلی را تأیید کنیم [؟] چون اطلاعات نداشته‌ایم.

یزدی: جزوه منتشر شده راجع به خوزستان (عربستان) مستند است. مشغول جمع‌آوری هستیم. در بلغارستان، کوبا، بصره، شیعه دارند، سند داریم جبهه تحریرالاحواز، جبهه خلق عرب، در عراق، سوریه، لیبی، در بلغارستان، در کوبا شیعه دارند، انتشارات دارند و شرکت آنها در کنفرانس‌ها.

دکتر چمران: -

خامنه‌ای: تصور من این است [که] طرح روشنی ندارند. سیاست خارجی باید بر مبنایی و اصول باشد. [به] اصول که عرض می‌شود، توجه کنند: 1) [اینکه] اسلام در زمینه سیاست خارجی چه الهام به ما می‌دهد [؟] 2) استقلال و تمامیت ایران که در چگونگی شکل روابط دیپلماسی ما اثر دارد، 3) توجه به بلوک‌بندی منطقه‌ای. جبهه آزادی‌بخش روشن است، چنین چیزی هست، ولی ریشه‌ای نیست. از سال 42 به تدریج این دو جبهه به وجود آمد، دولت ایران کشف و تار و مار کرد. منشاء یک بار مصر و یکی سوریه، عده‌ای بعثی و عده‌ای قومی شدند. شاه بی توجه و با توجه اینها را تصرف و قلع و قمع کرد، عده‌ای را اعدام کرد. همان زمان عبدالناصر یک جریان، و بعضی‌ها جریان دیگر را دنبال می‌کردند، با هم همکاری داشتند. جریان کانال‌های متعدد پیموده. معلوم نیست الجزایر هم دخالت نداشته باشد، ولی مربوط به رژیم گذشته است و شاه هوای تصرف آنجا یا یمن و... را نداشت. لیبی اصلاً ناسیونالیسم عربی عبدالناصر را قبول ندارد. مسئله وجود حکومت شاه مطرح بود که قصد این بود رژیم کوبیده شود. سیاست خارجی بر مبنای این تاریخ که پایه‌ای ندارد، می‌باشد. در عربستان، امیر فهد<sup>۱</sup> رفته کنار، طرفدار انگلیس آمده سر کار، مأمورین سیا را در عربستان می‌گیرند. توجه به بلوک‌بندی بشود. پیشنهاد من این است که طرح روش [روشن] را مطرح کنید. اقدام حاد نشود. متین باشد.

دکتر یزدی: مطالب خامنه‌ای، اسلام، استقلال، تمامیت ارضی اینها بحث شد.

خامنه‌ای: اسلام چه می‌گوید [؟]

دکتر چمران: انطباق این حرف اگر با عراق و... دارد، بررسی و تجدیدنظر در روابط بشویم، باید گذشته را ذکر کنیم. شما سند می‌خواهید، ولی نه نوشته و گفته روزنامه‌ها. بعد از 15 خرداد 42 گروهی مبارزه انقلابی کرد، قطب‌زاده، دکتر یزدی، که ما به مصر رفتیم با اجازه مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی. تجارب ما با عرب و مصر و فلسطین به 42 برمی‌گردد. لبنان پایگاه شد. قرار شد خود من به لبنان بروم و [آنجا] پایگاه ما باشد. در این مدت دراز، چیزهایی را لمس کردیم. در رابطه جبهه تحریر و اهواز و غیره با عبدالناصر صحبت شد، اعتراض کردیم، گفت من حریف نمی‌شوم، [اگر] شما اقدام کنید دفاع می‌کنم. سرهنگ فرزنانگان<sup>۲</sup> از ایران به کویت رفت و روزنامه خلیج عربی را مطرح کرد و خوزستان و خلیج عرب در عراق مطرح شد. مطالب من عینی است، با تجارب خودم.

1. فهد بن عبدالعزیز آل سعود (1921-2005) ولیعهد عربستان در فاصله 82-1975 و پادشاه این کشور در فاصله 2005-1982.

2. سرتیپ عباس فرزنانگان (1293-1382) از دست‌اندرکاران کودتای 28 مرداد 1332، وزیر پست، تلگراف و تلفن در دولت زاهدی، سفیر ایران در کویت، عربستان، هلند و نروژ در دوره پهلوی دوم.



مطلب کلی [این است که] در کشورهای عربی به خصوص الجزیره این که اسلام به معنی واقعی در هیچ یک از آنها نیست. اسلام یک مسئله فرهنگی است. در الجزایر از فرودگاه تا هتل اشتراکیه مبارزه طبقاتی و غیره بود. وزیر فرهنگ که فرد مومن بود، خود [امام موسی] صدر با او مطرح کرد [که] این شعارها اسلامی نیست، او گفت اسلام ما همین اشتراکیت است. اسلام این کشورها چنین اسلام است. فقط در جایی که پیاده شده، ایران است، دیگری لبنان، [آن هم] به خاطر خود ما، به خصوص وجود خود [امام موسی] صدر. اسلام آنها با ما فرق دارد. (2) اعراب بیش تر تکنیک و روش شان، احساس و عواطف است. کلام منطقی و استدلالی در آنها کم است. یک رهبر بزرگ را در عرض 24 ساعت جاسوس می کند، دوباره بطل و قهرمان می شود. [در مورد] عبدالناصر و سادات<sup>1</sup> و حافظ اسد<sup>2</sup>، چندین بار اتفاق افتاده. این روش با تکنیک ما سازگار نیست. (3) مسئله ارزش هاست که تکیه روی آن است. بزرگ ترین درگیری ما در کشورهای عربی به خصوص در معیارهای اسلامی است. یک تقویم آوردن آتش فشان روی کاغذ است. ظلمت است، شمع و طوفان می خواهد آن را خاموش کند. ظلمت کفر، ظلمت ظلم. این شمع کوچک، یک معیاری است بین حق و باطل و این جان ما در لبنان بود و کشورهای عربی و این ظلمت بزرگ، ما را می کوبید. ما هر لحظه منتظر مرگ بودیم. معیارها برای ما مقدس [است]، ولی برای آنها ارزش نداشته. تهمت به خود من [می زدند]، یا جاسوس باشد، یا بهایی. دانشمندی که کلمه چیز خود را رها کند، غیرطبیعی است. حتی آخوندها، نه آخوند سنی، همه مادی فکر می کنند. این طبیعی است. از خصوصیات اخلاقی این مردم [است]. یکی مسئله فلسطین، یکی لیبی. با تمام خصوصیات و تقدس فلسطین، سازمان فلسطین از عده ای سازمان مختلف است. 15 تا یک عده ریز. بزرگ ترین [آنها] الفتح و یا سررهبر آن بعد از فتح، جبهه شعبیه است که رهبرش حبش است، سازمان مارکسیستی لیبی است. بعد، جبهه دیمقراطیه نایف حواتمه، این دو رهبر مسیحی هستند. نایف حواتمه هشت سال معاون حبش بود و بعد منشعب شد و گفت جاسوس امریکاست. نایف حواتمه در دست روس هاست. اسلحه سرشار و پول سرشار، و موقعی روسیه خواست یاسر را ترور کند، کاندید ریاست فتح او بود. جبهه تحریر عربی منطق به حکومت عراق از پست ترین این سازمانها، در ایران و خوزستان فعالیت دارد. جبهه تحریر فلسطینیه عراق لبنان، جبهه تحریر شعبیه.

بهشتی: کوچکها.

---

1. محمد انور سادات (1918-81) رئیس جمهور مصر در فاصله 1970-81.

2. حافظ اسد (1930-2000) رئیس جمهور سوریه در فاصله 1971-2000.

دکتر چمران: دو گروه ابوالعباس احمد جبرئیل<sup>۱</sup> طرفدار سوریه، صاعقه که از سازمان‌های قوی است. بعد سازمان‌های کوچک دیگر. تمام این سازمان‌ها مارکسیستی [هستند]، جز فتح که خود فتح ایدئولوژی ندارد [و] درهای آن به روی هرکس باز است. خود من با یاسر عرفات و ابوجهاد<sup>۲</sup> بحث کردم و ضرورت ایدئولوژی اسلامی [را به آنها گوشزد کردم]، ولی آنها منکر هستند؛ با این که اینها نماز می‌خوانند. هیأت اجرایی فتح دوازده نفر [هستند که] بهترین [آنها] یاسر عرفات [است]، خود یاسر را کذاب می‌گویند عرب‌ها. دیگری ابوجهاد [است]. سه نفر چپی دارند، معروف‌ترین [آنها] ابوصالح رسماً [عامل] شوروی است، یکی وزیر امور خارجه که رفتن قطب‌زاده است. گروه اول اکثریت مسلمان، طراز دوم اکثریت مارکسیست‌هاست و بهتر تبلیغات فلسطینی در وفا خلاصه می‌شود. ماجد ابوشراه<sup>۳</sup> و عبدالرحمان<sup>۴</sup>، که هر دو کمونیست روسی هستند، مستقیماً از روسیه پند و اندرز می‌گیرند. حتی خود فتح و ابوجهاد نمی‌تواند بر هیئت اجرایی روزنامه و رادیو وفا اجرا کند. از طبقه دوم به کادرهای طبقه سوم و چهارم بیش‌تر مارکسیست هستند. یک تحصیل‌کرده فلسطینی جز فکر مارکسیستی چیز دیگری ندارد. خود من ساعت‌ها با کادرهای تحصیل‌کرده جدل داشتم که فتح ایدئولوژی ندارد، آنها می‌گفتند [ایدئولوژی‌شان] مارکسیسم است.

بهشتی: بحث فلسطین تمام شود، برویم [سراغ بحث] لیبی.

مهندس سحابی: منظور از بحث چه باشد. اگر خلاصه روی جریان‌ات اخیر برویم، یک جور است، یکی کلیات مقدمات باشد، با فرمایشات جنابعالی (بهشتی) و دیگران. این بحث‌ها مفید است. این اطلاعات در متن است. اگر قصد تصمیم عاجل‌تر است خلاصه کنیم، ولی نوع اول لازم‌تر است.

بهشتی: دو چیز است: ضوابط کلی یکی، اطلاعات عینی و جزئی دوم. مطالب چمران نسبت به افراد مختلف است. بعضی‌ها مطالعات روی فلسطین داریم، بعضی دوستان مطالعات [شان] کم‌تر است. این مطالب را تنظیم کنید، تکثیر شود، بعد جمع شویم. این مطالب بیش از پنج درصد برای من تازگی نداشت. در خیلی مسائل دیدتان با دید من یکی است، [مانند] اسلام و کشورهای عربی (دکتر پیمان آمد).

- 
1. احمد جبرئیل (متولد 1938م) بنیانگذار جبهه خلق برای آزادی فلسطین.
  2. خلیل ابراهیم‌الوزیر ملقب به ابوجهاد (88-1935) از مؤسسان جنبش فتح فلسطین.
  3. ماجد ابوشراه (81-1936) از رهبران جنبش چپ دموکراتیک فلسطین.
  4. از رهبران جنبش چپ دموکراتیک فلسطین

دکتر چمران: در هر حال، از سال 42 تا حال آغشته این مسائل بوده‌ام. اگر خبیر بخواهید انتخاب کنید... در داخل خیمه‌ها و پایگاه‌ها بوده‌ام. اگر مطالب روشن بوده، خوشحالم. چون مهندس بازرگان هست، روزگاری رسید [که] دوستان مان شک به ما کردند. حتی مهندس بازرگان به شخص من شک کردند. نامه‌ای نوشتم به ایشان، پسر ایشان خوانده، در ساواک گفت آتشی است.

مهندس بازرگان: نه، شک نکردم.

دکتر چمران: به علت طیف که حس کردم سازمان‌ها مارکسیستی هستند. خود فتح که غیر مارکسیست است، اکثریت کادرهایش مارکسیست است. آنجا که تصمیم‌گیری سرنوشتی است، چپی فتح با حبش کنار هم هستند. شما که با فتح علاقات دارید، چپی‌ها نفوذ کامل دارند. در روابط با ایران در مورد لیبی، آنچه خودم دیدم زیاد است. ولی در کشور عربی است، با شعار سوسیالیستی و چپ‌گرایانه، تند و داغ؛ حتی از الجزایر و سوریه جلوتر [است]، ولی در عمل به نفع غرب و امریکاست. یکی عراق، یکی لیبی، که بی‌نظران فلسطینی هم معتقدند درباره عراق که نزدیک‌تر است، اطلاع بیشتر است. ما که در لبنان بودیم و هر عرب دنیا نظرش به لیبی، مثل عراق است، مقداری محارب خود.

قطب‌زاده: وارد قسمتی می‌شود که بحث شد، مختصر بگویند چیزی عاید ما نمی‌شود. مفصل بگویند وقت نیست. این بحث را چمران بنویسد بدهد.

بهشتی: دستور جلسه چه باشد [؟] با توجه به ابهام‌ها، واقعیت فکری، عقیدتی و سیاسی این کشورها [که] با آگاهی‌های انحراف‌ها و نارسایی‌های آن نوع عقیده با عقیده انقلاب و موضع سیاسی می‌یابیم، چه موضع باید اتخاذ کنیم در رابطه با کشورها [؟] مثلاً عراق با وجود این مسائل و ابهام‌ها. ایران همسایه عراق [است]، چگونه رابطه داشته باشیم [؟] (1) در جمع برخلاف اصول کلی سیاست خارجی نباشد، (2) تمامیت ارضی بیش‌تر تضمین کند، (3) در رابطه با انقلاب ما سودمند باشد، نه زیان‌آور. اطلاعات و آگاهی‌های ما کامل نیست. لیبی با فلسطین، دوستان بودند، وقتی یاسر آمد این اطلاعات را دنبال می‌کردم. خیلی را دیده بودم. اما ما گفتیم صلاح انقلاب اسلامی این است [که به] فلسطین در جناح متهم به مذهبی بودن، روی خوش نشان بدهیم تا با حفظ خلوص انقلاب ایران، راه نفوذ ما باز باشد در جوان‌های فلسطینی. در مورد لیبی اگر حرف است، چنین است. با صراحت به منتظری گفتم در چهره جلود نور ایمان ندیدم. اما موضع ما این است در رابطه با لیبی و مردم لیبی، اگر فلان

موضع انتخاب شود: 1) راه نفوذ انقلاب ایران بیش تر است، 2) اگر دوست است جذب شود، اگر دشمن است تحریک نشود. قصه این است. روی فرمول‌های دم‌دست بررسی شود. مطالب را لطف کند تکثیر شود.

دکتر چمران: محور سخن من این سه اصل است، تجاربی است که با رگ و پوست خود دیده‌ام. به دقت این سه اصل: 1) معیارهای اسلامی، 2) تمامیت ارضی ایران، 3) گروه‌بندی و درگیری‌ها. تجزیه و تحلیل فلسطین درباره لیبی هست.

بهشتی: موضع را بگویید.

چمران: در اسلامیت آنها شک [است، درباره] تمامیت ارضی ما احساس خطر می‌کنم [از راه] نزدیک شدن ما با لیبی. [آنها] با چاد نزدیک شدند، اریتره، اوگاندا، فیلیپین، لبنان، [اینها را] بدبخت کردند. نزدیکی آنها با ایران همین نکبت را دارد. اینها ترور می‌کنند، با پول می‌خرند. از نظر تمامیت ارضی احساس خطر می‌کنم. قذافی در رابطه کردستان بیانیه می‌دهد، در خوزستان، عربستان، بیانیه دیگر دارد، در ماه پیش، بعد از پیروزی انقلاب. دیروز با سفرای ترک جلسه داشتیم، گفتند برای آنها هم اعلامیه دارند که آنها را عصبانی کرد. سه روز یا پنج روز پیش کسی به نام سفیر لیبی در ایران از ایتالیا می‌آید، چمدانی پر از پول دارد، اسلحه ترور، لیبی با صدا خفه کن بوده.

دکتر یزدی: کلیات گفته شد [درباره] فلسطین و لیبی. توضیحات در روزنامه ارگان شما خلاف نوشته شده شورا است، دولت جمهوری اسلامی دفتر فتح را به رسمیت شناخته شده، من حرف آنها را تکذیب کردم. باید کتباً بنویسند. آنها نوشته‌اند. نماینده آنها شناخته شده. [روزنامه] جمهوری اسلامی نوشته مابه رسمیت شناخته‌ایم، بی‌ربط است. رسماً خواسته‌ایم نماینده خودتان را معرفی کنید. بزرگ‌ترین خدمت را به آنها کرده‌ایم. یاسر عرفات، هانی حسن را معرفی کرده، مثل بقیه سفرا پذیرش دارد. شناسایی سطوح مختلف است. دفتر فتح، به عنوان سفارت است. دفتر است، ما بررسی کنیم. مناسب با هر یک شناسایی حقوقی دارد. به نماینده آنها مصونیت بدهیم یا تمام کارمندان [؟] معنی این است اگر عضو فتح وارد فرودگاه می‌شود، مصونیت دیپلماسی بدهیم، در چمدان هر چه بخواهد رد شود. فقط به نماینده آنها چنین مصونیت دادیم.

بهشتی: -

مهندس بازرگان: کسانی که می‌آیند حق داشته باشند آنچه صلاح می‌دانید بگویند.

دکتر یزدی: در تمام کشورهای که فتح، دفتر دارد تحقیق کردیم. شعب پس نماینده آنها به رسمیت شناخته شده. دفتر خرمشهر بدون اجازه دولت بوده، علی‌رغم تذکر شفاهی دولت هنوز دفتر در اهواز دارند. در مورد لیبی هم هست. ضوابط یکی کلی است. [اگر] دفتر می‌خواهد، باید عرف ضوابط را رعایت کند. بدون اجازه ما هر کار نکند، مثل روس‌ها. فتح با چریک‌های فدایی خلق رابطه برقرار نکند. نماینده آن در اهواز با جبهه تحریر روابط برقرار نکند. دولت عراق از ما اجازه بگیرد، طبق عرف، کنسول‌گری خود را در بصره می‌بندیم، باید این دفتر بسته شود.

مسعودی: باید بسته شود.

دکتر یزدی: اطلاعیه. جبهه آزادی‌بخش فلسطین محل سابق سفارت را گرفته. بعضی داوطلبانه 150 هزار تومان داده‌اند. به من گفته‌اند 350 هزار تومان بدهید، درست نبود. مگر این که دولت لایحه تصویب کند.

بهشتی: چه کسی گفته [؟]

دکتر یزدی: هاشمی‌رفسنجانی. فلسطینی‌ها در تبریز، سازمان دانشجویی فلسطینی درست کردند. در مورد لیبی [و] طرز آمدن جلود. درخواست این که از لیبی هیأتی می‌آید به دکتر سنجابی داده شده بود. [قرار بود] هیأتی در سطح معاون وزارت خارجه بیاید، بعد مقامات عالی‌تر [بیایند]. دو سه روز پس از استعفای سنجابی، به لیبی گفته شد فرستادن هیأت تأخیر پیدا کند. اطلاع از آمدن جلود نداشتیم. دوشنبه ساعت ده صبح گفته شد سعد مجبراً گفت جلود با 55 نفر می‌آید. قبلاً برای فرود هواپیمایی کشور اجازه گرفته بودند. سعی شد با هواپیما تماس بگیرد. ساعت 3/15 هواپیما در فرودگاه نشست. خود من با مرکز فرودگاه در تماس بودم. برخلاف گفته وزارت خارجه عملی کردید، خود جلود آمد تا ساعت فرود حرفشان را نگفتند. گفتند اینها به دعوت آیت‌الله آمده‌اند، برای دیدن ایشان. هلی‌کوپتر حاضر، پایون حاضر. مراتب به قم گفته شد. متأسفانه نخواستند سوار هلی‌کوپتر بشوند. اتوبوس گرفتند.

بهشتی: سوال کوچک. شما گفتید هلی‌کوپتر آماده است یا گفتید محدود هستید [؟]

صباغیان: به فرودگاه گفتم محدود، تماس تلفنی نگیرند. طبق قرارداد تا 24 بیش‌تر اجازه ندارید.

دکتر یزدی: گفته شد احمدآقا ماشین لازم بود، بقیه را ببرند، ولی هلی‌کوپتر ببرد، آنها قبول نکردند، رفتند هتل.

جلالی: چه کسی آنها را ببرد [؟]

صباغیان: شریف، منتظری، صادقی (پسر).

یزدی: این مطالب تذکر داده شد. جزئیات مطالب گزارش داده شد به آقا و ایشان گفتند بدون اطلاع و اجازه من در فیضیه صحبت شده.

جلالی: خلخالی برده آنها را.

یزدی: آقای سعد مجبر، مدت ویزای او تمام شده یا باید اخراج کنند یا اقلأً مراجعه کند و تبعیت کند.

بهشتی: تقاضای تمديد نکرده.

یزدی: در [خیابان] تخت طاووس دفتر باز کرده‌اند [که] خلاف مقررات است. یمن جنوبی آدم فرستاده، کوبا، ویتنام. حق حاکمیت ملی این است که دولت اجازه بدهد. در کنفرانس اسلامی از طریق الجزایر به اطلاع قذافی رسیده است. بعضی دوستان عرب در کنفرانس مراکش گفته‌اند که اینها مقررات را رعایت نمی‌کنند. سفارت ما در رم تلگراف کرد [که] رایزن اقتصادی سفارت لیبی به ایران بیاید، با یک چمدان، بعضی‌ها از طرف حزب جمهوری آمد [ند] که او را نگردید. اگر حزب جمهوری باید پول را بگیرد، رسماً بنویسد، پول بابت دعوت مهمانان به لیبی بوده. [در] نامه‌ای جواب به حزب دادم که کویی برای شورا فرستاده شد.

چمران: رابطه با قم گرفته شد، گفتند ما رابطه و علاقه‌ای با آن شخص نداریم.

یزدی: مقررات مملکتی این است اگر دولت خارجی از جنابعالی یا من دعوت کند، به وزارت امور خارجه می‌آید و می‌تواند مانع رفتن افراد بشود. اگر دعوتی هست، از طریق وزارت امور خارجه باشد. هیچ‌کدام نشده. در رابطه با لیبی ابوالعباس [را] شما گرفتید.

بهشتی: ما گرفتیم [؟]

یزدی: محمد منتظری دستور داد، گرفتند. به من گفتند تبعه لیبی آمده، دو صندوق اسلحه دارد، پاسپورت لیبی است، ابوالعباس حامد شیبانی [نام دارد]. خفیف‌کن صدا بازو کا ضد تانک، فرودگاه صورت جلسه کرد، تحویل نخست‌وزیری داده شد؛ کلت امریکایی بود، مستعمل بین کتاب‌ها یک پاکت است، مهر تمام سفارتخانه‌های خارجی. انواع مهرها برای جعل روادید هست. ابوالعباس رفته طرف خرمشهر، یک نامه عربی که دستورالعمل در

ایران است. خبر نداشتیم تا از طریق چریک‌های فدایی خلق مراجعه کردند، این متعلق به این افراد است. گفتیم خودش بیاید که گفتند [او را] در فرودگاه گرفته‌اند.

بهشتی: موقع گرفتن، یادداشت از نخست‌وزیری داشته برای خروج.

یزدی: در هر حال این آقای زندانی با پاسپورت لیبی و از آنجاست. در گذشته قبل از انقلاب لیبی، با کدام گروه‌ها همکاری داشته [؟] با فدایی‌ها و با منافقین همکاری داشته. چمران در 1972، من و منتظری به سفارت لیبی مراجعه کردیم که به نهضت مسلمانان ایران کمک نکردند.

قطب‌زاده: آن‌دفعه که از طرف آقا رفتیم برای کار آقاموسی، گفتیم چه دلیل دارد [که] گروه‌های مارکسیستی را تقویت می‌کنید [؟] گفتند [به] هرکس علیه رژیم کار کند کمک [می] کنیم. گفتیم به مسلمانان چرا کمک نکردید [؟] گفتند نمی‌شناسیم آنها را.

یزدی: در امریکا مراجعه کردیم به آنها، قبول نکردند. کنگره جوانان عده‌ای می‌رفتند، از فدایی‌ها و باختر امروز رفته بودند، ما سالی که اعتراض کردیم.

مهندس بازرگان: چگونه و چه موضوع مطرح شود [؟]

خامنه‌ای: مسائلی مطرح شد که مقداری جایش اینجا نبود. فرمایشات دکتر چمران که اطلاعات وسیعی دارند، من هم دارم، جز نکته‌های کوچکی. تکیه بر روی این مسئله که فلسطینی‌ها عمق مذهبی ضعیف [دارند] و مارکسیست [هستند]، از نظر اخلاقی، خوش‌گذران و لخرج. تکیه بر نقاط منفی از خلیقات، چه تاثیر بر روی روابط خارجی دارد [؟] چون مصری‌ها تبع نزدیک و سعودی دورتر، روابط ما بر این بنا [نهاده شود؟] چون شمال آفریقا غیر مصر و لیبی، عقاید اسلامی نفوذ ندارد [؟] افعالی که تعصب مذهبی شدید دارند. ضابطه دیگری برای کشورهای اسلامی هست. ملت جنگجو، یک ایدئولوژی قوی مثل اسلام بر آنها حاکم نباشد و مارکسیست باشد، این عنصر اثر دارد روی روابط خارجی ما در مورد پیام اسلام و پیام انقلابی. آنچه در سیاست خارجی سرفصل است، روابط اسلامی بر چه مبناست [؟ در مورد] مناطقی که اسلام صاحب‌خانه است، نظر خاصی داریم. درست نیست مردم عرب لیبی یا جای دیگر اسلام را نفهمیده‌اند. مسلمان‌نشین است. ترکیه هم جزو آنهاست، شاید عقب‌تر باشد، شاید تا هندوستان برویم، فیلیپین، اندونزی، مالزی. مسیحی‌ها حق به خود می‌دهند در [مورد] لبنان اظهار نظر کنند. عقاید آلوده به مارکسیسم در ایران هم هست. باید برویم جلو آن را بگیریم. مسئله در مورد لیبی که مودی هستند، دلیل این نیست که رابطه برقرار نکنیم، بلکه آنها را بکشیم. مثل مردم دنیا رفتار شود. جامعه، حکومت باید حواسش

جمع باشد، دستگاه امنیت داشته باشید، اگر فکر توطئه‌گری است، با امریکا روابط را قطع کند، در تهران، در شهرستان، در خود ایرانشهر، امریکایی حرکت می‌کند و می‌گوید به بلوچ علاقمند هستیم. در کردستان، خوزستان، تهران، امریکایی هستند. اول روابط دیپلماسی با آنها قطع شود، شما که حرکات سیا را دیده‌اید، امریکا نیاید، لیبی بیاید، کشورهای کمونیستی بیایند. کمونیست‌ها توطئه‌گرترین عناصر دنیا هستند. در مورد فرمایشات دکتر یزدی، بعضی حرف‌ها قبول، اشکالات دوستان وارد است، ولی بر دولت، [در مورد] دفتر اهواز از اول ناراحت بودم، تعجب کردم و سوال تعرض‌آمیز از هانی حسن شد، گفت در حضور آقای دکتر یزدی بوده.

یزدی: من اعتراض کردم.

خامنه‌ای: او گفت چون گرایش عربی از طریق عراقی‌هاست، تصور کردم ما بهترین کسی هستیم که این کار را می‌توانیم بکنیم. امروز بزرگ‌ترین اشتباه، بستن دفتر در اهواز است؛ مرکز توطئه نیست و کانون علیه توطئه است، با فشار دیپلماسی. در مورد سفارت‌خانه، به‌عهد دولت ما نیست. [در خصوص] فلسطین، دولت ما به ماهیت و هویت مسئله توجه ندارد. [فلسطین] کشور نیست، شناسایی فلسطین عمل سمبلیک است. دشمن ما در منطقه امریکا است و به‌طور عینی اسرائیل. از امریکا می‌خوریم و غیرمستقیم و شدیدتر از اسرائیل. در مورد اسرائیل، فلسطین او را اذیت می‌کند. مسئله فلسطین در ملت‌ها یک وجهه دارد، در دولت‌ها چیز دیگر و پافشاری تا برای آنها بدین علت است. دشمن صریح، اسرائیل است و مبارز صریح، فلسطین. ما دست از دور بر آتش داریم. قبول یا رد ما به فلسطین، نشانه سیاست است. ملت‌ها کار به دولت ندارند. هرچه ادعای ضدامریکایی بکنید [اما] با فلسطین خوب نباشید، قبول نمی‌کنند. تذکر دوستانه: اگر از اوایل هوشیارانه عمل می‌کرد، همه رفت و آمدها که سبب ناراحتی شده، می‌شد از آن سود ببرد. کشورهایی که دم از انقلاب می‌زنند، بیایند اینجا. از مراکش آمد، فلسطین آمد، ماکاریوس.

شیبانی: کاپوچی<sup>۱</sup> آمد.

خامنه‌ای: [می‌بایستی] از آمدن اینها استفاده می‌شد. مرکز خاص برای اینها [طراحی می‌شد]. خیلی مخلصانه ستایش می‌شد و می‌گفتید شرایط فعلی مساعد نیست، برخورد سرد و نیمه‌سرد پیش نمی‌آمد. اگر تلقی مردم این می‌شد، شماها [با] این جنبش‌ها خوب نیستید. شما (دکتر یزدی)، دکتر چمران که حساسیت [در] خصوص کشورهای عربی دارند، این شیوه برخورد ناموفق است و پیش نمی‌رود. اگر الان وقت هست، مبنا و قاعده سیاست

---

1. اسقف کاپوچی (1922-2016) اسقف مشهور شریف قدس، حامی مقاومت فلسطین علیه اسرائیل.



خارجی را طرح کنند، بر مبنای اسلام. اول از همه کشور[های] اسلامی. گله‌مندی، درد دل، فساد اخلاق، مسئله را حل نمی‌کند.

دکتر یزدی: بگویید توجه ندارید به فلسطین درست نیست.

بهشتی: این مسائل اینطور مطرح نشود. غالباً دیده شده روی مسائل که توافق نیست، هم را نکوهش می‌کنیم. برخوردارها با نوع سوءظن است. این به عنوانی انقلاب نیست. مسائل بحران‌زا پیش می‌آید. در بقیه وقت چه پایه برای سیاست خارجی باشد [؟] انقلاب باید اسلام، تمامیت ارضی، مصلحت پیشبرد انقلاب را رعایت کند، نه چیزهای دیگر.

موسوی: فکر می‌کنم بحث این‌طور فایده ندارد. دردهایی فوری است. چمران مسائلی که مفید بود [اما] ضروری نبود، مطرح کرد. دکتر یزدی مسائلی [را] گفت، مقداری قابل دقت. هزار گرفتاری است. انقلاب [را] به ماوراء فلسطین ببریم [؟] در گوش ما چه خبر است نمی‌دانیم. فردا پیاده‌روی برخلاف خط امام است! شما که می‌خواهید افراد موذی در ایران نباشند، در مقابل کار آمریکا و روس چه کردید [؟] لیبی برخلاف تمام موازین بین‌المللی کار کرده. من معذرت می‌خواهم از چمران، [اگر] امل با الفتح اختلاف داشته، [به] اینجا نکشاید.

بهشتی: برای تنظیم روابط با فلسطین و لیبی چه راه بدهیم [؟]

بنی‌صدر: خودتان یک در میان حرف می‌زنید. پیشنهاد این است. دوباره بحث شد. متن نتیجه بحث‌ها ده ماده شد. آن را بیاورند از خانه‌شان [و] به رأی بگذارند، گرچه رأی نمی‌خواهد. شورا تصویب کند، بدهد وزارت خارجه، خارجه غلط می‌کند. افکار عمومی علیه شما درست کرد، راهپیمایی داخلی می‌شود. در دنیای عرب آقایان خلخالی، در خارج خط روس و چین که معلوم است. دولت لیبی توطئه می‌کند، شما هم برو توطئه کن. نگرانی ندارد. تصمیم گرفتیم [روابط در سطح] کاردار [باشد]. اگر امام گفتند نکنید، باید شورا را آگاه کنید. پیشنهاد من این است شما مسئله را که عرب عرق‌خور است و غیره، از سیاست عمومی ما در منطقه، اینها قدرت هستند، باید

---

1. قرار بود یک راهپیمایی از سوی حزب جمهوری خلق مسلمان، در دفاع از حق تعیین سرنوشت و آزادی بیان و عقیده برگزار شود که به دستور آیت‌الله شریعتمداری لغو شد. وی علت این تصمیم را لحاظ داشتن مسائل مملکتی و مساعد نبودن شرایط کنونی عنوان کرد (کیهان، 1358/3/22، ص 2). در این روزها، شریعتمداری در مصاحبه‌های مختلف، مخالفت خود را با تصمیم جدید درباره تشکیل نشدن مجلس مؤسسان ابراز می‌داشت که البته پس از جلسه مراجع موسوم به علمای اربعه، از مخالفت‌های خود دست کشید.

علیه قدرت فعال اقدام کرد. سیاست شما مساعد قدرت جهانی است، عمل خلاف سیاست امریکا [را] احدی در اینجا ندیده. فلسطین جدا از کادرهاست، به علت همین کارها مارکسیست شده‌اند. سفارت فلسطین پولش را هدیه می‌داد به روس‌ها، گرگر پول می‌دهند. باید جهان شما را ببیند [که] ضد اسرائیل هستید. نفت به اسرائیل، 600 میلیون بابت نفت از اسرائیل طلب داریم. به نزیه گزارش شده، درجه ترفیع گرفته، رئیس بخش بین‌المللی شده. هیأت نمایندگی می‌رود لندن، سه نفر بهایی است، خط التقاطی حمایت می‌شود. کمک‌های شما به فلسطین چیست [؟] پیشنهاد راجع به دنیای عرب، از سیاستی پیروی می‌کند که چمران گفت؛ ایشان محیط بر منطقه نبود و محاط بود. به همان دلیل که به سوی روس‌ها می‌روند، به سوی شما می‌آیند. در مورد لیبی، سیاست شما غلط [است]. مصوبه شورا اجرا شود. ترس از توطئه آنها در ایران نباشد. در مورد همه کشورهای عربی، سیاست علیه سلطه روس و امریکا باشد، توده عرب به طرف شما می‌آید. عملاً خط شما خط انور سادات [است].

سحابی: حرف مرا خامنه‌ای گفت.

چمران: -

مهندس بازرگان: آقایان چیزهایی می‌گویند، شما بگویید، جواب ندهید.

بهشتی: با فلسطین، دولت و رهبران ملی دیگر چه توقع داشته باشیم [؟] با لیبی روابط برقرار بکنیم یا نه [؟] در دوران انقلاب، رهبران ملی حرف می‌زنند. دور هم یک‌کاسه کنیم که یک حرف بزنیم.

یزدی: ولی می‌گویید خط شما خط انور سادات است.

بهشتی: خود شما به عنوان مصلحت شما و ما بگو و جواب صلاح است.

جلالی: با این توضیحات حرف ایشان تمام شد.

قطب‌زاده: کلیات گفته شد، جز در مورد به‌خصوص خامنه‌ای گفت اعتدال قضیه درست شود.

بهشتی: با فلسطین، دفتر تهران دارد. الان به فلسطین فشار بیاید [تا] دفتر [آن در] اهواز بسته شود.

یزدی: باید دید چه باید کرد. ناگزیر باید رسید به مطلب فلسطین و عراق، نماینده هم را می‌کشند. آیا جنگ آنها به خوزستان می‌رسد یا نه [؟] دولت مخالف است [که] دفتر در اهواز باشد. دکتر سنجابی به آنها اطلاع داد.

مهندس بازرگان: پیشنهاد، در امر وسیع می‌خواهند به فرمول برسند، ناچار باید فرمول کلی باشد. توقع نباید از دولت داشت که جزئیات کار گفته شود. پیشنهاد بنده [این است که] در روابط با کشورهای اسلامی، فلسطین، لیبی و عراق، دستورالعمل همکاری اسلامی دوستانه توأم با هوشیاری و دفاع از حاکمیت ملی، ضمن رعایت اصول دیپلماسی [باشد]. باید دست دولت باز باشد. سه اصل صحیح روابط اسلامی: [1] حمایت از فلسطین جزو آنها [است، 2] حمایت از استقلال و حاکمیت، 3 رعایت مصالح. با لیبی، چون چندین بار گفته شد، امر بدیهی است، شورای انقلاب تصمیم گرفت، در مورد لیبی ابلاغ کرد به دولت و دولت اجرا نکرد. خودم شخصاً خواهش کردم چون روابطی باید در کشورهای عربی باشد، در خدمت آقایان مطرح شود [روابط با] سه کشور مصر، لیبی، عراق. آقایان راجع به مصر گفته بودند، بعد مراکش بود، عراق نبود. قرار شد آقای طالقانی بروند به مراکش. سه چیز صحبت شد، روابط برقرار باشد در سطح کاردار، توأم با مسئله رسیدگی جدی با همکاری دولت لیبی درباره گم شدن امام موسی. قضایا طوری پیش آمد که مهلت این کار را ندادند. از خارج تماس‌هایی گرفتند، مجال نشد [که] با آنها شرط و پیمان کنیم. الان هم همان نظر را دولت دارد. مخالف برقراری روابط با لیبی نیستند، تجاوز و تخطی نشود. در سطح کاردار خوب است [و] نگرانی نیست. درباره فلسطین همین است. دفتر داریم. اگر اهواز را هم می‌پرسیدند، چه‌بسا اجازه می‌دادیم. آنها رعایت اصول نمی‌کنند. قطع رابطه با مصر روی همان اساس بود. داعی نداریم دنباله‌رو اعراب باشیم، سفیر را برمی‌گردانیم. ولی آقا آن طور گفتند، دولت دنباله‌روی کرد. سفیر عراق آمد، یک ساعت و نیم بحث شد، اقرار کرد و اظهار تأسف کرد. همین جریان دیشب [که] تراکت پخش کرده‌اند، مادام که جلال طالبانی وجود دارد، خواهیم آمد.

بهشتی: در مورد لیبی چه [؟]

مهندس بازرگان: افرادی که خود را به غلط، رایزن سفارت معرفی کرده‌اند، نه مجبر می‌آید با دکتر یزدی صحبت کند، هیأت بیاید صحبت کنیم در سطح کاردار.

بهشتی: اگر گفتید مصلحت نیست دولت بگوید، اگر ما گفتیم غائله مهار شد، ایشان آمد همان را ببیند، برخورد گرم با سهولت مقدمات فراهم شود، بسیار خوب. آقای موسوی به جای محمد منتظری.

دکتر یزدی: اگر من به مجبر بگویم این کار را بکن، باید حرف ما را توجه کند. یک سلسله مسائل اساسی هست. اینها نسبت به خوزستان چه نظر دارند [؟]

بهشتی: بعد از رابطه بهتر خواهد بود.

دکتر یزدی: یک هیأت در سطح بالا بیاید، روابط حل شود.

بهشتی: ضمن این که بی اطلاع در مورد روابط خارجی نیستم، یک سیاستمدار تمام مسائل را روز اول حل نمی کند، نقطه آغاز خوب.

یزدی: اگر سازمان های اطلاعاتی شما قوی بود که کنترل می کرد، درست بود.

بهشتی: ما معتقدیم با شما اختلاف عقیده داریم. رابطه برقرار شود بهتر است. سمپاتی در ایران به نفع آنها هست. حالا دست ما بسته است.

مهدوی: ما وسایل اطلاعاتی قوی نداریم.

پیمان: در مورد آمریکا چرا این کار را نمی کنید [؟]

مهندس بازرگان: آقایان به سعد مجبر بگویید به دولت مراجعه کند. دکتر یزدی بگوید یک هیأت دیپلماسی صحیح در سطح وزیر [که] سه چهار نفر بیشتر نباشند، جهت مذاکره به منظور چگونگی ایجاد رابطه [بیایند]. این عده آمدند، این چهار مسئله مطرح شود.

بهشتی: می خواهیم ارتباط برقرار کنیم.

مهندس بازرگان: همان طور که به کاردار امریکا گفتید سفیر را قبول نداریم با هیأت 1) مبنای علاقمندی، جهات اسلامی و انقلابی است، 2) تمامیت و استقلال ایران را حمایت کنید، 3) روابط توأم با اصول دیپلماسی باشد، 4) جدی شناختن تحقیق در مورد فقدان موسی صدر. اگر این چهار موضوع قبول شد، ایجاد ارتباط در سطح کاردار، یکی در تهران، یکی در طرابلس [اجرای شود].

دکتر چمران: باید از فلسطین دفاع شود. اگر این چهار قضیه روشن شود درست است.

دکتر یزدی: آقای سعد مجبر شعور سیاسی ندارد.

بهشتی: جزو هیأت نباشد.

چمران: اگر ثابت شد در مورد امام موسی [که او] را کشته اند [؟]

موسوی: [با] سه شرط اول موافق [اما با] شرط چهارم موافق نیستم. راجع به موسی صدر اینجا مطرح نشود. امام موسی هم مباحثه من است؛ علاقه من [به وی] کم نیست. یک ملتی را نمی‌شود برای یک مسئله شخصی کنار گذاشت. اگر کسی به خاطر خون امام موسی برود جنگ، یکی [از آنها] من هستم. خدا لعنت کند قذافی را، تا اینجا؛ ولی آن را در اینجا به عنوان شرط نیاوریم.

به اتفاق آراء تصویب شد روابط برقرار شود.

مبانی روابط اسلامی است.

تصویب شد.

بهشتی: [به آنها شرط شود] گروه‌هایی که علیه تمامیت ارضی کشور فعالیت می‌کنند، مورد حمایت شما نباشند. محکوم کردن توطئه‌هایی که تحت عنوان تجزیه‌طلبی یا ناسیونالیسم عربی یا هر عنوان دیگر، در ایران هدف تجزیه‌طلبی دارند.

دکتر پیمان: در روابط بین‌المللی، برای هر کشور مگر دخالت مجاز است [؟] اگر کسی [دخالت] کرد، [به آن] اعتراض می‌شود. شرط مجدد چه لزوم دارد [؟]

دکتر یزدی: تعهد به وجود نمی‌آورد، بیان این مطلب سلب [سبب] تضعیف فعالیت [آنها] در خوزستان می‌شود. خامنه‌ای: لیبی داوطلب رابطه است؛ این امتیاز [را] از او می‌خواهیم.

پیمان: در مذاکره مطرح بشود، ولی در اعلامیه مشترک نیاید.

بهشتی: ما به آنها گفتیم باید این کار را بکنند.

مهندس بازرگان: علاقه و اصرار دارند روابط برقرار شود. اگر پشتیبانی نشود، فکر می‌کنم به راحتی زیر بار شرایط می‌روند. برای ما ارزنده است. در پایان جلسه چیزهایی نوشته می‌شود.

تصویب شد که [لیبی] توطئه‌ها را محکوم کند.

بهشتی: مسلمان‌ها اصرار دارند روابط فراتر از مسائل دیپلماسی باشد.

مهندس: بر مبنای اصول دیپلماسی و برادری.

تصویب شد.

بهشتی: مسئله صدر مشخص نیست. متنها [این که] اول مسئله اینجا مطرح شود یا بعد، بعضی معتقدند به علت خواست داخلی و اثرش روی شیعه لبنان در اینجا مطرح شود. اگر احساس می‌کنیم طرح را پیچیده [می] کند، الان شروع نشود.

باهنر: مطرح شود، ولی شرط قرار ندهیم.

بنی صدر: قرار بود قذافی بیاید پاریس [و] آقا را ببیند. آقا گفت تکلیف آقا موسی روشن شود، بعد بیاید. باید مسئله ایشان را محکم گرفت. گرچه با سیاست ایشان موافق نبودم.

تصویب شد این تذکر [به لیبی] داده شود.

تصویب شد سعد مجبر را روشن کنند.

مهندس بازرگان: روابط ما با ممالک اسلامی چطور باشد [؟] همکاری اسلامی دوستانه توأم با هوشیاری و دفاع از حاکمیت ملی، ضمن رعایت اصول دیپلماسی و برادری.

جلالی: دقت‌هایی که روی واژه‌های فیما بین می‌شود، رعایت اصلی لازم است نشان داده شود برای کشورهای خارجی، انجمن‌ها و غیره [که] سوراخ دیگری جز دولت وجود ندارد. فقط بدانند فقط از راه دولت وارد شوند.

بهشتی: اصل مسئله، تعهد طرفین می‌خواهد. اگر در برخورد در مسائل، ژست آن را نداشت و خود را متعهد دید درست. اگر با تفاهم قبلی کار کند، بسیاری مسائل جلو آن گرفته می‌شود.

بعد از غذا شوراها مطرح شد.

\*\*\*

## جلسه پنجشنبه 1358/3/24

[حاضران:] مهندس سحابی، شیبانی، بهشتی، مهندس کتیرائی (باهنر، خامنه‌ای، بنی‌صدر، موسوی اردبیلی، دکتر سحابی، دکتر مبشری آمدند) (مهندس کتیرائی رفت) (مسعودی، مهدوی، قطب‌زاده آمدند) (دکتر مبشری رفت).

[موضوع: بررسی پیش‌نویس قانون اساسی:]

اصل یک "نوع" به جای شکل آمد.

اصل سه "مقاطع مختلف"، اضافی است.

اصل پنج و "هیچ کس" به جای "هیچ یک".

اصل شش "مگر در دخالت جنگ" اضافه شود.

اصل هشت وابستگی جامعه (یک حذف شد)، "نظام حاکم بر آنان" در آخر اضافه شد.

اصل نه سعی و کار و حاصل آن، حق هرکس می‌باشد. هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت بر سعی و کار خود، امکان سعی و کار را از دیگری سلب کند. باید امکان کار و کوشش برای همه چنان فراهم گردد که هیچ‌کس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد.

دکتر سحابی: برای رساندن این که مقام زن در اسلام بالاست، تا این تهمت‌ها از اسلام برداشته شود.

دکتر بهشتی: در قانون ممکن است فلسفه قانون بیاید.

اصل 13 زیادی [است]، حذف شد.

دکتر بهشتی: اگر در یک منطقه خواستند برای زکات مقررات وضع کنند، نباید مانع شد.

قطب‌زاده: مطلبی که ناظر بر یک سلسله استثنائات است، باید توجه شود عام نشود.

اصل 13- "زیدی" زاید است. محلی (در حدود اختیارات شوراها اضافه شد).

مهدوی: اگر قانونی وضع کنند که زن برای هوس‌رانی بگیرد، آن وقت این مردود است.

اصل 16- " بر طبق این قانون " به جای قانون اساسی.

اصل 17- " با مجلس " (از طریق) باشد.

"ممکن است تصویب قانون " به جای "ممکن است اعمال قوه مقننه " باشد.

اصل 18- "که باید بر طبق " اصلاح شد.

اصل 19- "که به وسیله ... می گردند " زیادی است.

اصل 23- "جا" (مسکن) اضافه شود.

(مهدوی، جلالی آمدند) "مال کار زندگی فردی و خانوادگی " حذف، "مگر به حکم قانون " در آخر اضافه شد.

اصل 24- "ممنوع است، مگر به حکم قانون"، بقیه زیادی است.

مهدوی: حزب توده آزاد باشد.

خامنه‌ای: اگر در مرامنامه اش حفظ ایران باشد ولی عمل نکند، خلاف قانون کرده.

اصل 26- به جای "این گروه‌ها" باید (مشروط بر این که) [و] به جای "محترم بشمارند" (نقض نکند) [آورده شود].

اصل 32- "با دلایل معتبر" اضافی است.

اصل 35- "جز در موارد جرایم شهود" زیادی است، "فوراً" زیادی است. "حکم و ترتیبی که قانون معین می کند"، در صورت بازداشت.

اصل 36- اعمال زیادی است. "قصاص ... " برداشته شد.

اصل 37- و موجب مجازات.

اصل 38- "مقرر می دارد".

اصل 46- "معین می شود".

اصل 50- "معین می شود".



اصل 51- "رسمیت یافتن" به جای "آغاز کار".

اصل 53- جمهور یا ... یا ...

اصل 56- "احتیاج"، اختیار درست است.

اصل 57- "و در مورد دعاوی" زیاد است.

اصل 58- "بناهای" به جای تأسیسات.

اصل 68- مگر هنگام جنگ به حکم قانون.

اصل 70- نخست وزیر یا وزیر مورد استیضاح نمی تواند در هیأت دولتی که بلافاصله تشکیل می شود، شرکت کند (مهندس بازرگان آمد).

اصل 73- "دولت یا سیاست قضایی باشد"، اضافه شد.

مهندس بازرگان: راجع به قانون اساسی به آقا چه بگویم [؟]

دکتر سبحانی: آئین نامه انتخابات دارد و شرایط آن هست. اسم همین مجلس را مؤسسان بگذارید.

مهندس سبحانی: قبلاً گفتم این مجلس همان مجلس مؤسسان است (مهندس بازرگان رفت).

دکتر بهشتی: مجلس مؤسسان را توضیح خواهیم داد.

تصویب شد که مجلس تنظیم باشد [ولی] بگویند مجلس مؤسسان است.

اصل 78- خواهد کرد، می کند.

اصل 79: بیش از دیگران رأی داشته باشند.

اصل 86- رفراندوم، "همه پرسی".

اصل 93- یا نماینده قانونی او.

اصل 94- متارکه آن و پیمان صلح.

اصل 98- در مدتی.

اصل 100- و آئین نامه های دولت.

اصل 102- وزرا به پیشنهاد نخست وزیر و تصویب رئیس جمهور ... تصویب شد.

اصل 109-

اصل 111-

اصل 113-

اصل 125- " و قضات"، زیادی است.

اصل 126- در حدود اصل 138 این قانون.

اصل 128- رسیدگی به = نظارت بر.

اصل 129-

اصل 133- همواره به طور علنی.

قانون اساسی تصویب شد.

دنباله اصل 146- درخواست مراجعه به آرای عمومی باید از طرف رئیس جمهور یا دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی باشد و برای اجرا به شورای نگهبان تسلیم شود.

مالیه نباشد، امور مالی [باشد].

اصل 113- شوراها ... وضع عوارض بکنند، حذف شود.

ص 11، اصل 88، مکرر هرگاه بین قوه مجریه و مجلس شورای ملی اختلاف نظر به وجود آید و راه توافق ممکن نگردد، رئیس جمهور می تواند از راه همه پرسی، انحلال مجلس شورا را به تصویب ملت برساند و در صورت انحلال، باید بلافاصله انتخابات جدید مجلس اعلام و ترتیبی داده شود که مجلس جدید حداکثر طی شش هفته از تاریخ انحلال، کار خود را آغاز کند. رئیس جمهور در هر دوره ریاست جمهوری فقط یک بار می تواند از این حق استفاده کند.

با هشت رأی تصویب شد.

جلالی - در شورا یک ماده بود اشکال داشت.



## جلسه پنجشنبه 1358/3/24

1) لایحه بخشودگی طلب دولت پس فرستاده نشد تا موضوع طلب ذکر شود.

2) لایحه اصلاح مواد اساسنامه پتروشیمی (قطب‌زاده)

3) معافیت وسایل توان‌بخشی (قطب‌زاده)

4) اعاده به خدمت قضات و کارمندان (قطب‌زاده)

5) اعاده دادرسی احکام دادگاه عالی انتظامی

6) واگذاری 5٪ در اختیار وزارت کشاورزی

7) لایحه انتزاع سازمان نقشه‌برداری

8) انتقال کارخانه سیمان آریا به صنایع معادن

9) لایحه تعیین مدیران موقت واحدهای تولیدی

تصویب شد

## جلسه یگشنبه 1358/3/27

[حاضران: مهندس سحابی، شیبانی، مسعودی (موسوی اردبیلی، دکتر بهشتی، جلالی، دکتر باهنر آمدند).

[موضوع: لایحه دادگاه‌های انقلاب اسلامی:]

موسوی: مسائلی که مطرح است، مجاهدین خلق، بنیاد، دادگاه‌ها، ابلاغ آئین‌نامه قانون اساسی، شوراها، پاسداران، نامه پیمان، رابطه پاسداران با دولت.

دکتر بهشتی: لایحه دادگاه‌های انقلاب اسلامی. جرایمی که قبل از پیروزی انقلاب اضافه شود... یا پس از پیروزی انقلاب بر ضدانقلاب روی داده یا می‌دهد، به‌دستور رهبر انقلاب، دادرسی انقلاب اسلامی در تهران و شعب آن در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها.

موسوی: شهرستان‌ها را اجرا اضافه کردید.

بهشتی: آنها را باید منحل کرد و نمی‌شود.

موسوی: گفته شد قابل تصفیه نیست و قاضی خوب هم نداریم. از کجا می‌گویید بودنش اثرش کم‌تر از انحلال باشد [؟] باید دادگاه‌ها را منحل کرد.

مهندس سحابی: موافقم. حقیقت این بود ایجاد دادرسی صالح میسر نیست. لااقل 24 عدد مراکز استان بشود، بنویسید از تاریخ ابلاغ این قانون.

باهنر: [بر این اساس، شعبه] قم باید برود اراک، که قاضی اراک مورد قبول مردم نیست.

بهشتی: آمل قاضی خوب دارد. ساری امکاناتش بد است.

موسوی: بنویسید در هر استان، یک دادرسی انقلاب اسلامی و به تعداد لازم دادگاه.

تبصره: در استان‌هایی که هم اکنون بیش از یک دادرسی انقلاب اسلامی وجود دارد، دادستان کل انقلاب موظف است برای تبدیل آنها به یک دادسرا هرچه زودتر اقدام کند.

(2) به آمریت یا مباشرت درست شود.

(3) به آمریت یا مباشرت درست شود.

(5) سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر) اضافه شود.

تبصره: .... حوزه حذف شود.

شیعه‌ها (ها اضافه شود)

ماده سه: دادگاه و دادرای انقلاب اسلامی به‌دستور امام خمینی تشکیل شده است و به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب، پس از کسب اجازه از امام منحل می‌شود، و در صورت انحلال، دادگستری کارهای ناتمام آن را انجام خواهد داد. قاضی شرع.

ج) دارای عدالت حذف شد. دادگاه می‌تواند.

ماده هفت: هر متهم ... ایرانی آگاه از مسائل قضایی و حقوق جزای اسلام را ...

ماده نه: ... در دادگاه به دادگاه درست است.

تبصره یک: اگر چنین اکثریتی.

تبصره دو: احکام دادگاه‌های انقلاب قطعی است و تجدیدنظر ندارد.

ماده 13: ضبط اموالی که از راه غیرمشروع به دست آورده، پس از تصفیه دیون و ... زیادی است (آقای خامنه‌ای آمد).

تبصره- در مورد ضبط اموال غیرمشروع، اگر محکوم علیه دارایی دیگری نداشته باشد.

ماده سیزده: به جای رفع فقدان صلاحیت بیاید بازپرسی توسط بازپرسان. ماده 19 باشد و بعد از ماده 19 که تبدیل به 20 می‌شود، بیاید [به] شماره ماده‌ها از این [به] بعد یکی اضافه شود.

ماده 20 تبدیل شد به تبصره (مهدوی آمد 9/5).

[ماده] 22: در صورتی که بازپرس، تحقیق از هر شخصی را ... می‌تواند او را احضار.

ماده 26: بازداشت یا منع تعقیب، نظر دادگاه (به جای قاضی شرع).

ماده 28: تبدیل شد به تبصره، در این مورد دادستان...

تبصره: تبدیل به ماده 28 شد فرزندان یا شخص دیگر به سایر اشخاص حقیقی (سایر، برداشته شد).

ماده 30: در سازمان انقلابی [تبدیل شد به] در این سازمان انقلابی.

ماده 31: 3 خواهند داشت، زیادی است (هاشمی آمد).

بهشتی: کمیسیونی تشکیل شود برای گرفتن افراد شاغل.

مهدوی: دولت نظرش این بود که برداشتن فردی سبب به هم خوردن نظم اداری نشود.

تبصره 2: قوای نظامی یا انتظامی یا دارای مقام مهم سیاسی یا اداری باشد، احضار یا جلب او باید قبلاً به تصویب کمیسیونی برسد که از طرف شورای انقلاب اسلامی برای همین منظور تشکیل می شود (دکتر صدر آمد). در صورت تصویب باید حکم بازداشت قبلاً به اطلاع مافوق برسد.

ماده 32: ضبط اموال غیرمشروع به جای مصادره (دکتر احمدزاده، مهندس بازرگان آمدند). تصمیم درباره تا باید حتی المقدور برداشته شد. این احکام اعدام باید بلافاصله پس از صدور به اطلاع دادستان کل انقلاب اسلامی برسد و (اجرای حکم اعدام باید ده روز پس از تاریخ صدور حکم باشد) و در این مدت به محکوم علیه، امکان ملاقات با خانواده داده شود.

\*\*\*

[موضوع: لایحه ملی کردن صنایع:]

مهندس بازرگان: چند کار ضربه‌ای در هیأت دولت انجام شد: 1) بازگذاشتن دست استان‌ها برای طرح عمران، مقررات محاسبات عمومی نباشد، تنخواه گردان داشته باشند، یک تصویب‌نامه و یک لایحه قانونی، 2) سیاست مالکیت صنعتی دولت، 3) مسئله‌ای که دو هفته قبل، آقای موسوی اردبیلی و ریاحی خدمت آقا رسیدند.

تصویب‌نامه: مبلغ 1300 میلیون ریال در اختیار وزیر کشور گذاشته شود، برای هزینه‌های ضروری و غیر پیش‌بینی شده استان‌ها...

[به] منظور اجرای طرح‌های ضربتی... در جهاد سازندگی 100 میلیون ریال به صورت تنخواه گردان برای هر استان [با] امضای ذی حساب استاندار و نماینده معاون طرح بدون رعایت مناقصه.

بهشتی: برای استان کردستان، چون کاری با همکاری دولت انجام نشد، از محل بنیاد 15 میلیون تومان [تأمین شد و] یک گروه رفتند کار عمرانی انجام دادند، در قروه انجام شد.

مهندس بازرگان: 200 میلیون ریال به اتفاق آراء تصویب شد. دیگری، سیاست مالکیت صنعتی دولت، اسم آن را عوض کردیم [تحت عنوان] قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران. باید قبل از ملی کردن بانکها بیاید، ولی آن موقع عملی نبود. ولی آنجا عمل نامشروع رباخواری بود. بعضیها باید ملی شود، بعضیها حمایت شود. نظام گذشته ضمن حمایت از صنایع ... منظوره‌های (1) گسترش نظام اسلامی به لحاظ کار و سرمایه و سود، (2) خروج اقتصاد ایران از وابستگی به نفت و احراز استقلال تا سرحد خودکفایی، (3) تأمین کار و اختصاص، (4) احتراز از دولت‌سالاری... نکته‌ای که دکتر صدر تکیه دارد، راجع به راه انداختن کارخانه‌ها می‌گویند اعتماد نداریم کارگران با دخالت در امور، جنس را گران کنند، بعد هم ملی شود. ماده اول صنایع موجود، چهار دسته: الف) صنایع باید با اساس زیر [ب]) به استثنای ... کارخانه پتروشیمی که در حال نصب است، آن قسمت از کارخانجات بزرگ که استثمار کرده‌اند، نورد، کفش ملی، دولت مدیریت آنها را به عهده می‌گیرد. [ج]) کارخانجات که وام قابل توجه از بانکها و دولت دریافت داشته‌اند، د) کارخانجات و مؤسسات بخش خصوصی که وضع مساعد داشته‌اند.

موسوی: سه جنبه دارد، یکی شرعی که سبب نشود مراجع سروصدا کنند، در روی صنایع هم اثر مثبت داشته باشد.

مهندس سبحانی: جلسه آینده توضیح بدهند.

مهندس بازرگان: بعضی پیشنهادات دادند، کیفیت عرض شود چند ماده بیرون کشیده‌اند، روی آنها رفتارندوم شود. مجلس شورای ملی دو وظیفه داشته باشد، تصویب قانون اساسی.

بهشتی: مطالبی نباشد، در بخش‌بندی قسمت‌هایی که نه خصوصی است و نه دولتی، می‌شود یک کاسه کنید.

مهندس سبحانی: ایران ناسیونال 18 هزار و دویست نفر سهام‌دار دارد. سهام بزرگ‌ها را ملی کنند.

دکتر صدر: باید عده‌ای را کنار گذاشت.

مهندس سبحانی: عده‌ای مشخص هستند، آنها را ملی کنید.

دکتر صدر: یک وقت سیاست اقتصادی کشور مطرح است یک‌جور [باید عمل کرد]، یک وقت یک سلسله تصمیم‌های سیاسی است و کارهای دیگر. روی رول سابق اصول سرمایه‌داری را پذیرفته‌ایم، آن چند خانواده ...



اگر مثلاً خسروشاهی<sup>۱</sup> بود که رابطه با دستگاه نداشت، چه کار کنیم [؟] باید کار ما سیاست اقتصادی را معین کند. دادگاه انقلاب آن کارها را می‌تواند انجام دهد.

بهشتی: این فقط شامل مرحله اول است، دوم و سوم انجام شده.

مهندس سبحانی: طرح ما را مهندس احمدزاده می‌داند.

مهندس احمدزاده: طرح اولیه با [طرح] تصویب شده اختلاف عمده دارد. نظر ما به مهندس سبحانی داده شد. با دوستان دیدند، چیزی تهیه کردند، یک نسخه دادند. آنچه داده شده اگر تغییراتی داده شود، قابل اجرا و خوب است. سهام کارخانجات، بعضی‌ها را دولت در اختیار بگیرد [که] با دستگاه قبلی روابط نزدیک داشته [و] سوء استفاده کردند، مثل رضایی [که] آهن ممنوع [را] خودش می‌فروخته، الکتروم ممنوع و از کارخانه خودش می‌فروخته و غیره، فولادی باز رو بند کرده، لاجوردی<sup>۲</sup> کرده، سوبسید را به خود اختصاص می‌داده. این عده انگشت شمار هستند. برای پاک کردن محیط از آنها، خیلی روشن بگوییم [که] سهم ندارند.

بهشتی: شما مشخص کنید، اسامی را بدهید دادسرای انقلاب.

خامنه‌ای: حسن لایحه اعلام آن است. رباکاری [ریاکاری] در آن انفع است.

هاشمی: به حساب دولت گذاشته شود.

بهشتی: به حساب دادگاه باشد، صدای آقایان در نمی‌آید.

خامنه‌ای: خودمان از لحاظ شرعی گیر داریم.

بهشتی: ما نه.

---

1. خانواده خسروشاهی از بزرگترین فعالان صنعتی ایران عصر پهلوی، صاحب شرکت سرمایه‌گذاری البرز، تولید دارو، گروه صنعتی مینو و ...

2. خانواده لاجوردی از بزرگترین فعالان صنعتی ایران عصر پهلوی، با محوریت صنایع غذایی، نساجی، شوینده، ساختمان، و نیز بانکداری و بیمه.

خامنه‌ای: من پیش قمی<sup>۱</sup> رفتم که گلپایگانی دوم است. اگر فرض قبول نکنند، جرأت اظهارنظر ندارند. با طرح انقلابی اسلامی واقعی، مردم را جذب کنیم. آقایان یا قبول کنند یا رد تا بعد از تصویب قانون اساسی خوب است، وگرنه می‌ایستند [داخل] صف تضعیف‌کننده.

هاشمی: عام باشد، آقایان حمایت از خیامی نمی‌کنند.

موسوی: افراد بهانه‌جو را نمی‌شود راضی کرد.

بهشتی: او کارشکنی می‌کند.

موسوی: الان صف جدا کردن، درست نیست.

هاشمی: صف‌بندی آنها اگر دادگاه هم بکند نمی‌کنند. شریعتمداری می‌گوید مصدوره‌ها را قبول نداریم.

دکتر صدر: یکی از خطرات [این است که] اگر دادگاه بکند، نتیجه عکس می‌گیرد. می‌خواهیم صنایع دیگر اطمینان پیدا کنند.

بهشتی: یا دولت یا شورا بکند، به حکم این که اموال اینها از راه زدویند یا راه حرام است [و] این سرمایه‌ها متعلق به آنها نیست و متعلق به ملت ایران است.

مهندس سحابی: دولت اعلام کند، به نسبت دیون شریک می‌شود. سهام شدن کارگران، تقسیم سود.

احمدزاده: [طرح] بنده طرح مهندس سحابی در این زمینه است و در مرحله اول پیشنهاد شد از آنجا که برخی مدیران و صاحبان صنایع موفق به [...] کلان از طریق نامشروع شده.

موسوی: صنایع خصوصی را تشویق کند، این [طرح، این کار را] نمی‌کند.

مهندس سحابی: نمی‌خواهیم تمام بخش خصوصی را از بین ببریم. بخش خصوصی را که سرمایه گذاشته [و] کار کرده، تقویت کنیم، بلکه پاکسازی کنیم. مرحله دوم، صنایع تأسیس شده که درست مدیریت خواسته یا طرح غلط بوده، باید کاری کرد. برخوردار<sup>۲</sup> بزرگ‌ترین سرمایه‌دار 800 میلیون تومان از یک بانک برده است.

---

1. آیت‌الله سیدحسن طباطبایی قمی (1386-1290) مرجع و روحانی مخالف پهلوی که البته پس از انقلاب، با جمهوری اسلامی نیز به مخالفت برخاست.

2. محمدتقی برخوردار (1303-90) مشهور به پدر صنایع خانگی ایران و موسس پارس الکتریک و ...

احمدزاده: کفش ملی (مسعودی رفت) ایروانی<sup>1</sup> یک قلم، در گروه صنفی ملی 24 شرکت دارد، در الوند 48 شرکت دارد، قسمت اعظم این شرکت‌ها متعلق به خانواده ایشان است، هشتصد میلیون تومان به بانک ملی بدهکار [است]. وکیل می‌گوید قائم مقام هستم، من گفتم وام نمی‌دهم. ناچار شد مدیریت داد. بعد که سی میلیون تومان داریم [دادیم] کس دیگری را به‌عنوان مدیرعامل انتخاب کرد، گفتم پول را می‌بندم. سه روز است، در این سه روز آیت‌الله آشتیانی، آقای نزیه، آقای فروهر، آقای هادوی گفتند چه ایراد دارد ایروانی بیاید. دو سه تا رفقای صمیمی مرا دیده‌اند؛ قانع کردم، دیگران را هم قانع کردم. برخوردار هزار تومان روی تلویزیون‌ها کشید، تعداد زیادی تلویزیون فروخت، بیست میلیون تومان بابت خمس داده.

دکتر صدر: دو اشکال هست، یکی از روحانیت و یکی چپی‌ها. این مسئله هم ملموس و مشخص است. برای روحانی مسئله نظیر داشت. در اجناس متروکه گمرگ تا امام بالا رفتند. یک نامه از صدوقی، از یزد داشتند. حاج برخوردار و خسروشاهی حاصل یک عمرش در خطر است و امپراتوری دارد و از طریق روحانیت خواهند گفت این امپراتوری مشروع است.

خامنه‌ای: خطاست مشورت. حمایت مردم را از دست می‌دهید. آنها حمایت نخواهند کرد.

دکتر صدر: چند روز پیش اعلام کردند ملی کردن خلاف شرع را به هیچ وجه مورد پذیرش ما نخواهد بود.

جلالی: پایگاه علما، مردم است. اگر این پایگاه از دست برود [...]

هاشمی: خود آقای خمینی هم هست.

خامنه‌ای: دو نکته رعایت شود: 1) حفظ صنایع خصوصی، 2) غارتگران را فکری بکنیم.

مهدوی: دولت قدرت اداره ندارد.

موسوی: الف احتیاج نیست، ب- احتیاج به توضیح ندارد.

احمدزاده: گسترش نظام اسلامی بود، بقیه در آن نبود. الف- 1) در حال حاضر فقط برای آهن ذوب داریم، بخش خصوصی هم هست، مس فقط دولتی است.

هاشمی: طلا.

---

1. محمدرحیم متقی ایروانی (1384-1299) سرمایه‌دار و مؤسس کفش ملی.

احمدزاده: طلا یکی داریم، مربوط به دولت است.

بهشتی: موته محلات.

مهندس سبحانی: سرب و غیره هم می‌شود.

احمدزاده: شمش فولاد می‌شود، مرحله نورد گرم لوله ورق و غیره می‌شود. نورد سرد هم دارد پروفیل می‌سازد که نگذاشتیم کارخانه که نسبتاً کوچک است.

مهندس سبحانی: در رژیم قبل تا شمش آهن را ذوب آهن تعیین می‌کرد، می‌فروخت. علی رضایی یک ریال خرج می‌کرد و 46 ریال سودش را می‌برد و ضرر آن با دولت بود. قرار شد.

بهشتی: ذوب آهن کارخانه سیاسی بوده، نه سودده.

احمدزاده: پتروشیمی همراه است، نه تا مرحله.

مهندس سبحانی: محصول نفت را تبدیل به الیاف پلاستیکی می‌کنند (الیاف مصنوعی). در بخش خصوصی هم هست. پلی آکتیل لاجوردی، پارسیلون لرستان، پرسپولیس شیراز؛ اینها با خارجی‌ها شریک هستند. الیاف مصنوعی با ماده لازم برای آن می‌سازد، تا بعد از مرحله پلی‌مریزاسیون بهتر است. سرمایه‌گذاری در ساختن این کارخانه‌ها بیش‌تر سرمایه‌گذاری شده، پلی آکتیل سه میلیارد که از آن، 2/300 وام است.

بهشتی: سود نمی‌دهد، به خاطر بهره است. مناسب با آن نیست.

احمدزاده: علاوه بر این که بهره را کم کنید، سود بانکی ندهند، باز هم به علت بالا بودن سرمایه‌گذاری [و] استهلاک ماشین‌ها، سودآور نیست.

مهندس سبحانی: کلک غرب است.

هاشمی: -

احمدزاده: از پولی که خرج کرده‌اند، سود فراوان برده‌اند.

مهندس سبحانی: سه سال است مشغول ساختمان هستند، بعضی‌ها [با] ماهی 240 هزار تومان حقوق.

دکتر صدر: شریک‌ها دررفته.

احمدزاده: استثنای داخل پرائنتز، واحد بزرگی در جنوب ایران ساخته می‌شود، در حال نصب است، سرمایه‌گذاری زیاد، تعهدات تابع قرارداد است و مشکل ایجاد می‌کند. باید بازار فروش پیدا کند، تکنولوژی راه بیاندازد. آنها تعهدات خود را انجام نمی‌دهند و ما صدمه می‌بینیم.

بهشتی: بنویسید فلان کارخانه.

مهندس سبحانی: چند شرکت است که در قرارداد مشارکت هست [؟] باید آنها را بدانیم.

بهشتی: بنویسید کدام کارخانه‌هاست و شرکا چه کسانی هستند.

مهندس سبحانی: کارخانجاتی که با دولت‌های خارجی شریک هستیم، نباشد.

بهشتی: چه کار است [؟] این لایحه را بنویسیم، استعمار خارجی دست نخورد [؟]

مهندس سبحانی: خود روسیه، آنگولا و غیره یک سری سرمایه‌گذاری خارجی را می‌پذیرند.

بهشتی: چه لزومی دارد [؟]

هاشمی: بعضی کارخانجات با سهام خارجی است که شامل می‌شود.

احمدزاده: -

دکتر صدر: عملی نیست. به ژاپنی‌ها می‌گوییم تعجیل کنید. ملی کنیم، چرا آن را استثناء می‌کنیم [؟] آنها تمام کنند. به محض این که ملی کنیم، اعلام کرده‌ایم. ژاپنی‌ها قراردادشان طوری است که محتاج آنها هستیم، مواد اختصاصی، بازاریابی. بعضی کارخانه‌ها خواهد خوابید. پلی‌آکتیل تازه شروع کرده. سهام دوپون ملی شود، مقابل ما خواهد ایستاد. الان در شرایط کنونی، [اگر] متخصص امریکایی نباشد، [کار] می‌خوابد.

بهشتی: پس چه چیز تهیه شده، آمده [؟]

احمدزاده: پیشنهاد اولی این بود همه را ملی کنیم. در قرارداد پتروشیمی دیده شد [که] مشکلاتی هست. درست است که مقابل امریکاست.

بهشتی: ایشان می‌گویند کار می‌خوابد. این لایحه خام است و امکان رسیدگی اقتصادی و فنی ندارد.

احمدزاده: پتروشیمی به صورت خام نیست. تعداد کارخانجات قابل شمردن است. فقط در بخش دولتی چهار کارخانه است، با این یکی پنج تا. در بخش خصوصی دو تاست، یکی بهره‌برداری کامل، یکی نحوه بهره‌برداری، یکی در حال ساخت. پلاستیک پرسپولیس 40 درصد مال انگلیس‌ها [است] که اکثر یهودی [هستند]، بقیه [مال] ایران [است]، در رأی مساوی [هستند]. انگلیس و یهودی حاضر به کمک نیست. مدیران نوشته‌اند در اختیار بگیرد. در مورد پلی آکریل یک ماه است شروع به کار کرده، حداکثر تمام بخش تا بیست هفته ماده اولیه ندارند و ممکن است امریکا مشکلات ایجاد کند. پارسیلون راه نیافتاده. دقیقاً توجه شده [که] کارخانه ایران ژاپن در حال نصب است [و] استثناء شده. پتروشیمی را استثناء کنید.

هاشمی: پلی آکتیل آمده.

احمدزاده: آمریکایی‌ها بر نمی‌گردند. متخصص خودمان، لوازم یدکی را گفتند تمام پول را بدهید. هشت میلیارد دلار خواسته‌ایم.

بهشتی: با همکاری دکتر صدر یک گزارش تهیه کنید، بدهید. نیازهای مواد اولیه و یدکی و ارتش با شما یا جدا باشد [؟]

احمدزاده: تهیه تمام اقلام امکان‌پذیر نیست. آمار دقیق لازم است که از گذشته نداریم. آمار قابل قبول و دقیق نیست. مهم را می‌شود تهیه کرد.

بهشتی: مهم را.

احمدزاده: ظرف یک هفته. مشکلات ملی. بعد بالا بردن قیمت‌ها، کالاهای فروخته را تحویل نمی‌دهند. مواد اولیه نرخ نمی‌دهند، نمی‌فروشند. با ملی کردن تولید نمی‌شود. خیامی رفته نمایندگی هیلمن را خریده.

جلالی: مواد یدکی را عرض کرد به لهستان بدهید.

احمدزاده: نمی‌شود، ولی خیلی‌ها مختص غرب است. مگر این که خیلی پروژه‌ها را حذف کنیم. پیشنهاد، چند نفر از آقایان انتخاب شدند [شوند] مسئله را بررسی کنند.

بهشتی: مهندس سبحانی تقریباً برداشت ما را می‌دانند. شرکت بنی‌صدر هم باشد (دکتر صدر، دکتر احمدزاده رفتند).

\*\*\*

[موضوع: دادگاه‌ها:]

بهشتی: مسئله قم. آقای خمینی با توجه به مشکلات زندان‌ها نمی‌خواهند مقرر کنند زندانی‌ها را آزاد کنند، مگر آنها که محرز است مجرم هستند.

شیبانی: بسیار بد است.

مهندس سبحانی: کسانی را آزاد می‌کنند که صلاح نیست. یاسینی را آزاد کردند که در مجلس، سلب صلاحیت شد.

باهنر: رسیدگی سریع بشود.

بهشتی: آذری گفت امید است که سریع رسیدگی شود. نتیجه رسیدگی تبرئه بود، خوب است.

خامنه‌ای: این کار را آقا بکنند، کار نمایش خوبی است. تا دو هفته اگر کسانی بود [که] رسیدگی نشد، آزاد کنند. آدم خیلی خطرناک [...]

بهشتی: ایشان می‌گویند تا یک ماه دیگر، بازداشتی‌ها را رسیدگی و تکلیف آنها را روشن کنند و در آخرین روز [...]

موسوی: مخالفم، دردی دوا نمی‌کند.

خامنه‌ای: این را مخصوص گذشته کند، نه مسائل حاضر ترور [عضو گروه] فرقانی.

سحابی: اگر آئین‌نامه درست اجرا شود [...] هادوی خارج از حوزه صلاحیت عمل می‌کند. پرونده راه آهن [در] دادسرای تهران مطرح است، افراد خرده‌پا را گرفته‌اند. اعلام از طرف خمینی به ضرر است. نیروی انقلابی ناراضی می‌شود.

هاشمی: آقای خمینی مدون اعلام مهلتی به دادسرا بدهند [به مدت] یک هفته [یا] حداکثر دو هفته. اگر به سرعت آزاد کردید، حرفی نیست. به‌طور کلی قیافه آقا در دنیا قیافه خشن شده. خانواده زندانیان بد نیستند، رأفت باید مشاهده شود. بسیاری از زندانیان برای ما خطر ندارند، توطئه از جای دیگر است. لااقل یک هفته خبر بدهند.

جلالی: عفو اگر از موضع قدرت باشد خوب است، ولی این طور خوب نیست. چهره انقلابی آقا را از بین می برد. اغتشاش داخل زندان منتشر به بیرون می شود. کار آقای هاشمی، به دادگاه فشار بیاید.

مهدوی: با نظر هاشمی موافق هستم. چند عارضه دارد بودن آنها در زندان. عده ای باید عفو شوند. تاریخ سیاسی اسلام نشان می دهد عده ای آزاد و عفو شده اند. عوارض مختلف در زندان است. از کارهای پاسداران [این شده که] به خانه می روند، پول می گیرند. پیدا کردن فرد مشکل است.

خامنه ای: پیدا کردن مشکل نیست.

مهدوی: [جرایم] خصوصی زودتر بررسی شود. مجرم ها بمانند، بقیه را رها کنند.

موسوی: آقا ورامینی راجع به آینده چه می کند [؟] همین وضع دادسرا بماند. دوباره بیاورند یا این که باید تصحیح بشود [؟] جز توطئه گرها را بگیرند، بقیه را نگیرند. آنها که در زندان هستند، رسیدگی و آزاد شوند.

تصویب شد آزاد کنند.

\*\*\*

[موضوع: ماجرای سعادتی:]

مهندس سحابی: مجاهدین خلق اعتراضی به انتشار پرونده کرده اند و وارد است.

شیبانی: این اعتراض وارد است.

موسوی: سعادتی گفت با مشیت و لگد زده اند، چند روز آثار [آن] بوده، [بر] پاهایش خراش هایی وجود دارد.

بهشتی: سوراخ شدن پا چه بوده [؟]

سحابی: -

هاشمی: ملاقات چند روز بعد از بازداشت بوده، صورت اگر ورم کرده بود، معلوم می شد.



سحابی: جو فوق العاده شدید عصبانیت علیه آنها هست، از مرحله منطق گذشته. پاسدار می گفت این خائن را بکشید. کمیته سفارت امریکا حاج ماشاءالله<sup>۱</sup> هست، چند شب پیش (مشروب خور) گرفته اند. آنها وقتی یکی از مجاهدین را بگیرند [...]...



---

1. ماشاءالله کاشانی خواه مشهور به حاج ماشاءالله قصاب، رئیس کمیته انقلاب مستقر در سفارت امریکا در تهران. سازمان مجاهدین خلق مدعی بود دستگیری سعادتى توسط اعضاى کمیته ماشاءالله قصاب، همراه با ضرب و شتم سعادتى صورت گرفته است.

## جلسه سه‌شنبه 1358/3/29

[حاضران: شیبانی، مسعودی، خامنه‌ای، مهدوی [کنی]، دکتر مبشری (قطب‌زاده آمد).

قطب‌زاده: چرا حقوق در شرکت نفت 60 هزار تومان به بالاست [؟] (جلالی، باهنر آمدند). ساعت نه و ربع شروع به کار کردیم.

باهنر: نامه هواپیمایی کشوری قرائت شد در مورد عزیمت گروهی به لیبی. نامه وزیر کشاورزی خوانده شد.

آقای جلالی به اتفاق مهندس سحابی برای تصحیح آئین‌نامه شوراها به آقای دکتر سحابی مراجعه و پس از تهیه طرح اقدام کنند.

لایحه اعاده دادرسی محکومان نظامی مطرح و تصویب شد (مهندس بازرگان آمد).

مهندس بازرگان: صدر برود وزارت دادگستری، صباغیان [به] وزارت کشور [برود].

مهدوی: دکتر مبشری.

شیبانی: دکتر یزدی در رابطه با لیبی اهمال می‌کند.

مهندس بازرگان: حرف‌هایی از قول آقای روحانی گفته شده [که] سبب تحریک اعراب شده. نظر دکتر یزدی و من این بود که چون انتساب داده‌اند به امام، خوب است دفتر امام رد کند.

\*\*\*

قانون تشکیل دادگاه‌های فوق‌العاده مطرح شد.

قطب‌زاده: این باید بررسی شود. [بحث] اعدام برود دیوان کشور، طول می‌کشد.

مهندس بازرگان: باید.

خامنه‌ای: دادگاه انقلاب، منحصر به جرایم رژیم گذشته بوده. آن مسئله در این آئین‌نامه نیست. حوزه کار دادگاه انقلاب می‌تواند جدا از این دادگاه باشد. تصدیق می‌کنم دادگاه‌های انقلاب با کار زیادی که دارند، نمی‌توانند این بار را ببرند. ولی هر جا این دادگاه تشکیل شود، آن دادگاه منحل شود، درست نیست.

دکتر باهنر: چون در آئین‌نامه دادگاه‌های انقلاب، قسمتی از اینها وارد شد، ماده چهار توطئه علیه جمهوری اسلامی...

\*\*\*

[موضوع: مسائل حوزه انتظامی کشور، اعم از کمیته‌ها، شهربانی و ژاندارمری]:

مهندس بازرگان: جان کلام ماده آخر است. اگر به گذشته مربوط می‌شد، درست. آنها که در قتل شرکت داشته‌اند، در عمل در همه جا دخالت می‌کنند. 50 درصد ناراحتی ما ناشی از دادگاه انقلاب و اعمال ایشان (هادوی) است. به آذربایجان غربی فرستاده، به زن‌های بی‌حجاب بی‌احترامی می‌کنند، در اداره گمرک رفته‌اند عده‌ای را توقیف کرده‌اند. در جلسه شنبه هیأت وزیران یازده نفر استعفا دادند. مادامی که دادگاه انقلاب، کمیته و پاسداران زیر نظر دولت نباشند، کاری نمی‌شود کرد. آقای هادوی و دخالت در هر امری. به دادستان انقلاب تلفن کردم [که] چرا گرفته‌اند [؟] گفتم اگر مربوط به جریان‌های اخیر باشد بسیار خوب. الان طوری شده به محض این که شغلی به کسی داده شود، نامه‌ها و طومارها نوشته می‌شود و علیه او [موضوع می‌گیرند]. باید بین این دو دستگاه، شورا یا آقا فکری بکنند. یا دولت را قبول دارند، حرف دولت، یا قبول ندارند، [حرف] خودشان. در فرودگاه تهران یکدفعه تیراندازی شده، یکی از طرف هادوی، یکی خود دستگاه... چمدان‌های پر از قاچاق را رد می‌کنند.

مهدوی: عده‌ای آمدند به نام کمیته [به] فرودگاه و خود را منتخب از کمیته مرکزی می‌دانند. دو نفر از ممنوع‌الخروج‌ها را رد کرده‌اند. از طرف کمیته مرکزی کسی را نداریم. وقتی پرستاری را در بیمارستان می‌گیرند، بهانه‌ای می‌آورند.

خامنه‌ای: اصل مطلب منطقی است. دو دستگاه ویژه نمی‌شود. اشکال جای دیگر است. در دستگاه دولتی از سر دستگاه گذشته تند تغییر نکرده. آقای دانشور<sup>1</sup>، ژاندارمری بلوچستان بسیار خراب [است]. هر دو دفعه با عصبانیت ایشان ختم شده. فرمانده ناحیه بسیار ناباب [را] عوض کرده. درباره نفر بعدی، کسی را گذاشته [که] سابق بوده و قبل از رفتن افرادی که در حسن نظر آنها شک نیست، ایراد گرفته‌اند. به او تذکراتی دادم و تحمیل نکردم. همان نقطه که تذکر دادم، عکس [آن را عمل] کرده. سرگرد ضیایی جواب ملانصرالدین داده که سلاح دارم. [اگر] بین آنها اختلاف بیفتد [...]. اول انتصاب ایشان، دانشور، خوب نیست. اگر در انتصاب‌ها دقت شود، خاطر انسان جمع

---

1. سرتیپ الیاس دانشور، سومین فرمانده ژاندارمری ایران پس از انقلاب اسلامی.

باشد. سرهنگ مصطفایی باید رئیس شهربانی شود، پرونده او دست من است. رئیس شهربانی اصفهان بوده و معاون ناجی فرماندار نظامی، کسی که رئیس شهربانی دوران قبل بوده. به خصوص در جلسه که با خرید تذکر داده شده، ولی ترتیب اثر نداده‌اند.

مهندس بازرگان: یک موضوع در بحث قبلی یادم رفت. آنجا که گفتم دادگاه انقلاب از بین برود. شهشهرانی<sup>۱</sup> دادستان، هفته قبل آمد؛ گفت دستور داده‌ام اگر کسی 1/5 کیلو هروئین دارد، نگیرند، چون زندان نداریم. اقدامی کنید، زندان قصر که برای دوازده هزار نفر زندانی است، 2700 زندانی دارند. جای دیگر باشند. گفت زندان زیر دادگستری، یکی دست حاج ماشاءالله، یکی دست دیگری است. صورت جلسه‌هایی شد، با آذری قرار شد دیوار بکشیم، آنجا که برای دوازده هزار است، دیوار باشد. همین را هم مانع شدند. سیاهی قاضی یا آذری و هادوی به من مربوط نیست. دادگستری و شهربانی و ادارات ما وظیفه خود را نمی‌تواند انجام دهد. جواب- باید دید وجود دو ماما یا آش سبب می‌شود و عیب از بین برود یا بهتر شود. اگر استاندار که به زحمت تهیه شده، در معرض دو جریان است، کار لوٹ می‌شود. می‌گوید من مسئول هستم. از کجا معلوم که کمیته‌ها پاک باشند [؟] بعضی‌ها مشروب می‌فروشند. کسانی گفتند خانم‌هایی تحت تهدید بوده‌اند. پاسدارها اطلاع دادند که اگر دو میلیون بدهی شوهرت آزاد، وگرنه اعدام [می‌شود]. قاچاقچی زندانی و ساواکی در کمیته‌ها هستند. بالای درست، انتخاب ما محدود است. در همین عده محدود می‌گویند دکتر ایزدی اخراج شود. سرهنگ ممتاز<sup>۲</sup> را آوردیم، کاری نکرد، مستأصل شدیم. بعد از پرس و جو، دانشور را پیدا کردیم.

مسعودی: من نمی‌شناسم، ولی خوب کار کرده. اما عیب گفته شما ممکن است باشد. بهترین فرد از نظر ژاندارمری [است که] تمام نقاط مملکت را دیده است.

خامنه‌ای: در مورد بلوچستان اطلاعات ندارند.

مهندس بازرگان: در مورد رئیس شهربانی اول دفعه گفتند نوروزی [را] گذاشتیم، اعتراضات شد. ایرادات در مورد فرید هم از زمان موسوی آقا و احمدآقا کتابی نوشته که تجلیل از رضاشاه کرده. افسر غیر مشاغل که بی اطلاع است، دست اندرکاران همین طورند. دستگاه عظیم دولت [را] که سالی 600 میلیارد خرجش می‌شود، نمی‌شود دور ریخت. نود درصد کسانی که بد کار می‌کردند همج‌الرعا هستند، نان را به نرخ روز می‌خورند. در حالی که

1. ابوالفضل میرشمس شهشهرانی، نخستین دادستان تهران پس از انقلاب اسلامی.

2. سرتیپ عزت‌الله ممتاز، دومین فرمانده ژاندارمری پس از انقلاب اسلامی.

با من کار می‌کرد، پشت سر امامت او نماز می‌خواندم. دکتر فلاح قبل از ما نمونه اول نوکری انگلیس بود، ولی زمان ما بزرگ‌ترین خدمت را در راه انداختن کرد. دوگانگی سبب خراب شدن کار می‌شود. الان به‌طور جدی دنبال فرد می‌گردیم. اول، اسم البرزی بود، [همچنین] طاهری، سید حسن جزایری. گفتند جزایری کسی است که چون معاون اداری است، همه را می‌شناسد، نمازخوان و رشوه ندارد. از عابدینی رئیس گارد پرسیدم، گفت همه را می‌شناسد و از او پاک‌تر کسی نیست. در مجلس‌های عمومی که مشروب بود، نمی‌آمد. طاهری را گفتند از جهاتی بهتر است. البرزی گفت اگر طاهری قبول شد، من معاون او می‌شوم. خود جزایری گفته بود طاهری بهتر است. خود البرزی رویش تحقیق شد، رئیس امور حفاظت بوده (دست دوم ساواک) و در گرگان همه کاره املاک بوده. ولی طاهری عذر خواست و کسالت داشت. او گفت مصطفایی خوب است، ولی کسالت دارد؛ معاون بوده، ولی قبل از کشتارها. رئیس شهربانی کل راه آهن، پولادی گفت تماس نزدیک نداشته‌ام. [او را] خواستم، گفت نمی‌توانم. طاهری گفت روی جزایری مخالفت هست، ولی روی مصطفایی حرفی ندارند. خامنه‌ای: روی جزایری خیلی تمجید گفته می‌شد. در مورد طاهری، با املاک غلامرضا (البرزی طاهری نه) سهام بوده.

مهدوی: اختلاف کمیته درست است. حق با مهندس بازرگان است. مهندس بازرگان: قبول انقلاب، یک در میان من گفته‌ام اینها چون فداکاری کرده، جان داده‌اند، به حق سهام می‌دانند. آنها ما را قبول ندارند. مهدوی: جاهایی که می‌گویند دخالت نمی‌کنیم، مسئله کشتار است. فرستادن نیرو اشتباه توسلی است. ما را و خودش را با مردم رو به رو کرد. بدون این که حرف اساسی بزنیم و در حالت شکست خوردگی برگشتیم.

## جلسه پنجشنبه 1358/3/31

[حاضران: بهشتی، سحابی، شیبانی، موسوی [اردبیلی]، میناچی (دکتر باهنر، مهدوی [کنی]، جلالی، مسعودی، مهندس بازرگان آمدند).

[موضوع: قانون اساسی آینده:]

بهشتی: قسمت عمده وقت ما با ایشان (خمینی) صرف قانون اساسی شد و به نتایج مطلوبی رسیدیم (قطب‌زاده آمد). قرار شد مطالب را خود ما رسیدگی کنیم. اصل سیزده به این صورت اصلاح شد [:] دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری است که مذهب رسمی ایران است و مذاهب دیگر در احوال شخصیه و امور فقهی... در ماده 45، تبدیل اراضی قابل کشت به اراضی غیرکشاورزی، در حدی که به اقتصاد کشور لطمه زند، ممنوع است. ماده 66- اصول مسلم و احکام اسلام، در سوگندنامه و نگهبان دین و مذهب رسمی کشور باشد. اصل 76- رئیس جمهوری باید مرد مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد (خامنه‌ای آمد). [اصل] 144 در صورتی که شورا عدم مخالفت قانون عادی را با اصول مسلم اسلام و احکام شرعی و سایر اصول این قانون با دو سوم آراء تأیید نکند، باید آن را برای تجدیدنظر با ذکر دلایل تعارض به مجلس برگرداند و مجلس با توجه به دلایل ذکر شده در آن تجدیدنظر به عمل آورد. آقای گلپایگانی جز دیده‌ها، هوایش را دخالت نمی‌دهد.

\*\*\*

[موضوع:] لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های ضد انقلاب

در ماده اول، تکه‌های آن را بردارید؛ به منظور نگهداری از دستاوردهای انقلاب، دادگاهی برای رسیدگی به جرایم ضد انقلاب تشکیل می‌شود. وگرنه بوی لایحه سازمان امنیتی می‌دهد.

مهندس بازرگان: حاکمیت ملی بیاید.

بهشتی: دولت که مستقر شد، از دادگاه‌های عادی استفاده می‌کند.

میناچی: استقرار حاکمیت ملی [در قسمت] آخر آن بیاید.

بهشتی: فلسفه قانون از اول روشن باشد.

مهندس [بازرگان]: موادی ذیل آمده که باید ذکر شود.

بهشتی: به ویژه حاکمیت ملی که از مهم‌ترین دستاوردهای این انقلاب است.

مهدوی: چه اشکال دارد [؟]

بهشتی: دولت فعلی دادگاه‌های اختصاصی را یک نفر مجتهد با انتخاب باشد.

موسوی: برای تقویت دولت باشد.

بهشتی: اشکال عمده در مورد انتخاب است. خود ما که در تهران هستیم، دیدیم نمی‌توانیم قضات شرع را معین کنیم. منظور تشریفات نیست. ما به قم واگذار کردیم.

موسوی: تعیین مجتهد یا قاضی عادل مقدور نیست. پایین‌تر از مجتهد را حاکم شرع می‌تواند [به عنوان] قاضی منصوب کند. به جای مجتهد، قاضی شرع باشد.

مهندس سبحانی: می‌تواند قاضی شرع، مجتهد نباشد.

بهشتی: در کتب فقهی نه. ولی ما در بحث می‌گفتیم در مبحث قضا وارد باشد، لازم نیست اجتهاد در تمام موارد داشته باشد. یک قاضی شرع به جای مجتهد [باشد] (هاشمی آمد).

موسوی: صحبت این است قاضی شرع را شورا یا حاکم شرع معین کند.

بهشتی: اگر روزی دولت ما چه در مقام بینش و حساسیت اسلامی باشد و فکر کند این مسائل پیش نمی‌آید، ولی هنوز انتخاب‌ها و بعضی‌ها رنگ قبلی دارد. فقط درست بودن و مختصری حاد بودن مطرح است. کم‌تر اسلامی اندیشیدن نظر است. آقای مهندس رشد اسلامی دارند، ولی خود ایشان نمی‌توانند و مثل سابق می‌شود.

باهنر: در هر شهرستان، خود وزیر نمی‌تواند دخالت کند.

میناچی: تمام مواد استخراج از قانون دادرسی عمومی است. علت ترساندن مردم از قاضی شرع است.

قطب‌زاده: خوشبختانه قاضی شرع لولو شده.

بهشتی: حقوقدان از قضات باشد، ولی بهتر است معتمد محلی باشد.

مسعودی: معتمد محلی، اطلاع قضایی ندارد.

بهشتی: اکثریت آراء گفته شده.

قطب‌زاده: یک عده شده‌اند معتمد محل حرفه‌ای.

بهشتی: در وکلا بدتر است. باید دید منظور چیست.

مسعودی: ممکن است در یک شهرستان پیدا نشود.

میناچی: در شهرستان‌ها ممکن است نباشد. در قانون دادگستری هست که جایی که قاضی نباشد، وکیل دادگستری بیاید، حالا یا وکیل یا حقوقدان مسلمان باشد.

موسوی: اگر برگردیم معتقدم درهم‌برهمی سبب شده آقایان به این فکر افتاده‌اند و باید توجه شود، این یک قدرت داده می‌شود بدون صلاحیت، تازه می‌شود مثل سابق. دو تا قید اضافه شود، قید ایمان، مردمی بودن [و] با تقوا بودن.

بهشتی: رأی دادگاه باید ضامن اجرا داشته باشد و مردم بپذیرند.

میناچی: آن وقت توهم می‌دهد که بقیه بی‌تقوا هستند.

\*\*\*

[موضوع: مسائل دولت موقت:]

مهندس بازرگان: اصل بر این است، دولت اسلامی است و همه اسلامی هستند و منطبق با قانون اساسی است. آن وقت همه جا باید قید شود رئیس داری هم باید متقی باشد. پس فردا فلان مدعی در محکمه، در خیابان، در تظاهرات، در خارج خواهیم گفت رأی این محکمه به‌درد نمی‌خورد. همه جای ایران اهل ان قُلت شده‌اند. برای فرار از کار می‌گویند این متقی نیست. تهمت و طومار فراوان است. ممنونم از موسوی که گفتند مقصود، تقویت دولت است. علیه اشخاص حرف زدن زیاد است. وزیر دادگستری بکند، آن یکی را شورای انقلاب تأیید کند. الان صدر وزیر دادگستری است.

بهشتی: این اشکال مورد توجه همه هست. این بحران طبیعی دو جنبه دارد. دولت باید محور این کارها قرار بگیرد. محور شدن دولت با قانون نیست، این حسن انتخاب است. نه این که آقایان نمی‌خواهید، یک مقدار افراد کم [داریم]، یک مقدار تراکم کار [است]. باید رفت سراغ فرمول که قانون‌ها محکم باشند. در مقام عمل... احتیاج



به تذکر هست. [در مورد] خود جنابعالی احتیاج به این تذکرها هست. دولت باید استانداردهایش اسلامی باشد، [اما] توجه نشده.

مهندس بازرگان: عملاً نمی‌توانیم. آن قدر شرایط هست که ما را بر عدم حل مسئله می‌اندازد. یک وقت دو مجهول است، یک وقت چهل مجهول است. ما تا آنجا که مقدور است، انجام می‌دهیم. صباغیان ان شاء الله شانس بیش‌تر داشته باشد. در مورد وزیر جنگ، من می‌دانستم ریاحی نمازخون نیست، رئیس ستاد نمازخون نیست. مسعودی: من نماز رئیس ستاد را دیده‌ام.

قطب‌زاده: متذکر بودن، باید آدم اظهار کند. افراد دولت توجه بکنند. ماده قانونی آوردن سبب ایراد به صلاحیت افراد می‌شود و دامنه شرع اقدس وسیع است و اشکال ایجاد می‌کند. اصرار در آن سبب باز شدن راه اعتراض است که لزوماً هم صحیح نیست.

خامنه‌ای: شرایط این آئین‌نامه‌ها مثل خودش برای مردم روشن نیست. اشکال آقای مهندس را درک نمی‌کند. میناچی: وکیلش می‌گوید.

خامنه‌ای: برای کسانی که تعیین‌کننده هستند، آئین‌نامه مطرح است، جزو شرایط وزرا بوده، وزیر دفاع نماز نمی‌خواند، کسی به او ایراد نگرفته‌اند. در تمام ایران چند درصد مردم قانون اساسی و قوانین مربوطه را خوانده‌اند [؟]

مسعودی: الان می‌خوانند.

قطب‌زاده: آن‌که به دادگاه می‌رود، می‌خواند.

مهندس سبحانی: هرکس در معرض اتهام است [می‌خواند].

خامنه‌ای: حرف من درست گفته نشد.

قطب‌زاده: اکثراً حرف [...]

مهندس سبحانی: در رژیم سابق ناله مردم از قدرت قوه اجرائیه بود. شرایط را باید در نظر گرفت. حالا بر عکس است. هر کس برای خودش قوه است. در کنار آن فرعیات کمیته، پاسدار، دادگاه انقلاب. در این بلبشو نجات انقلاب در چیست [؟] روحی که در تصویب قانون باید بر ما حاکم باشد، قدرت دادن به قوه مجریه است.

سوءنیت نیست. به علت سرکوب شدن 50 ساله این اقدامات می شود. در کلیه جاها کاری بشود که قدرت به قوه مجریه داده شود.

میناچی: اشکال کار ما کمی حاصله از رژیم سابق است. وزیر دادگستری مسلمان، اول شراب خوار انتخاب نمی کند؛ به درجات اقدام می کند.

بهشتی: نکته ای که دولت [باید] توجه کند این است [که باید] دولت کارهایشان بر سمت جلب و استمرار تأیید افکار عمومی برود. یکی از ضربه پذیرترین [مسائل]، کم دقتی در رعایت معیارهای اسلامی است. دو جور معمم داریم: یکی درگیری در داخل و خارج خودشان بر پایه مسائل شخصی است، یک عده که حساسیت دارند با هماهنگی کارها با مسائل اجتماع [که] اینها در میان مردم محبوب ترند. حاج میزجواد تهرانی<sup>1</sup> در مشهد از کسی خواسته ای نداشته. کاری بشود [که] دادگاه فوق العاده پذیرش عمومی داشته باشد. در همدان به دادستان ایراد بود و نق شخصی نبود. قیود برای این است که اگر از نظر قضایی ضعیف و از نظر دینی شدیدتر باشد، بهتر است.

هاشمی: قسمتی [از] حرف [این بود که] دولت باید تمرکز داشته باشد. دادگاه قوی، خودش مسائل خود را حل می کند. حرف مهندس بازرگان و میناچی این بود که خود دولت می کند. واقعیت این است [و] تجربه نشان داد [که] نشده. بهتر از شما نبود، صدر که آن قدر تکیه روی او است. در سندج افسر توده ای که هنوز چپی است [...]. خود مهندس بازرگان اگر دستشان باز نبود، جای قرنی، فرید آمد. خود ریاحی، به جای مدنی. خیلی جاها صلاح نبود. این قیدها سبب محکم شدن می شود.

مهندس بازرگان: مطالبی است. قدری [از بحث] خارج می شود. چون مرتب می گویند، باید توضیح داده شود. در رابطه این که باید خیلی دینی باشد، جناب بهشتی یک طرف قضیه را توجه می کنند. اکثریت این طوری نیست. عکس العمل آن طرفی پیدا شده، چرا مملکت و دولت آخوندی نمی شود. روحیه هست. متأسفانه این وضع درست در [خلاف] جهت [ی است] که ما، شما و خود امام علاقمند بودیم. هدف نهایی، حکومت اسلامی است. وضع طوری شده [که] علیه اسلام در خارج بود، حالا در داخل هم شده. در هیأت وزرا مطرح شد، چه تاثیری به دست داد، دکتر سبحانی به گریه افتاد. برخوردی را ذکر می کرد، در میدان تجریش بحث می شود بین خانم محجبه [و] یک نفر دیگر، من صلوات بفرستم، نماز نمی خوانم، چادرش را می اندازد خانه ما شبانه. چه کردند. آنقدر قاضی شرع می آورید به ضرر دادگاه و آبروی اسلام است. امروز اتمسفری در مملکت پیدا شده. دختر من تعریف می کرد

---

1. آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (1283-1368) فقیه و نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی.

از قول زن‌های دیگر، روسری داشتند و برداشتند و تعهد دارند دکلمه بیوشند. متقی و مؤمن نگذارید، توبه می‌کنند. زمانی که دبیرستان کمال قرار بود تشکیل شود، عباسعلی اسلامی<sup>1</sup> اصرار داشت (دکتر سبحانی - بنده، مزینی بودیم و مرحوم اخوی بنده) اسلامی باشد، گفتیم یا کار می‌کند، می‌گوییم به نام اسلام تمام می‌شود، ولی اگر کار خوب بکند، می‌گویند دکتر سبحانی کرد، یک استاد مسلمان. این نکته روانی را توجه ندارند. نکته‌ای که برای دفعه دهم می‌آید، در شرکت نفت گله کردم، در زمینه ملی شدن نفت و جریان خلع ید و برگشتن و 28 مرداد، به چه دلایل پیروز شدیم و به چه دلایلی شکست خوردیم و تمام حرف‌های شکست در حرف‌های درک رئیس شرکت نفت بود. گفتم نارضایتی از چیست، حتماً هست. در تبع کسانی چیزهایی داشته [که] از دست می‌دهند، دسته دیگر چیزهایی نداشته و نمی‌رسند، بیش تر ناراضی می‌شوند. گله کردم، گفتم فقط من تنها و بی‌زبان بودم، یک در میان در تمام بحث‌ها و آقا تأیید کردند که در عرض چند ماه همه چیز نخواهند. مهلت بدهید. رهبران با دولت، هم‌زبان و هم‌گام نبودند. وظیفه آقایان به‌خاطر انقلاب و اسلام این بود [که] به مردم بگویند افکار عمومی منتظر نباشید انتصابات همه‌اش مطابق اسلام باشد. چون شما رد نکردید، بلکه تأیید کردید. ما نمی‌توانیم، نه این که نخواهیم. پانصد میلیارد مفت باید به دستگاه دولت داد. در وزارت خارجه سرها را دور ریخت. آقای صدر تمام استاندارهای خارج را دور ریخت. تاج یا اسلامی ناباب‌ها را کنار زده. روز اول راجع به وزیر، معاون و مدیرکل بود، جاده نیست، همه هم‌زبان با این واقعیت و ضرورت را مصلحت بشوند، کارمندها اصلاح بشوند. یک مرض بزرگ، تمام دستگاه دولت ما را گرفته، روح کم‌کاری و توطئه‌گری. خود آقا، معاونش هم می‌گفت بیرون کنیم، جای دیگر می‌گویند به ما بگویید انتصابات انتخابات. به خدا ما نمی‌خواهیم، شما که می‌شناسید کجا خوب است، خودتان اداره کنید. یازده نفر از وزرا روز شنبه استعفا دادند. تا دادگاه انقلاب هست، نمی‌توانیم کار کنیم. واقعاً قصد این است. من جزو امضاکنندگان نبودم، منع کردم، حالا خودم هم جزو آنها هستم. ما چه گناه کردیم [؟] برنامه این بود از سه چیز، دادگاه زیر نظر دولت، کمیته‌ها زیر نظر دولت [باشند]. مردم پیش آقا این تاج و تخت موسوی: شما چرا ناراحت شدید؟

مهندس بازرگان: خودتان معین کنید. صد بار گفته شده روی انتصابات بروند، ما نمی‌توانیم

موسوی: من که تصمیم دارم آرام باشم، شما دارید خراب می‌کنید.

---

1. شیخ عباسعلی اسلامی (1364-1281) مبلغ فرهنگی و مذهبی و مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی.

مهندس بازرگان: باعث اوقات تلخی.

موسوی: به خاطر انقلاب و مصلحت مردم حرف می‌زنیم. من به عنوان یک رأی. شما اگر می‌دانید صلاح این است، عمل کنید. اگر دیدید خوب نیست، به ما بگویید یک گوشه کار را بگیریم. شما بیش‌تر به کله ما می‌زنید یا ما در بلندگو، در نطق [؟] ما یواشکی می‌گوییم. اسم ما این است، آخوند هستیم.

مهندس بازرگان: روزنامه.

هاشمی: نسبت به آن خانم که گریه کرد، این نامه که آورده‌ام، اگر این انقلاب اسلامی است، ما مسلمان نیستیم. از هشت معاون که همه فاسد بودند، دو تا عوض نشده. آنچه به ضرر اسلام است، اینها مبشر دادگاه انقلاب، افراد ناباب ادارات و غیره که بی‌دین می‌شوند، مهندس تاج کسی را نگه داشته که یک سخنرانی کردم برای حفظ آرامش. والله العظیم ما دفاع می‌کنیم از دولت و انتصاب.

مهندس بازرگان: دفاع نکنید، نمازخوان نیست.

هاشمی: ما دولت را اسلامی می‌دانیم. حرف‌ها که بحث می‌شود برای کار. حربه همیشگی وزرا، [این است که] استعفا می‌دهند. ما استعفا بدهیم، شما راحت می‌شوید [؟] شما امیدهای ما هستید. تا بحث می‌شود، عصبانی می‌شوید.

مهندس بازرگان: حرف غیرمنطقی عصبانی می‌کند.

هاشمی: اینجا بحث تصمیم‌گیری است.

بهشتی: شما آقای مهندس مطمئن باشید، در هفته گذشته به عنوان یک فرد، تمام تاثیر و اعتبار اجتماعی را به کار بردم [در مورد] دو فاجعه که در دستگاه حکومت، نه حکومت شما، خود ما، یکی [در] سازمان آب، یکی [در] دادگستری [پیش آمده بود]. در سازمان آب نامه‌ای نوشتند که به مهندس تاج داده‌اند اضافه‌کار ما را نزنند، بودجه کم است، خانه سازمانی دست کسی است که خودش خانه دارد [و] اجاره داده، ماشین دولتی چرا عصرها دست افراد است [؟] هم حق ایاب و ذهاب در لیست دارند، هم ماشین. ما به علت لزوم اطاعت از دولت حرف نزدیم. حرف‌هایی که شما می‌گویید نمی‌زنید، در جمع گفته‌ایم. به تاج تلفن زدیم، نبود. به نخست‌وزیر [...] کارکنان دادگستری همین وضع [را دارند]. ما عکس، عمل می‌کنیم. بیرون سعی می‌شود تا آنجا که توجیه می‌شود، حمایت [صورت گیرد]، در داخل باید تذکر داد. آقایان تحمل می‌کنند. اگر روی نظرات است، تأکید نکنیم [؟] این منطق

خود شما هم نیست. در مقام عملی چه تحملی کردیم [؟] من شخصاً کدام فرد را گفته‌ام باشد [؟] مردم از اسلام زده می‌شوند [؟] از نارسایی ما و شما هستند. اگر افراد غیرمسلمان بیایند، به نام این انقلاب تمام می‌شود. سعی کنیم با همفکری و همکاری با خواسته‌های مشروع مردم مواجه شویم (مهندس بازرگان رفت، معین فر آمد).

\*\*\*

[موضوع: ادامه بررسی لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های ضد انقلاب:]

بهشتی: یک نفر از قضات دادگستری که به انقلاب اسلامی ایران مؤمن باشد.

مهدوی: مرحله مرحله بودن پیاده کردن اسلام مطرح باشد.

شیبانی: به انقلاب اسلامی مؤمن باشد.

جلالی: دادگاه دولت است، مؤمن است.

بهشتی: به انقلاب اسلامی ایران ایمان داشته باشد.

با هشت رأی تصویب شد. برای وکیل دادگستری هم [این شرط] ذکر شد.

میناچی: این شرایط یک بار ذکر شد.

بهشتی: ریاست دادگاه به انتخاب اعضا، و رأی اکثریت مناط اعتبار است.

مهدوی: معتبر است.

موسوی: من تذکر دارم. این مقدمه است. با از بین رفتن دادگاه انقلاب، بودن قاضی شرع در این دادگاه، ماهیت خود را از دست بدهد. دولت تقاضا بنویسد [که] دادگاه‌ها را می‌توانیم اداره کنیم و این وضع را لازم نمی‌دانیم. اگر وبال دارد گردن دولت، حسن آن هم برای او [باشد]، با تصویب چیزی که شترگاوپلنگ است. آقا این قاضی شرع را قبول نمی‌کند. ما دستمان باز باشد؛ اگر دولت شکست خورد و عملی نشد، این کار را بکنیم.

بهشتی: دولت به تشکیل دادگاه فوق‌العاده احتیاج دارد، لایحه می‌آورد یا دادگاه فعلی نمی‌تواند این کار را بکند.

خامنه‌ای: جلسه قبل این لایحه مطرح شد. بنده پیشنهاد دادم که علی‌الظاهر پسندیدید. دادگاه انقلاب برای جرایم ضدانقلابی گذشته [بوده و به] مسائل ضدانقلاب کنونی توجه نشده و این دادگاه برای جرایم کنونی بشود و خیلی

لازم نیست تقید موازین شرعی دادگاه انقلاب بشود. اگر تفکیک کنیم، دادگاه انقلاب می ماند و پس از مدتی کارش تمام می شود. قاضی شرع برای تنبیه اسلامی است (دکتر صدر آمد).

قطب زاده: [به] کتک زدن مراجعین در دادگاهها رسیدگی شود (معین فر آمد).

موسوی: دولت لایحه بیاورد دادگاه (بنی صدر آمد).

بهشتی: مشکل قانون اگر قضایی باشد ممکن فعلی قاضی شرع نمی خواهد. اگر قاضی شرع باشد، تجدیدنظر نباشد.

میناچی: ما فکر می کردیم آقایان اصرار به قاضی شرع دارند.

معین فر همین را تأکید کرد.

موسوی: راهی پیدا کنید [تا] واگذار به دولت بشود.

بهشتی: قاضی شرع نباشد.

معین فر: سه نفر از قضات بازنشسته یا شاغل.

ماده دو: دادگاه فوق العاده از سه نفر قضات دادگستری و یا حقوقدان که به موازین اسلامی آشنا و به انقلاب اسلامی مؤمن باشند.

ماده دو اصلاح شد.

به اکثریت تصویب شد.

مهدوی: موافقت نداشتند.

دادگاه فوق العاده از سه قاضی تشکیل می شود که به وسیله وزیر دادگستری از میان قضات شاغل یا بازنشسته یا حقوق دانان دیگر که به موازین قضایی اسلام و به انقلاب اسلامی ایران مؤمن باشد، انتخاب می گردند.

مسعودی: علی البدل معین کنید.

بهشتی: بعداً معین می کنند. مبحث ذکر شده معلوم نیست.

میناچی، مواد مذکور را خواند. قانون مقدمین است که قبلاً در صلاحیت دادگاه نظامی بوده تا پایان ماده 61.

مهندس سحابی: رؤسای ادارات دولت و بانک‌ها که نقل و انتقال ارز می‌کنند.

شیبانی: انتقال ارز ذکر شود.

میناچی: عناوین قانونی مجازات آن معین است. مال ارز مجازات ندارد.

بهشتی: فرش صادر کرده، سرمایه دولت است، باید ارز را پس بدهد.

سحابی: دولت وام می‌دهد مواد اولیه بیاورد یا کارخانه قرار می‌گذارد بیست درصد کم‌تر، ولی قسمت ظاهری ارز می‌گیرد.

موسوی: ماده واحده بعد اضافه شود.

میناچی: مواد قانونی فصل پنجم مجازات عمومی خوانده شد.

بهشتی: این قسمت به دادگاه عادی برود.

قطب‌زاده: سر دادگاه شلوغ می‌شود.

میناچی: شما عده‌ای را اعدام کردید.

مهندس سحابی: اگر [به] زندان بروند، آنجا محل فساد می‌شود.

بند ج ماده 4 حذف شد.

مهندس سحابی: دست بردن در دزدی در آن نیست.

میناچی: این قسمت سرفصل مجازات ندارد. اقامت اجباری می‌ماند.

بنی‌صدر: با اصل این بند موافق نیستم. آن وقت همه تهران را باید گرفت.

مهندس سحابی: ده پانزده کارخانه را چهار یا پنج نفر توطئه می‌کنند که از طریق اضافه حقوق و غیره حل نمی‌شود؛

حالا دادگاه انقلاب یا این دادگاه بگیرد.

بهشتی: بنویسید مجازات آنها طی لایحه‌ای مشخص می‌شود یا این که این را برداریم.

ج برداشته شد.

تبصره- ص 2 سه ماه تا سه سال اقامت اجباری.

مهدوی: احکام مسلم اسلام را ذکر کنیم.

هاشمی: تمام گروه‌های ضداسلام را باید نابود کرد، قبلاً در آن مواد آمده بود.

مهندس سبحانی: این لایحه برای کوبیدن افراد سیاسی است.

موسوی: ضربه زدن را بردارید.

خامنه‌ای: محکومیت دست حاکم است.

مهندس سبحانی: بسته به درجه آن از ده سال تا اعدام، هیچ‌جا مواد توطئه‌های برای به هم زدن نظام اقتصادی نیست.

بهشتی: ضربه‌های اساسی بر اقتصاد کشور.

مهندس سبحانی: تا دو ماه دیگر تولید می‌خواهد، تورم دو رقمی [می‌شود]، آن وقت کودتا می‌شود، مثل شیلی. در تمام سطوح کشور، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور.

بهشتی: اخلال در روند اقتصادی کشور.

بنی‌صدر: مورد مشخص شود.

قطب‌زاده: فعلاً ده سال تا اشد مجازات تصویب [شود]، بعد ماده‌ای ذکر شود.

هاشمی: ده سال تا اعدام درست نیست، بر طبق آئین‌نامه که نوشته می‌شود.

خامنه‌ای: در قانون هم هست.

بهشتی: ماده چهار، هرکس برای جدا کردن قلمرو مالکیت یا لطمه وارد آورده، قیام و اقدام نماید، برحسب درجات جرم به کیفر جنایی درجه یک با حبس ابد یا اعدام محکوم می‌شود. حمایت خارجی ذکر شود.

خامنه‌ای: ماده بعدی تند است.



بهشتی: ماده 9 آخر خط 2 و دادگاه (به موضوع) اضافه شد.

میناچی: بازپرس نیست، برای تسریع و گزارش ضابط است.

ماده 12، سطر اول از دادگاه‌های موضوع این لایحه.

ماده 14، مطابق مقررات عمومی رسیدگی می‌نماید.

قطب‌زاده: بعضی جرایم که در آئین‌نامه دادگاه انقلاب ذکر شده، اینجا هست.

-طوفانیان را نگرفته‌اند، برادرش است.

میناچی: عده‌ای را گرفته‌اید، هنوز شکایت علیه آنها می‌خواهید.

خامنه‌ای: این دادگاه با این ترکیب نمی‌تواند کار دادگاه انقلاب را انجام دهد. این نظر به آینده دارد، آن [نظر] به گذشته [دارد].

موسوی: آنها می‌خواهند دخالت دادگاه انقلاب در کارهای دولت از بین برود.

خامنه‌ای: دادگاه را اصلاح کنید.

بهشتی: مسئله اینها را حل نمی‌کند.

موسوی: دولت در دولت است. اصل برای حل این مطلب است.

قطب‌زاده: امکان انحلال دادگاه انقلاب نیست. اگر کار مثبت کرد این دادگاه، می‌شود آن را منحل کرد.

جلالی: این دقت‌ها که روی مواد می‌شود برای این است که دادگستری یا دولت بتواند اینها را عمل کند. در بعضی

جرایم سیاسی، هروئین و غیره، سرعت لازم است که با این دادگاه سرعت نیست.

بهشتی: این لایحه حق انتشار ندارد. بگذارید [برای] هروقت [که] توانستید تشکیل بدهید و عمل کرد.

بنی‌صدر: تا قانون منتشر نشود، نمی‌شود عمل کرد.

موسوی: اگر هر دو باشد، بدتر می‌شود. جاهایی که این تشکیل شد، آن یکی منحل شود. در یک جا، دو جا

[انجام] بشود، ببینیم موفق هست یا نه.

میناچی: نوشته اگر تشکیل شد.

موسوی: عملاً موفق شود.

بهشتی: با تصویب شورای انقلاب منحل می‌شود.

موسوی: اگر موفق بود، درست بشود.

بهشتی: اگر دولت عمل نکرد چه کنیم [؟]

میناچی: اولین کار در تهران است.

بهشتی: اول، جرایم موجود.

قطب‌زاده: ترس از این است، واقعیت این است کلک دادگاه و انقلاب را بکنند.

موسوی: من در دل دوستان هستم. فقط از لحاظ وظیفه شرعی است. ولی این جو نباشد که شورا تحمیل می‌خواهد بکند.

هاشمی: این دادگاه با جرایم جاری رسیدگی می‌کند.

بهشتی: از تاریخ تصویب این قانون در هر استان که دادگاه جدی شوند، جرایم مذکور در این آئین‌نامه از قلمرو حاکمیت دادگاه انقلاب مجزا و بر این دادگاه منتقل می‌شود.

بنی‌صدر: از عهده دادستان کل و دادگاه برنیامدیم.

موسوی: گوش نمی‌کنند. دولت موظف است تأسیس این دادگاه‌ها و انحلال آنها را به شورا گزارش دهد.

بهشتی: تصویب شد با هشت رأی.

در صورت تصویب شورای انقلاب، دادگاه انقلاب منحل شود.

\*\*\*

[موضوع: بنیاد مستضعفان:]

بهشتی: مسئله فوری که بر هر لایحه مقدم است [این است که کار] بنیاد مستضعفین مانده، اساسنامه باید به ثبت برسد. یک کار که در شورا باید انجام شود [این است که] هفت نفر از طرف شورا به عنوان هیأت مؤسس معرفی شوند.

1) موسوی اردبیلی تصویب شد.

2) مهندس سحابی تصویب شد.

3) خامنه‌ای تصویب شد.

4) قطب‌زاده تصویب شد.

5) بنی صدر خودش موافق نیست.

5) هاشمی تصویب شد.

6) مسعودی تصویب شد.

7) بهشتی تصویب شد.

\*\*\*

[موضوع: شوراهای شهر و روستا:]

جلالی: [در خصوص] شوراهای، ملاحظاتی دکتر سحابی دارند. فعلاً در نظر گرفته شورای ده، بخش را انتخاب کند. [در مورد] شورای استان، دکتر سحابی می‌گفت واحد استان، اولین واحد بعد از دولت مرکزی است. انتخاب اعضای شورای استان مستقیم از طرف همه استان انجام شود، آن شورای استان [بر] سایر شوراهای نظارت کند [تا] انتخاب شود.

بهشتی: این مسئله‌ای است که در دستور جلسه باشد.

مهندس سحابی: چیزی نوشته‌ایم به لایحه دادگاه اضافه شود.

جلالی: این بحث شود.

بهشتی: مهم است.

